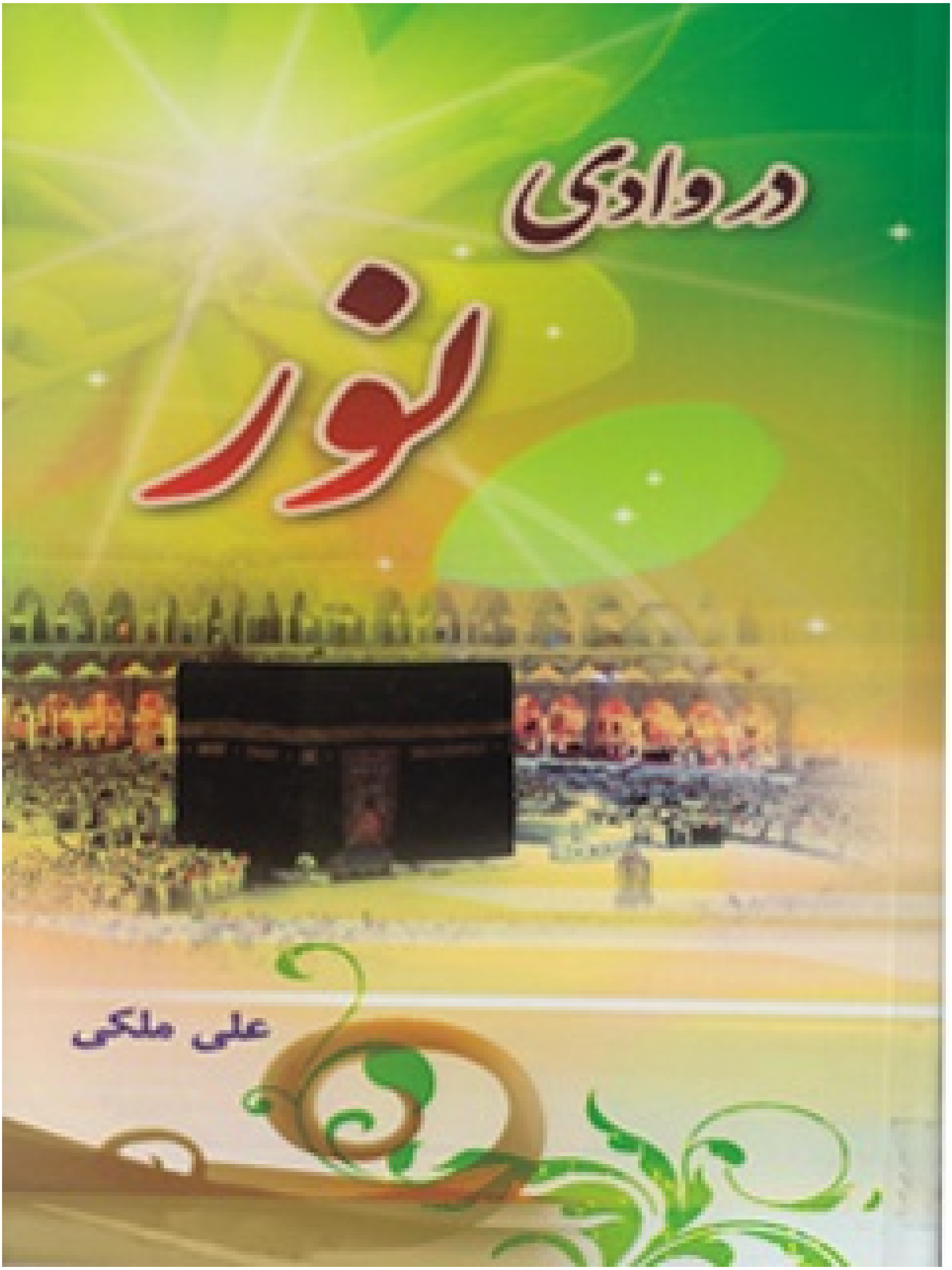

در وادی
نور
علی ملکی

بسم الله الرحمن الرحیم

در وادی نور

نویسنده:

علی ملکی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

در وادی نور

مشخصات کتاب

سرشناسه : ملکی، علی، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور : در وادی نور / علی ملکی.

مشخصات نشر : تهران : نشر مشعر ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۹۱ص.؛ ۱۱ × ۲۱ س‌م.

شابک : ۱۱۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۶۲-۵

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حج

موضوع : زیارت و زائران -- آداب و رسوم

موضوع : دعاها

موضوع : زیارتنامه‌ها

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/م۷۵۷د۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۲۵۷۷۵

ص: ۱

پیش‌گفتار

ای زائرِ عزیز و ای مسافر آستان ملکوتی رسول خدا(ص)، آرام و سبکبال، کوی به کوی و منزل به منزل به سوی وادی رحمت بیا. مرغ رمیده از قفس تن را، در دامان مهرپَروَرَش منزل ده و بال و پر خسته‌ات را به شوق، بر گنبد سبزش بگشای و به اقیانوس کرامت و محبّتش پیوند بزن.

در کمال ادب و تواضع، در حریم پاک رسالت و ولایت حضور یاب و با دلی شکسته، به بارگاه منوّر معصومین مدینه قدم گذار. آغوش مهربان و رئوفشان، به جانب نیازمنـدان گشوده است تا غم و اندوه را از دل بزدایند و به کرشـمه لطفی، چشم‌ها را به مشاهده زیباترین پروازهای روحانی و معنوی بگشایند.

خوشا به حال تو، که به آسمان لایتناهی عشق و

ص: ۲

عرفان وارد شده‌ای. پس با دلی زلال‌تر از شبنم به سوی حرم بیا و چشم‌هایت را با گلاب اشک بشوی و دل به نور هدایت اهل‌بیت: بسپار. ان‌شاءالله

مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آن‌که دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و موبه‌مو عمل شود. حجّاج محترم و روحانیون معظم کاروان‌ها باید تمام همّ خود را صرف در تعلیم و تعلّم مناسک حج کنند. (۱) جملات «حج، به زندگی من معنی بخشید»، «حج زندگی مرا عوض کرد» را مکرّر از زبان حاجیانی که از حج برگشته‌اند، شنیده‌اید؛ البته حاجیانی که به قصد زیارت، نه سیاحت، و به قصد گذراندن یک آموزش الهی و نه فقط انجام یک سِری اعمالِ تکلیف شده، مشرّف شده‌اند. به یقین، چنین زائرینی با یک برنامه‌ریزی درست و دقیق به این هدف بزرگ دست یافته‌اند.

در نوشته پیش رو سعی شده گوشه‌ای از اعمالی که زائران محترم، در مدینه منوّره و مکّه معظّمه بدان نیاز پیدا می‌نمایند و به هنگام تشرّف به مسجدالحرام و حرم مطهّر حضرت ختمی مرتبت و خاندان پاکش: با آن روبه‌رو می‌شوند، در قالب گفتگویی صمیمی بین یک زائر و روحانی کاروان گنجانده و در معرض مطالعه علاقه‌مندان قرار گیرد.

۱- برگرفته از کلام امام خمینی ۱، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۴.

ص: ۳

تلاش ما برآن بوده که مطالب مورد بحث به صورت کاربردی و آسان و به دور از اصطلاحات و تعابیر پیچیده آورده شود تا زائرین محترم با خیالی آسوده از این نوشته استفاده نمایند.

چند یادآوری:

۱- سؤالات طرح شده با توجّه به تجربیات چند ساله و مواجهه با نیازهای ملموس زائرین طرّاحی شده است.

۲- به منظور اختصار و خسته نشدن خواننده، از موضوعات و مطالب مورد نیاز زائر در مدینه و مکه، به صورت گزینشی سخن به میان آمده است.

۳- از آن‌جا که احتمالًا این کتاب- به این شیوه- اولین کار است، قطعاً خالی از نقص و عاری از عیب نیست؛ لذا از خوانندگان محترم خواهشمندیم با ارسال پیشنهادات و نظرات اصلاحی خود، ما را در تکمیل این

اثر یاری نمایند.

(رَبَّنا تَقَبَّل منّا إنّكَ أنتَ السَّميعُ العَليمُ)

مشهد مقدس

علی ملکی

ص: ۴

ص: ۵

فصل اول: مدینه

دعای سفر

امیرمؤمنان، حضرت علیّ‌بن‌ابی‌طالب(ع) می‌فرماید:

(... وَادفَعُوا أمواجَ البَلاءِ بِالدُّعا) (۱)؛ امواج بلا را با دعا از خود دور کنید.»

امام صادق(ع) می‌فرماید:

«آن‌گاه که انسان می‌خواهد از خانه‌اش خارج شود، دعای سفر را بخواند که پیوسته در ضمان خداوند به سر خواهد بُرد تا این که برگردد و خدای مهربان به برکت این دعا او را حفظ می‌کند.»

در آغاز سفر و هنگام خروج از منزل، سه مرتبه بگوید:

«بِاللهِ اخرُجُ وَ بِاللهِ ادخُلُ وَ عَلَی اللهِ اتَوَکّلُ؛ (۲) با نام خدا از خانه خارج می‌شوم و با نام او داخل می‌شوم(بر

۱- سید رضی، محمدبن حسن: نهج البلاغهٔ، مترجم: محمد دشتی، مؤسسهٔ تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، چاپ هفدهم، ۱۳۷۸ ه- ش، قصار ۱۴۶.

۲- شیخ حُرّ عاملی، محمد بن الحسن: وسائل الشیعهٔ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چهارم، ۱۳۹۱ ه- ق، ج ۸، ابواب آداب السفر، باب ۱۹، ح ۲، ص ۲۷۷.

ص: ۶

می‌گردم) و بر او توکّل می‌کنم.»

پس از آن بگوید:

«اللهمَّ افتَحْ لِی فِی وَجْهی هَذا بِخَیرٍ وَ اخْتِمْ لِی بِخَیرٍ وَقِنَا شَرَّ کُلِّ دابَّهٔ، انْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِها انَّ رَبّی عَلَی صِرَاط مُستَقِیم (۱)؛ پروردگارا! این سفر را برای من با خیر و صلاح بگشا و عاقبت مرا ختم به خیر نما و ما را از شرّ هر جنبنده‌ای که اختیارش به دست توست نگهدار، همانا پروردگارم بر

۱- شیخ حُرّ عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۸، ابواب آداب السفر، باب ۱۹، ح ۲، ص ۲۷۷.

ص: ۷

صراط مستقیم است.»

نیز بگوید:

«اللّهُمَّ اجْعَل مَسیری عِبَراً و صَمتی تَفَکُّراً وَ کَلامی ذِکراً (۱)

؛ خدایا! سفر مرا عبرت، سکوت مرا تفکّر و سخن مرا ذکر خودت قرار ده.»

همچنین برای محفوظ ماندن از بلاها و خطرهای سفر، هنگام حرکت از خانه بگوید:

«بِسمِ اللّهِ آمَنتُ بِاللّهِ وَ تَوکَّلْتُ عَلَی اللّهِ مَاشَاءَ اللّهِ لَا حَولَ وَ لَا قُوَّةَ الّا بِاللّهِ.» (۲)

امام صادق(ع): فرمود: هنگام سفر خوانده شود:

(اللّهُمَّ احفَظنِی وَ احفَظ مَا مَعِی وسَلِّمنی و سَلِّم ما مَعی وَ بَلِّغنِی وَ بلِّغ ما مَعی بِبَلَاغِکَ الحَسَنِ الجَمیل.) (۳)(خداوندا! من و آنچه با من است را محفوظ و سلامت دار و به سلامت و نیکویی به مقصدمان برسان.

و حضرت رضا(ع) می‌فرمایند: هنگام سوار شدن بر مرکب(ماشین و هواپیما) بگوید:

(سُبحانَ الّذی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنّا لَهُ

۱- همان، باب ۲۱، ح ۲، ص ۲۸۵.

۲- همان، باب ۱۹، ح ۶، ص ۲۷۹.

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۸، ابواب آداب السفر، باب ۱۹، ح ۱، ص ۲۷۷.

ص: ۸

مُقرِنینَ وَ إنّا إلی رَبّنا لَمُنقَلِبُونَ. (۱)

(پاک است کسی که این را مسخّر ما ساخت وگرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم و به راستی که ما به سوی پروردگارمان باز خواهیم گشت.

هم‌چنین قبل از سفر از دادن صدقه، انجام غسل، خواندن دو رکعت نماز، تلاوت آیةالکرسی، حمد و سوره، قل اعوذ بربّ الناس، قل اعوذ بربّ الفلق و سایر دعاهای وارده و مهم‌تر از همه وصیّت را فراموش

۱- همان، باب ۲۰، ح ۸، ص ۲۸۴.

ص: ۹

ننماییم. (۱)

حضرت صادق(ع) توصیه‌ها و سفارشاتی به ما، هنگام عزیمت به این سفر دارند:

۱. وقتی قصد رفتن کردی، ذهن و فکر و قلبت را از هر چه غیر خداست تخلیه کن و با تمام وجود، خود را به خدا بسپار و خود را در اختیار او قرار ده تا هر چه صلاح است انجام شود.

۲. از فکر زندگی روزمرّه و مردم و اطرافیان و رفاه و راحتی بیرون بیا و فقط به خدا فکر کن مبادا به نیروی خود یا پول و آشنایان یا علم و اطلاعات خود دلخوش باشی! جز به خدا تکیه نکن و جز به نیروی او امیدوار نباش.

۳. طوری قصد رفتن کن که گویا دیگر قصد بازگشت نداری و به دیدار خدا می‌روی.

۴. وقتی غسل احرام می‌کنی از هر چه غیر خداست خود را بشوی.

۵. وقتی احرام می‌پوشی لباس راستی و درستی، صفا و صمیمیت و تواضع و خضوع بپوش و قلب خود را از هر چه غیر خداست خالی کن.

۶. وقتی لبّیک می‌گویی با تمام وجود روی به خدا بیاور.

۷. وقتی طواف می‌کنی، قلبت هم به همراه ملائکه خداوند و به دور عرش الهی طواف کند.

۸.

۱- همان، ابواب ۱۳، ۱۸ و ۱۹.

ص: ۱۰

۹. وقتی سعی بین صفا و مروه می‌کنی از غیر خدا فرار کن، از خودبینی، از غفلت و بی‌خیالی، از زیاده‌خواهی و ظلم فرار کن. (۱)

زیارت و آداب آن

با عرض سلام و ادب خدمت شما دوستان محترم و زائران گرامی حرم رسول خدا(ص) و دُخت عزیزش حضرت فاطمه ۳ و حرم مطهر ائمّه بقیع:، امیدوارم در این مدت کوتاهی که به سرعت می‌گذرد و ناگاه چشم باز می‌کنید، می‌بینید راهی میقات برای احرام و حرکت به طرف مکّه هستید، از

۱- مصباح الشریعهٔ، صفحه ۴۷.

ص: ۱۱

لحظه لحظه‌های این سفر معنوی، استفاده‌های شایان بنمایید و قدر و قیمت اینگونه فرصت‌ها را غنیمت شمرده و برای تمام ساعات شبانه روزِ آن برنامه داشته باشید.

این سفر، میهمانی ویژه خدای مهربان است. میزبان آن، خدای کریم و میهمانش، بنده عاصی و خطاکار، و سفره آن، سفره انواع فیوضات رحمانی است. این شما و همّت شما تا چطور استفاده کنید و چقدر زاد و توشه بردارید.

بنده به عنوان روحانی کاروان و مهم‌تر از آن به عنوان یک دوست خوب در خدمت شما هستم و تا جایی که بتوانم از انتقال اطلاعات و تجربیات خویش که محصول زحمات گذشتگان و مطالعات اندکم می‌باشد، به شما دریغ نخواهم کرد. البته دوست دارم شما هم با طرح سؤالات و نظرات خویش در پخته‌تر و پربارتر شدن مطالب، مرا یاری نمایید.

من هم خدمت شما عرض احترام و ادب دارم و از خداوند توفیق بهره‌برداری بهتر و بیشتر از این سفر پر خیر و برکت را خواستارم.

به عنوان اولین سؤال، اگر ممکن است، بگویید، ما در شهر مدینه چه کنیم؟ چه عمل یا اعمالی جزء بهترین کارهایی است که منِ زائر می‌توانم انجام دهم؟

ص: ۱۲

مرقد مطهّر رسول گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله(ص) باید کانون همه برنامه‌های زیارتی ما باشد. (۱) و در کنار آن، زیارت قبر گم‌شده حضرت فاطمه زهرا ۳(که به احتمال قوی داخل خانه خود مدفون شده است و در حال حاضر کنار ضریح مطهّر رسول خدا(ص)، در قسمت شمالی آن قرار دارد؛ جایی که برای بانوان نیز در وقت اختصاصی بانوان دسترسی به آن ممکن است.) و زیارت چهار امام مدفون در

۱- پیامبر اعظم(ص) می‌فرماید کسی که مرا در حال حیاتم یا بعد از وفاتم، زیارت کند، من شفیع و همنشین او در روز قیامت خواهم بود.. شیخ حُرّ عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۱۰، ابواب المزار و ماایناسبه، باب سوم، ح ۵، ۸ و ۹، ص ۲۶۲.

ص: ۱۳

بقیع(امام حسن مجتبی، امام سجّاد، امام باقر و امام صادق:). (۱) و از زیارت بزرگان دیگر از وابستگان به اهل بیت مثل فاطمه بنت اسد مادر علیّ بن ابی طالب(ع)، ابراهیم فرزند شانزده ماهه پیامبر(ص)، عقیل برادر علیّ‌بن‌ابی‌طالب(ع) و ...، از زیارت صحابه جلیل‌القدری مثل عثمان‌بن‌مظعون، سعدبن‌معاذ و ... و نیز از زیارت سایر مؤمنان و شیعیان ایرانی و غیر ایرانی مدفون در بقیع هم نباید غافل شد. هر گلی بویی دارد و روح هر بزرگی پذیرائی خاصّی از ما می‌کند. (۲) چگونه پیامبر خدا(ص) و ائمّه اطهار: را زیارت کنیم؟

هر طور که می‌توانید؛ با زیارت مخصوص آنها که در کتاب ادعیه و آداب حرمین یا کتاب‌های دیگر زیارت وجود دارد، یا با زیارت‌های عمومی مثل زیارت امین الله، زیارت جامعه کبیره و ... حتی با عرض

۱- امام صادق(ع): کسی که ما را بعد از وفات زیارت کند، گویا در حال حیات ما، ما را زیارت نموده است. شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعهٔ، ج ۱۰، ابواب المزار، باب ۲، ح ۲۴، ص ۲۶۰.

۲- حضرت علی(ع): مردگان خود را زیارت نمایید، چرا که باعث خوش‌حالی آن‌ها خواهد شد، و بعد از زیارتِ مرقد پدر و مادرتان حاجات خود را از خداوند بخواهید. شیخ حُرّ عاملی، وسائل‌الشیعهٔ، ج ۲، ابواب الدفن، باب ۵۴، ح ۵، ص ۸۷۸.

ص: ۱۴

یک سلام هم زیارت صحیح است مثلًا در زیارت رسول گرامی اسلام بگویید: «السّلام علیک یا رسول الله». (۱) بهترین زیارت چه زیارتی است؟

شاید زیارت امین الله و زیارت جامعه کبیره و در ماه رجب زیارت رجبیّه.

قبل از زیارت، چه باید کرد؟

بایدی در کار نیست، بلکه مستحب است انسان غسل زیارت کند. یک غسل به نیت زیارت

۱- امام رضا(ع): وقتی داخل مسجدالنبی(ص) و یا خارج می‌شوی بر پیامبر خدا سلام کن حتی اگر از راه دور باشد. شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعهٔ، ج ۱۰، ابواب المزار، باب ۵، ح ۱، ص ۲۶۵.

ص: ۱۵

رسول خدا(ص) و دخت گرامی‌شان و چهار امام معصوم در بقیع:، مثل غسل‌هایی که همیشه انجام می‌دهیم. (۱) آیا با غسل زیارت می‌شود نماز یا قرآن خواند یا دعا و زیارت نمود؟

با غسل زیارت نمی‌توانید نماز بخوانید و برای قرآن خواندن و دعا و زیارت بهتر است وضو بگیرید. (۲) دیگر، چه کاری انجام دهیم و چه چیزهایی را رعایت کنیم؟

لباس پاکیزه بپوشیم، خود را معطّر کنیم، با توجّه کامل و قدم‌های آهسته و مؤدّبانه و با ذکر و صلوات به سوی حرم حرکت نماییم. متوجّه باشیم که چه کسی را می‌خواهیم زیارت کنیم. بگذاریم زیارت اثرش را در ما بگذارد. از ادب حضور در کنار قبور اهل بیت: غافل نباشیم. مبادا در مسیر تشرّف به حرم یا موقع زیارت و یا حتی بعد از زیارت مشغول صحبت از دنیا، خرید سوغاتی و اینگونه مسائل شویم.

اگر ما سواد نداشته باشیم یا عربی را درست تلفّظ نکنیم به زیارت ما ضربه می‌خورد؟

۱- امام صادق(ع) فرمود: قبل از ورود به مدینه(در صورت عدم امکان قبل از پرواز و در محل سکونتتان رجاءً بجا آورده شود) و قبل از دخول در حرم، غسل نما. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب المزار،، باب ۶، ح ۱، ص ۲۶۶.

۲- رجوع کنید به توضیح المسائل مراجع، مسأله ۶۴۴.

ص: ۱۶

هرگز! بلکه مهم ارتباط دل ما و اتّصال روح ما به ارواح مطهّر آن بزرگواران است. ای بسا زیارت فارسی و با توجّه، بهتر از خواندن زیارت‌نامه طولانی بدون درک معانی آن باشد.

البته اگر کسی عربی بلد باشد و به معنای زیارت و دعا هم توجّه کند و حضور ذهن و حال دعا هم داشته باشد، بهتر است. پس نگران نباشید، هر طور و هر چقدر می‌توانید زیارت و دعا کنید و از فیض حضور در حریم یار استفاده نمایید. نورانیت قبور اهل‌بیت: اکسیر نایابی است که بر دل هر مشتاقی بتابد، آن‌را غرق در نور و سرور می‌نماید.

ص: ۱۷

بعد از تمام شدن زیارت چه باید کرد؟

برگزاری نماز زیارت برای معصومین:

بـدین صورت که برای هر یـک از زیارت‌شونـدگان یک نماز دو رکعتی مثل نماز صبح، به نیت نماز زیارت می‌خوانیم. اگر نشاط نداریم یا خسته‌ایم می‌شود یک نماز دو رکعتی به نیّت همه آن بزرگواران خواند. این نماز را می‌توانیم نشسته هم بخوانیم. امّا برای غیر معصومین، «به جز حضرت اباالفضل العباس و حضرت علی اکبر(ع)» (۱) چه سیّد باشند یا غیر سیّد، عالم باشند یا غیر عالم، امامزاده باشند یا غیر امامزاده، چون نماز زیارت ندارند و خواندن نماز به عنوان نماز زیارت بدعت و حرام است، می‌توان حدّاقل دو رکعت نماز خواند و ثواب آن را به روح آنان هدیه نمود.

در کجا نماز بخوانیم؟ بعضی در کنار دیوارهای بقیع نماز زیارت می‌خوانند ما هم همین کار را بکنیم؟

خیر، نمازهای زیارت را مناسب است در حرم مطهّر حضرت محمّد(ص) بخوانیم. یعنی داخل مسجدالنبیّ(ص)، که البتّه درهر کجای مسجد باشد عیبی ندارد. اگر در روضه منوّره، کنار ضریح مقدّس حضرت محمّد مصطفی(ص) بخوانیم خیلی عالی است. تأکید

۱- برای حضرت اباالفضل العباس و حضرت علی‌اکبر ۸ نماز زیارت وارد شده است.

ص: ۱۸

می کنم، کنار بقیع کسی نماز نخوانـد چراکه، این کار باعث خرده گیری و برداشت سوء دیگران شـده! و احیاناً موجب دردسر برای نمازگزار خواهد شد.

ص: ۱۹

دعا و استجابت آن

در قنوت نماز زیارت یا بعد از تمام شدن آن، خواسته‌های خویش را مدّ نظر قرار دهیم و آنها را با معادن فیض و کَرَم و جود در میان بگذاریم مطمئن باشیم که اگر به صلاح ما باشد حتماً اجابت خواهند کرد.

خوب شد موضوع خواسته و حاجت طلبیدن از ائمّه را مطرح کردید. به نظر شما چه چیزی را در دعاهایمان در اولویّت قرار دهیم؟

این بحث، بحث مفصّلی است. به نظر من دعا برای فرج مولایمان حضرت حجّهٔ بن الحسن المهدی [باید در رأس خواسته‌هایمان باشد.

بعد از آن برای سربلندی اسلام و مسلمین، نابودی دشمنان دین، بهبود شرایط فرهنگی و اقتصادی جامعه، ازدواج، اشتغال و مسکن جوانانمان، عاقبت به خیری، توفیقات رهبری و مسئولین خدمتگزار، شفای بیماران، تشرّف به حج و سایر خواسته‌های شخصی ...

ص: ۲۰

همچنین ملتمسین دعا را فراموش نکنیم؛ پدر و مادر، فرزندان و دوستان و آشنایان، اقوام و همسایگان، همه و همه، زیرا دعای عمره‌گزار إن‌شاءالله مستجاب است. (۱) سؤالی در ذهنم هست، نمی‌د

۱- در روایت وارد شده است که رسول خدا(ص) فرمودند: اربَعَةٌ لاتُرَدُّ لَهُم دَعوَةٌ حَتی تُفَتَّح لَهُم ابوابُ السَّماءِ وَ تَصیرَ إلَی العَرشِ: الوالِدُ لِوَلَدِهِ وَ المَظلُومُ عَلی مَن ظَلَمَهُ وَ المُعتَمِرُ حَتّی یرجِعَ وَ الصائِمُ حَتی یُفطِر. چهار گروهند که دعاهای آنها به سویشان باز گردانده نمی‌شود تا این‌که درهای آسمان برایشان گشوده شود و دعاهایشان به عرش الهی برسد(کنایه از استجابت دعاهایشان): ۱- دعای پدر برای فرزندش. ۲- دعای مظلوم علیه کسی که به او ظلم نموده. ۳- دعای عمره‌گزار تا وقتی‌که برگردد. ۴- دعای روزه‌دار تا هنگامی‌که افطار نماید. شیخ حرّ عاملی، وسائل‌الشّیعهٔ، ج ۴، ابواب‌الدعاء، باب ۴۴، ح ۲، ص ۱۱۵۳.

ص: ۲۱

انم بپرسم یا نه؟ می‌ترسم مرتکب بی‌ادبی به ساحت مقدّس ائمّه اطهار: شوم!

هرگونه سؤال و شبهه‌ای دارید، مطرح کنید و بپرسید. پرسیدن عیب نیست، ندانستن عیب است. اساساً سؤال، درِ دانش است تا نپرسی معرفتت بالا نمی‌رود. پس راحت باشید و در خلال صحبت‌ها هرچه به نظرتان می‌رسد بیان کنید.

خوشحالم که روحانی کاروان ما برخورد خوبی دارد و می‌توان با او باب دوستی و گفتگوی علمی و دینی را گشود. شنیده بودم که روحانیّون کاروان‌ها افراد باتجربه ومطّلعی هستند که با سعه صدر و روی گشاده در خدمت زائرین می باشند.

به هر حال بفرمایید چرا ما خیلی از اوقات دعا می‌کنیم، اما دعاهایمان مستجاب نمی‌شود. علّتش چیست که مثلًا در حرم رسول الله(ص) این همه گریه و ناله می‌کنیم و حاجاتمان را با یک دنیا امید و آرزو خدمت رسول الله(ص) یا فاطمهٔ زهرا(س) عرض می‌کنیم اما خبری از رواشدن حاجاتمان نیست مگر خداوند نفرموده از من بخواهید تا برآورده کنم؟ (۱)

۱- وَ قالَ رَبُّکُمْ ادْعُونی أَستَجِبْ لَکُمْ ... و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، تهران، اول، ۱۴۱۲ ه-. ق، سوره غافر، آیه ۶۰.

ص: ۲۲

از ابراز محبّت جناب‌عالی به امثال بنده متشکرم. بحث دعا با همه جوانب آن یک بحث گسترده و دقیق است. شرایط استجابت دعا، موانع استجابت دعا و آداب دعا که آنها را بایـد در کتب مربوطه مطالعه کنید. به صورت اجمالی جواب سؤال شـما را در چند نکته خلاصه می‌کنم:

۱- اگر به صلاحتان باشد خداوند مهربان فوراً به شما می‌دهد.

ص: ۲۳

۲- ممکن است بعد از مدتی خواسته شما برآورده شود. حال چرا فوراً نمی‌دهد و دیرتر می‌دهد عوامل متعدّدی دارد؛ شاید به صلاح شما نیست، شاید مقدماتش فراهم نشده و شاید خداوند دوست دارد بنده‌اش در برابر او ضجّه و ناله بیشتری نماید تا قلبش صفا و صیقل یابد و از این راه به رشد و کمالات معنوی برسد و شاید ...

۳- ممکن است خداوند حکیم در دنیا به شما ندهد و حاجتتان را ذخیره آخرتتان قرار دهد. یعنی در روز قیامت به شما بدهد.

۴- ممکن است حاجت شما را ندهد اما به‌جای آن بلا و مصیبتی از شما و خانواده و زندگی شما برطرف نماید.

۵- ممکن است به جای آن، گناهانتان را بیامرزد.

۶- ممکن است بهتر از آن‌چه می‌خواهید به شما بدهد. یعنی شما با علم و اطلاع محدودتان چیزی از خدا بخواهید و به صلاحتان نباشد، خدای مهربان چون شما را دوست دارد آنرا به شما نمی‌دهد ولی بهتر و مفیدتر از آن را به شما ارزانی می‌دارد. (۱) به هرحال خداوند دستی را که به طرفش دراز شده، خالی برنمی‌گرداند به همین خاطر مستحب است

۱- کلینی رازی، ابی جعفر محمدبن یعقوب: اصول کافی، علمیۀاسلامیه، تهران، بی‌تا، ج ۳، کتاب‌الدّعا، ص ۲۱ به بعد.

ص: ۲۴

انسان دستش را بعد از دعا به سر و صورت و سینه‌اش بمالد و آنرا ببوسد و ببوید. (۱) البته این را هم بگویم، گاهی اوقات موانعی در استجابت دعا وجود دارد که به دست خود ما به وجود آمده و به قول حضرت علی(ع) با دلی آلوده دست به دعا بلند می‌کنیم. خوب چه‌طور یک معشوق به حرف عاشقی گوش کند که سر به هواست، در عشق و ارادتش صادق نیست و مرتّباً با گفتار و رفتارش او را می‌آزارد!

۱- شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۳، کتاب‌الدّعا، باب أنَّ مَن دَعا استُجیبَ له، ح ۲، ص ۲۱۸.

ص: ۲۵

هزار نکته باریکتر ز موی اینجاست

نه هر که سر بتراشد قلندری داند

آیا می‌شود چند کتاب جالب و ساده در باره دعا معرفی کنید؟

شما می‌توانید به کتاب اصول کافی، ج ۳، کتاب الدعا، کتاب آیین نیایش، نوشته ابراهیم غفّاری و تفسیر نمونه؛ ج ۱ ص ۶۴۳، ج ۶ ص ۲۰۹، ج ۱۰ ص ۳۵۷، ج ۲۰ ص ۱۴۶ و ... مراجعه نمایید.

از کجا بفهمیم که زیارت‌های ما مورد قبول خداوند متعال واقع گردیده و از آن همه ثوابی که برای زیارت مرقد مطهّر رسول گرامی اسلام و ائمّه معصومین: در روایات اسلامی وارد شده است خدای ناکرده محروم نشده‌ایم؟

اجمالًا باید دانست که حج و عمره و زیارت باید مقدّمه‌ای برای تحوّل و تغییر باشد، اگر انسان در رفتار و اخلاقش، در روش و منش‌اش، در روحیات و عاداتش، در کسب و کارش، در رفت و آمدش، در زندگی خانوادگی و برخورد با همسر و فرزندانش و خلاصه در جای جای زندگیش، خانه‌تکانی نکند و یا قصد اصلاح و بهبود آن را نداشته باشد، زائر حقیقی نبوده است! زیارت و زمزمه، گریه و گداز، اشک و آه؛ همه و همه به منزله شخم زدن و آماده نمودن زمین دل است تا علف‌های هرز و مُضرّ از صفحه دل کنده

ص: ۲۶

شود و بـذر خوبی‌ها و اخلاق پسـندیده در آن کاشـته شود و إلّا کسـی که بی‌هیچ تغییری و بدون تصـمیم بر اصـلاح درونی به وطن برگردد و قبل و بعد از سـفرش مساوی باشد باید فکری به حال خود کند! پیامبر اعظم(ص) می‌فرمایند «نشانه قبولی حجّ و عمره شما ترک عـادات زشت و روی آوری به آداب زیبـاست» (۱) بنابراین هر چقـدر زیارت بر اعماق جان شـما رسوخ کرده باشد، به همان اندازه اعتقادات و اخلاق و اعمال شما را تحت تأثیر قرار خواهد داد و

۱- ری‌شهری، محمّد: الحجّ و العمرة فی الکتاب و السنّة، دارالحدیث، قم، سوم، ۱۳۸۳ ه- ش، ح ۷۴۱ و ۷۴۲، ص ۲۶۹.

ص: ۲۷

مایه دگرگونی در زوایای زندگی شما خواهد شد!

این سفر یک فرصت بسیار خوبی است که از کارهای روزمرّه و تکراری و از همه اشتغالات دست و پاگیری که در وطن داشتید و باعث می‌شد فرصت سرخاراندن نداشته باشید، فارغ باشید و خیلی بهتر و با خیال جمع بتوانید به خود مشغول باشید و زندگی خود را مرور کنید.

بله واقعاً همین طور است که می‌گویید. وقتی که انسان اینجا می‌آید همه چیز را فراموش می‌کند. فکر می‌کنم این هم از برکات زیارت معصومین: است که ما را غرق در نور و سرور و معنویت می‌کنند و ما را از قید و بند امور مادّی می‌رهانند. دیگر این ما هستیم که باید از این موقعیت استفاده احسن کنیم. خوب بفرمایید در مدینه به غیر از زیارت، چه اعمال دیگری می‌توانیم انجام دهیم؟

قبل از پاسخ به این سؤال شما یک نکته دیگر در مورد دعا خدمتتان عرض کنم و آن اینکه حتماً به معنای جملات زیارت توجّه کنیم. اگر به زبان عربی آشنا نیستیم، زیارت‌نامه با ترجمه همراه داشته باشیم. در ضمن در خواندن بعضی دعاها رعایت حال و حوصله‌مان را هم باید بنمائیم. مثلًا وقتی که

ص: ۲۸

می‌خواهیم زیـارت جـامعه کبیره یـا دعای کمیل یا دعای جوشن کبیر و یا غیر آن بخوانیم، حتماً لازم نیست تا آخر آن زیارت‌نامه یا دعـا را بخوانیم بلکه به قول امـام راحـل(... لاـزم نیست یک دعای طولانی را یک دفعه با عجله و شـتاب بخوانی و تفکّر در معانیش نکنی، بنده و شـما حال حضـرت سیّد سجّاد(ع) را نداریم که آن دعای مفصّل(ابوحمزهٔ ثُمالی) را با حال بخوانیم، شبی یک رُبع آن را، یک ثُلث آن را با حال بخوان و در فَقَراتش تفکّر کن، شاید صاحب حال

ص: ۲۹

شوی.) (۱)

ببخشید کلامتان را قطع می‌کنم از کجا بفهمیم که حال دعا داریم یا نداریم؟

هر کس خودش به روحیات خویش آشناتر است. همه، حال یکسانی ندارنـد. ظرفیت‌ها مختلف است اما اجمالًا بگویيم که اگر شما مثلًا زیارت‌نامه را ورق بزنی و ببینی چند صفحه به آخر مانده یا به جای شور و نشاط و لذّت، حال کسالت و خستگی و دلتنگی به شما دست بدهد، نشانه این است که شما حال مناسب برای ادامه کار ندارید، لذا بقیه دعا و زیارت را بگذارید برای وقتی دیگر.

بلی از سؤال اصلی‌تان دور نشوم. به غیر از زیارت؛ قرائت قرآن، نماز، تفکّر و خلوت با خود، زیارت قبور شهدای احُد، رفتن به مساجد مختلف، به ویژه مسجد قُبا، مطالعه و تعلیم و تعلّم احکام و معارف دینی، معرّفی مذهب شیعه(در صورت امکان و توانایی)، سعی در برآوردن حوائج مؤمنین مخصوصاً همسفران در کاروان اعزامی، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر و غیر آن را می‌شود انجام داد.

لطفاً کمی بیشتر توضیح دهید و بفرمائید

۱- موسوی خمینی، روح الله: شرح چهل حدیث، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران، ۱۳۷۱ ه- ش، ص ۲۲.

ص: ۳۰

کدام یک از موارد بالا ثوابش بیشتر است؟

قبل از اینکه جوابتان را بدهم بد نیست بدانید؛ غرض مهمّ از ثواب، تقرّب به خدا و طی کردن راه کمال و گذاشتن قدمی به جلو در سیر الی‌الله است، یعنی با انجام یک عمل عبادی دلم پاکتر، جانم باصفاتر و اخلاق و رفتارم بهتر گردد. با توجّه به این نکته، شاید نشود یک نسخه واحد برای همه پیچید و گفت این کار برای همه و در هر مکان و زمانی بهتر است بلکه باید دید حال و حوصله ما، آمادگی انجام چه کاری را دارد و میل درونی ما چه چیزی را می‌طلبد،

ص: ۳۱

مثلًا بعضـی قرائت قرآن را بیشتر دوست دارند، عدّه‌ای نماز مستحبی و اشـتغال به تهجد را، گروهی دیگر دعا و مناجات را، شما هم در عین حالی که از ثواب انجام همه این امور نبایـد غافل شوید و خواص و ویتامین هر کدام را جذب قلب و جانتان کنید، ببینید دل شمـا بیشتر میـل به کـدام عمـل دارد، همـان را انجـام دهیـد. البته در روایات ائمّه اطهار برای قرائت قرآن و نماز در مـدینه و مسـجد النبیّ(ص) ارزش خاصـی قائـل شده‌انـد، به طوری که فرموده‌انـد ثواب یک رکعت نماز در مسـجد النبیّ(ص) حـداقل برابر با ثواب یک هزار رکعت (۱) می‌باشد و قرائت قرآن ثواب بیشتری دارد.

در مسجد النبیّ(ص) چه نمازی بخوانیم؟

اگر نماز قضا داریـد و می‌دانیـد چه مقـدار است، آنها را بجا آورید و اگر می‌دانید نماز قضا به عُهده‌تان هست ولی نمی‌دانید چقدر است، مقـدار یقینی را بخوانیـد و اگر اصـلًا نمی‌دانیـد نماز قضا داریـد یا نه می‌توانید نماز قضای احتیاطی بخوانید، مثلًا نیّت کنید دو رکعت نماز قضای صـبح می‌خوانم احتیاطاً و امّا اگر مطمئنّیـد نماز قضا نداریـد نمازهای مسـتحبّی بخوانید. تعداد نمازهای مسـتحبّی زیاد است. که به بعضی از آنها

۱- شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعهٔ، ج ۳، کتاب‌الصلاهٔ، باب ۵۲، ح ۵، ص ۵۳۶.

ص: ۳۲

اشاره می‌شود: نماز شب، نماز جعفر طیّار، نافله‌های روزانه، نماز حاجت، نماز غفیله، ... البته جمع بین هر دو شاید بهتر باشد یعنی گاهی اوقات نماز قضا و گاهی اوقات نماز مستحبی بخوانید. زیرا هم نمازهای قضایتان را به جا آورده‌اید و هم از فیض نمازهای مستحبّی محروم نشده‌اید.

اگر نماز قضا بر گردن شما باشد می‌توانید نمازهای مستحبی بخوانید اما در مسأله روزه این طور نیست یعنی با وجود روزه قضا، نمی‌توانید روزه مستحبّی بگیرید. (۱) ولی نگران نباشید چرا که در ایّامی

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۳۷۳ و مسئله ۱۵۶۳.

ص: ۳۳

مثل پنج‌شنبه اوّل و آخرماه و چهارشنبه اوّل دهه دوّم هر ماه قمری و یا تمام دو ماه رجب و شعبان که روزه آنها مستحبّ است شما می‌توانید به نیّت روزه قضا، روزه بگیرید، آنگاه خداوند مهربان ثواب روزه مستحبّی را هم به شما خواهد داد.

ص: ۳۴

نماز شب

نماز شب به ساده‌ترین روش

هر موقع تصمیم می گیرم نماز شب بخوانم، تا به یاد شرایط و آداب آن می‌افتم، منصرف می‌شوم. فکر می کنم خیلی سخت باشد! اصلًا اینطور نیست، اتفاقاً نماز شب را می‌شود خیلی خلاصه خواند و در عرض چند دقیقه بجا آورد. حدّاقل حدود ده دقیقه. البته اگر شخص، حوصله و وقت کافی دارد، می‌تواند بلکه بهتر است نماز شب را

ص: ۳۵

مفصل‌تر بجا آورد.

نافله شب یا همان نماز شب از مهم‌ترین نمازهای نافله است که در قرآن مجید و روایات اسلامی روی آن تأکید زیادی شده و تأثیر عمیقی در صفای روح و پاکی قلب و تربیت نفوس انسانی و حلّ مشکلات دارد.

اگر بخواهیم به طور مختصر کیفیّت خواندن آن را خدمتتان عرض کنیم این طور است: چهار نماز دو رکعتی به نیت نماز شب، یک نماز دو رکعتی به نیت نماز شَفْعْ و یک نماز یک رکعتی به نیت نماز وَتْرْ.

در تمام رکعات نماز شب می‌توانید فقط حمد تنها بخوانید، ولی بهتر است (۱) در هر یک از رکعت‌های نماز شب، بعد از حمد، سوره‌ای خوانده شود.

در نماز شفع بهتر است بعد از حمد رکعت اول، سوره فلق و بعد از حمد رکعت دوم، سوره ناس خوانده شود و در نماز وتر هم بعد از حمد بهتر است سه مرتبه سوره «توحید» و یک مرتبه سوره «فلق» و یک مرتبه سوره «ناس» را قرائت نمایید. در قنوت‌های نماز شب، هر دعایی اگر چه یک صلوات و یا دعای فارسی باشد، کافی است. ولی در قنوت نماز «وتر»، بهتر است:

۱- این بهتر بودن از باب مستحب در مستحب است یعنی نماز شب مفصّل از نظر تعداد رکعات با نماز شب مختصر فرقی ندارد و فقط در کیفیّت انجام آن است که یک سری از اعمال به صورت مستحب، در آن نماز مستحب قرار داده شده است که به هر مقدار نمازگزار حال و وقت دارد، می‌تواند از آن بهره گیرد.

ص: ۳۶

۱- برای حدّاقل چهل مؤمن دعا کنید: لازم نیست حتماً اسم چهل مؤمن را به ذهن بسپارید بلکه از اقوام و دوستان و آشنایان هر کس که به ذهنتان آمد برایش طلب مغفرت کنید.

۲- هفتاد مرتبه(اسْتَغْفِرُاللهَ رَبّی وَ اتُوبُ الَیه) بگویید.

۳- هفت مرتبه(هذا مَقامُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ)(یعنی این مقام پناه‌آورنده به تو از آتش جهنّم است)، بگویید.

۴- سیصد مرتبه(الْعَفوْ)، بگویید.

تأکید می‌شود به هر اندازه حال و حوصله دارید

ص: ۳۷

نماز شب را طول دهید. پیشوایان ما توقّع ندارند نماز شبی که آنها می‌خواندند ما هم بخوانیم. ما باید به اندازه توان خویش نماز شب و سایر اعمال عبادی را انجام دهیم.

وقت نماز شب چه زمانی است؟

از نصف شب تا اذان صبح، و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود. اگر تا اذان صبح، چهار رکعت یا بیشتر از نماز شب را بجا آورده باشید، بقیه را به نیّت ادا تکمیل کنید. می‌توانید به نماز شفع و وتر نیز اکتفا کنید حتی به یک رکعت نماز وتر.

در صورت عدم موفقیت در بجا آوردن نماز شب، قضای آن را در روز بجا آورید. اگر چه در روایات آمده که خداوند به بنده‌ای که قضای نماز شب را بجا آورد، مباهات نموده و می‌فرماید: ای ملائکه من! بنگرید به بنده‌ام؛ نمازی را که بر او واجب نبود، قضا نمود همانا من او را بخشیدم. (۱) ولی از این نکته اساسی هرگز غافل نباشید که قضا هیچ‌گاه جای شب زنده‌داری در دل شب و همه خواص و برکات عجیب و فراوان آن را نمی‌گیرد.

در ضمن اگر هنگام سحر، دیر از خواب

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۸.

ص: ۳۸

برخاسته‌اید و وقت زیادی به اذان باقی نمانده و می‌خواهید راهی مسجدالنّبی(ص) شده و به نماز جماعت برسید، می‌توانید در حال حرکت به طرف مسجد، پیاده یا سواره، نماز شب خود را بخوانید.

ص: ۳۹

نمازهای مستحبّی

لطفاً درباره سایر نمازهای مستحبّی هم توضیح مختصری بدهید.

. کیفیت نمازهای مستحبّی مثل نماز جعفر طیّار، نماز حاجت، نماز برای پدر و مادر، در مفاتیح‌الجنان و سایر کتب ادعیه آمده، به آن‌ها مراجعه کنید. امّا توضیحاتی در مورد نمازهای مستحبّی خدمتتان مطرح می‌شود.

۱- دو رکعتی هستند و اگر مثلًا گفته شده نماز جعفر طیّار چهار رکعت است یعنی دو نماز دو رکعتی.(بجز نماز وتر که یک رکعت است)

۲- اذان و اقامه ندارند ولی تسبیحات حضرت فاطمه(س) بعد از آنها مستحبّ است.

۳- به جماعت خوانده نمی‌شوند.

۴- خواندن سوره بعد از حمد در آنها واجب نیست.(مگر این که از طرف معصومین:، دستور خاصی برای یک نماز مستحبّی داده شده باشد، مثل نماز

ص: ۴۰

غفیله)

۵- اکتفا به خواندن قسمتی از یک سوره بعد از حمد می‌توان کرد.

۶- می‌توان بعد از حمد چند سوره خواند.

۷- سجده سهو و نماز احتیاط ندارند.

۸- اگرسهواً رکنی از ارکان نماز مثل رکوع یا دو سجده در آنها اضافه شود، نماز باطل نمی‌شود.

(ص)- می‌شود در حال نشسته، خوابیده یا در حال حرکت خواند(اگر نماز مستحبّی را در حال حرکت بخوانیم رعایت قبله لازم نیست)

ص: ۴۱

۱۰- می‌شود یک رکعت را ایستاده و یک رکعت را نشسته خواند بلکه می‌شود قسمتی از یک رکعت را ایستاده و قسمتی را نشسته خواند.

۱۱- قطع کردن آن در حال اختیار جایز است.

۱۲- به نیّت اموات و گذشتگان هم می‌شود خواند، یا این‌که در ثواب آن، دیگران(مرده یا زنده، یک نفر یا چند نفر) را شریک کرد، یا بعد از نماز، ثواب آن را هدیّه به ارواح آنها نمود.

۱۳- اگر در رکعات آن شک کردی، بنا را بر هر چه خواستی بگذار. مثلًا شک کردی یک رکعت خوانده‌ای یا دو رکعت، می‌توانی بنا را بر یک یا دو رکعت بگذاری.

امّا در نمازهای مستحبی:

۱- داشتن وضو لازم است.

۲- حرف زدن و خوردن و آشامیدن بین نماز اشکال دارد.

۳- رعایت قبله لازم است. اگر نماز مستحبی را در حال خوابیده بخواند، به پهلوی راست طوری بخوابد که جلوی بدن رو به قبله باشد و الّا به پهلوی چپ، به طوری که جلوی بدن رو به قبله باشد. و اگر آن‌هم ممکن نشد، به پشت بخوابد به صورتی که کف پا رو به

ص: ۴۲

قبله باشد.

بـد نیست درباره نافله‌های یومیّه هم کمی توضـیح دهیم. نماز صـبح، ظهر، عصـر، مغرب و عشا هر کـدام نماز مسـتحبّی‌ای دارند که اسمش نافله است. نافله:

نماز صبح، دو رکعت، قبل از نماز صبح.

نماز ظهر، هشت رکعت، قبل از نماز ظهر.

نماز عصر، هشت رکعت، قبل از نماز عصر.

نماز مغرب، چهار رکعت، بعد از نماز مغرب.

. نماز عشا، دو رکعت نشسته، بعد از نماز عشا.

به هر اندازه حال دارید خود را از ثواب این نافله‌ها

ص: ۴۳

محروم نکنید (۱) به ویژه نافله مغرب و عشا و صبح و ظهر، و از نافله ظهر و عصر می‌توانید بعضی از آن را بخوانید. زیرا نمازهای نافله، کمبود و کاستی نمازهای واجب را جبران می کند. (۲) البته در سفری که نماز شکسته است، نافله نماز ظهر و عصر نباید خوانده شود. در ضمن در پایان نماز و نافله و دعا و تعقیبات به عنوان حُسن ختام، مستحبّ است یک سجده شکر بجا آوریم و از این همه نعمات و الطاف الهی سپاس گزاری نماییم.

مطالب فراوانی درباره نماز(مستحبّ یا واجب) وجود دارد که ما درباره آنها اطلاعات کافی نداریم مثلًا من اگر می‌دانستم نماز نافله را می‌شود، نشسته و یا خوابیده خواند یا اگر می‌دانستم نماز شبِ مختصر را در عرض چند

۱- امام حسن عسکری(ع) می‌فرمایند:

۲- امام باقر(ع) می‌فرمایند: همانا نماز بنده، نصف آن یا یک سوم آن یا یک چهارم آن یا یک پنجم آن، به اندازه حضور قلبش بالا می‌رود(و مقبول درگاه الهی قرار می گیرد) و ما به خواندن نمازهای نافله سفارش می کنیم، تا نقصان و خرابی نمازهای واجب، جبران شود. وسائل‌الشّیعهٔ، ج ۳، کتاب‌الصلاهٔ، ابواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۷، ح ۳، ص ۵۲.

ص: ۴۴

دقیقه می‌شود خواند، حتماً تا به حال خود را از فیوضات آن محروم نمی‌نمودم.

بسیاری از مستحبّات، به آسانی قابل اجرا است به شرطی که بتوان اصل آن‌را از فروعاتش تشخیص داد. به عبارت دیگر، شروط صحّت یک کار مستحبّ را از شروط کمالش بتوان تمیز داد. و به عبارت سوم بسیاری از دستورات و سفارشات در عبادات مستحبّی از قبیل مستحب در مستحب است یعنی در صورت بجا نیاوردن آنها، ضربه‌ای به اصل عبادات مستحبّی نمی‌خورد، هر چند انجام آنها با

ص: ۴۵

وجود فرصت کافی و حال مناسب، بهتر است. امّا بیشتر مردم خیال می‌کنند که اگر همه آن دستورات را به جا نیاورند، آن کار مستحبّی را انجام نداده‌اند و لذا از به‌جا آوردن آن صرف نظر می‌کنند، در صورتی که همان‌طور که گفتم این‌طور نیست و به حدّاقل‌ها می‌شود بسنده کرد.

ص: ۴۶

نماز جعفر طیّار

نماز جعفربن‌ابی‌طالب کلید حلّ مشکلات

در روایات شیعه و سنّی، درباره نماز جعفر طیّار تأکید زیادی شده است. می گویند هنگامی که حضرت جعفربن‌ابی‌طالب(برادر حضرت علی و پسر عموی رسول خدا(ص)) از کشور حبشه(اتیوپی کنونی) به وطن بازگشت، ورود او مصادف با فتح خیبر بود که پیامبر(ص) با دیدن او بسیار خوش‌حال شد، اشک شوق در چشمانش حلقه زد، وی را در آغوش کشید،

ص: ۴۷

پیشانی‌اش را بوسید و به وی فرمود: آیا دوست نداری چیزی به تو هدیه دهم؟ حضرت جعفر(ع) فرمودند: بلی یا رسول الله(ص). همه مردم به گمان این‌که پیامبر(ص) می‌خواهد به او طلا و نقره عطا کند منتظر عکس العمل رسول خدا(ص) بودند. آن‌گاه پیامبر اعظم(ص) فرمود: امروز به تو چیزی خواهم داد که اگر هر روز آن‌را انجام دهی، از تمام دنیا و آن‌چه در آن است برای تو بهتر باشد و اگر یک روز در میان، یا هر جمعه، یا هر ماه، یا سالی یک‌بار آن‌را انجام دهی، خداوند غفران خویش را شامل حالت خواهد کرد.) آری هدیه رسول گرامی اسلام(ص)، نمازی بود که به نماز جعفر معروف شد.

این نماز از نمازهای بسیار مستحبی است که در کلّیه ساعات شبانه‌روز در سفر یا غیر سفر می‌شود آنرا خواند اما بهترین اوقات آن، روز جمعه است، زمانی‌که خورشید بالا آمده باشد و در شب نیمه شعبان تأکید بیشتری در به‌جا آوردن آن شده است. حتی می‌توان آن‌را به‌جای نافله‌های شبانه‌روز به حساب آورد و به تعداد رکعات آن از نافله‌ها کم گذاشت مثلًا می‌شود در دل شب به نیّت چهار رکعت از نماز شب این نماز

ص: ۴۸

را خواند. (۱) لطفاً چگونگی خواندن آن را توضیح دهید؟

این نماز چهار رکعت است(دو نماز دو رکعتی) در هر رکعت، حمد و یک سوره، سپس پانزده مرتبه بگوید: سُبحانَ الله و الحمد لله ولا الهَ الّا الله و الله اکبر) و در رکوع ده مرتبه وبعد از بلند شدن از رکوع ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از بلند کردن سر از سجده ده مرتبه و در سجده دوم‌ده مرتبه و بعد از بلند کردن سر از

۱- موسوی خمینی: تحریرالوسیلهٔ، مؤسّسهٔ النشرالاسلامی، قم، نهم، ۱۴۲۴ ه-. ق، ج ۱، ص ۲۲۰.

ص: ۴۹

سجده ده مرتبه همین ذکر را بگوید که جمعاً در هر رکعت هفتاد و پنج مرتبه و کلًا سیصد مرتبه ذکر تسبیحات خواهد شد.

چند نکته درباره نماز جعفر طیّار

۱- بهتر است در رکعت اوّل بعد از حمد، سورهٔ إذا زلزلت) دررکعت دوّم والعادیات) در رکعت سوّم اذا جاء نصر الله) و در رکعت چهارم قل هو الله احد) را بخواند.

۲- احتیاط آن است که ذکر رکوع و سجده را قبل یا بعد از تسبیحات فوق بگوید.

۳- خواندن قنوت در رکعت دوّمِ هر یک از دو نماز، مستحبّ است.

۴- در صورت عجله می‌شود تسبیحات را بعد از نماز به‌جا آورد. یعنی ابتدا، چهار رکعت نماز را خواند و بعد سیصد مرتبه تسبیحات اربعه گفت.

۵- در صورت پیش آمدن مانع و مشکلی می‌شود ابتدا یک دو رکعتی و بعد از برطرف شدن مشکل، دو رکعت دوّم را به‌جا آورد.

۶- اگر بعضی از تسبیحات را در محلّ خودش، سهواً بجا نیاورد، در موقعیت بعدی آنرا قضا کند مثلًا اگر پانزده بار تسبیحات قبل از رکوع را یادش رفت، در

ص: ۵۰

رکوع بیست و پنج بار تسبیحات بگوید و اگر کلًا یادش رفت و نماز تمام شد، در پایان نماز رجاءً بجا آورد.

۷- امام جعفر صادق(ع) در پایان نماز، دست‌هایشان را بلند می‌نمودند و این گونه می‌فرمودند: «یا رَبّ یا رَبّ ...» تا یک‌نفس تمام می‌شد. سپس به همین صورت: «یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ ...»، «رَبّ رَبّ ...»، «یا الله یا الله ...»، «یا حَیُّ یا حَیُّ ...» و «یا رَحیمُ یا رَحیمُ ...» آن‌گاه: «یا رَحْمانُ یا رَحْمانُ ...» هفت‌مرتبه، و «یا ارْحَمَ الّراحِمینَ» هفت‌مرتبه و در آخر: «اللهمَ إِنّی أفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِکَ وَ أَنْطِقُ بِالثَّناءِ عَلَیْکَ وَ امَجّدُکَ وَلاغایَةَ لِمَدْحِکَ وَ اثْنی عَلَیْکَ وَ مَنْ یَبْلُغُ غایةَ ثَنائِکَ

ص: ۵۱

وَ أَمَدَ مَجْدِکَ وَ أَنّی لِخَلیقَتِکَ کُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِکَ وَ أَی زَمَنٍ لَمْ تَکُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِکَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِکَ عَوّاداً عَلَی الْمُذْنِبینَ، بِحِلْمِکَ تَخَلَّفَ سُکّانُ أَرْضِکَ عَنْ طاعَتِکَ فَکُنْتَ عَلَیْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِکَ جَواداً بِفَضْلِکَ عَوّاداً بِکَرَمِکَ یا لا إِلهَ الّا أَنْتَ الْمَنّانُ ذوُالْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ.» یعنی خدایا کلامم را با حمد و ثنای تو شروع می‌کنم در حالی‌که برای ثنای تو پایانی نیست. چه‌طور برای مخلوقات تو، دستیابی به کنه معرفتت ممکن است! چه زمانی بوده که تو به فضلت مورد ستایش قرار نمی‌گرفتی! و نظر مغفرت به گناه‌کاران نمی‌انداختی؟! به سبب حلمت ساکنان زمین از اطاعتت سرپیچی می‌کنند، پس همواره با دل‌سوزی و بخشش با آنان رفتار نمودی و به سوی آنان بازگشتی، ای پروردگار شکوهمند و بزرگواری که جز تو خدایی نیست.

سپس حضرت فرمودند:(اگر حاجت مهمّی داری، این نماز را بجای آور، این دعا را بخوان و خواسته‌ات را بخواه، خداوند انشاءالله حاجتت را برآورده خواهد نمود.) (۱).

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۱.

ص: ۵۲

قرائت قرآن

درباره سایر موارد هم ما را راهنمایی کنید. مثلًا درباره قرائت قرآن، شنیده‌ایم ختم قرآن مجید در مکّه و مدینه ثواب زیادی دارد. البتّه دیده‌ایم که بعضی بدون توجّه به معانی و مفاهیم آیات قرآن حتّی در حال خستگی و بی‌رغبتی یا اهمّیّت ندادن به هم‌سفران خود مخصوصاً همسر خویش، فقط به فکر ختم قرآن و به اصطلاح جمع کردن ثواب هستند! گاهی

ص: ۵۳

مشاهده می‌شود که زائران از صبح تا غروب در مسجد نشسته و احیاناً همراه با چرت و کسالت! مشغول قرائت قرآن و دعا هستند، نظر شما در این‌باره چیست؟

البتّه در روایات ائمّه اطهار: به ختم قرآن در مسجد الحرام (۱) و به نماز خواندن در مسجدالنبیّ(ص) تأکید و تشویق شده‌ایم. (۲) به همین خاطر، چه در مسجدالحرام و چه در مسجدالنبیّ، حتی در دو شهر مکّه و مدینه قرائت قرآن و ختم قرآن ثواب زیادی دارد، اما بایـد توجه داشت که روح تمام اعمال ما، رشد و تعالی معنوی و اعتقادی ماست. تمام روایاتی که سخن از ثواب فلان عمل به میان می‌آورنـد می‌خواهنـد ما را تشویق به آن کننـد تا از آن در راه رشـد و ترقی خود استفاده کنیم. قرآن را بخوانیم تا روحمان صفا و صیقل یابـد، معرفت و دانش ما نسبت به احکام الهی بیشتر شود، به حلال و حرام خدا آشناتر شویم و در رفتار و گفتار و افکارمان، در تمام ابعاد زندگی؛ در اجتماع و سیاست، در خانواده و منزل، در کسب و کار و تجارت، در معاشرت با زن و

۱- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۴، کتاب الصلاهٔ، ابواب قرائهٔ القرآن، باب ۱۸، ص ۸۵۲.

۲- وسائل الشیعهٔ، ج ۳، کتاب الصلاهٔ، ابواب احکام المساجد، باب ۵۲، ص ۵۳۶.

ص: ۵۴

فرزند و دوست و فامیل، در عبادت و سلوک الی‌الله، در شناخت دیو درون و دشمن بیرون متحول شویم و حالات قبل و بعد از قرآن خواندنمان فرقی کرده باشد و الّا این گونه قرآن خواندن بی‌فایده یا کم‌فایده است!

اسلام هرگز موافق کمیّت بی کیفیّت نیست. لذا ما نباید کیفیت کار را فدای کمیّت کنیم و در طول سفر پیوسته نگران این باشیم که آیا عاقبت می‌توانیم یک بار یا چند بار ختم قرآن کنیم یا نه! پیامبر(ص) به اباذر می‌فرمایند: «یا اباذَرّ رَکْعَتانِ مُقْتَصِدَتانِ فی تَفَکُّرٍ، خَیْرٌ مِنْ قِیامِ لَیْلهٔ وَ الْقَلْبُ لاهٍ(ساهٍ)» ای اباذر، دو

ص: ۵۵

رکعت نماز با توجه و نشاط بهتر از یک شب، شب‌زنده‌داری بدون حضور قلب و همراه با کسالت و بی‌میلی است.

در روایات فراوانی ائمّه ما عدم میل خویش را نسبت به ختم قرآن کمتر از یک ماه، برای شیعیانشان، اظهار کرده‌اند و فرموده‌اند قرآن را با شتاب و عجله نخوانید بلکه شمرده و با آهنگ خوش و با تدّبر در معانی آن بخوانید.

امام صادق(ع) در پاسخ شخصی که پرسید آیا قرآن را در یک شب بخوانم، فرمود: «لا یُعْجِبُنی أنْ تَقْرَأَهُ فی أَقَلَّ مِنْ شَهْر» خوش ندارم که قرآن را در کمتر از یک ماه بخوانی. (۱) پس بیاییم به تلاوت قرآنمان عمق و محتوا بخشیم و قرآنی خوش‌خط، با چاپی زیبا و با ترجمه‌ای دقیق و روان تهیه نماییم تا بتوانیم از قرائت همراه با تأمل در ترجمه و مفاهیم آن بهره‌مند شویم.

دوستانی که قبلًا به عربستان مشرّف شده‌اند، می‌گویند در حرمین شریفین قرآن مجید با ترجمه‌های مختلف از جمله ترجمه فارسی موجود است.

بلی هست، اما ترجمه متعلّق به ولی الله

۱- اصول کافی، ج ۴، کتاب فضل القرآن، ص ۴۲۲.

ص: ۵۶

دهلوی است. ایشان از علمای اهل سنّت است و جوّ حاکم بر ترجمه، افکار و عقاید برادران اهل‌سنّت است. همچنین ترجمه متعلّق به دوران گذشته است و روانی ترجمه‌های کنونی را ندارد.

اگر نکات دیگری درباره قرائت قرآن به نظرتان می‌رسد، یادآوری فرمایید.

قرآن مجید را با دست راست حمل کنید.

قرآن مجید را روی زمین یا روی کیسه کفشتان قرار ندهید.

با صدای آهسته و بدون مزاحمت برای دیگران،

ص: ۵۷

قرآن را تلاوت کنید.

قرآن‌های حرم را به هتل نبرید.

قرآن‌های مسجد النبیّ(ص) و مسجد الحرام را که مهر وقف روی آنها خورده، به عنوان هدیه نگیرید.

ص: ۵۸

زیارت غیر معصومین در بقیع

اشاره

اجازه بدهید در مورد زیارت، سؤال دیگری بنمایم. شما فرمودید برای صحابه مدفون در بقیع زیارت بخوانیم مگر آنها هم زیارت‌نامه دارند؟

نه تنها برای صحابه پیامبر اعظم(ص) و اصحاب باوفای ائمّه: بلکه برای سایر مدفونین در بقیع مثل ایرانیانی که در این سفر معنوی جان به جان آفرین تسلیم نموده و سر بر سریر خاک نهاده‌اند هم دعا و

ص: ۵۹

طلب استغفار می‌کنیم و قبور آنان را زیارت می‌نماییم. (۱) زیارت مقابر علاوه بر اجر معنوی فواید بی‌شماری دارد از جمله این‌که انسان از زندگی روزمرّه اندکی فارغ شده و به یاد مرگ و روز حساب افتاده و آرام می‌شود.

به هر حال درکنار قبور اموات در حالی‌که رو به قبله هستیم، به قدر استطاعت و حال، این کارها را انجام می‌دهیم:

۱- هفت‌مرتبه سوره قدر «انّا انزلناه فی لیلة القدر ...»

۲- حمد و «قل اعوذ برب الفلق»، «قل اعوذ برب الناس» و «آیة الکرسی» هر کدام سه مرتبه.

۳- سوره یس.

۴- سلام دادن بر آنان به یکی از این زیارات:

الف: «بسم الله الرحمن الرحیم، السلامُ عَلی اهلِ لا الهَ الّا الله مِنْ اهْلِ لا اله الّا الله یا اهْلَ لا اله الّا الله کَیفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لا اله الّا الله مِنْ لا اله الّا الله یا لا اله الّا الله بِحَقّ لا اله الّا الله

۱- حضرت علی(ع) می‌فرمایند: زُورُوا مَوْتاکُمْ فَانَّهُمْ یَفْرَحُونَ بِزِیارَتِکُمْ ... به زیارت مردگانتان بروید، زیرا این کار باعث خوشنودی آنان میشود. وسائل الشیعۀ، ج ۲، ابواب الدفن، باب ۵۴، ح ۵، ص ۸۷۸.

ص: ۶۰

اغْفِرْ لِمَنْ قالَ لا اله الّا الله وَاحْشُرْنا فی زُمْرةِ مَنْ قالَ لا اله الا الله محمّدٌ رَسولُ الله علیٌّ وَلی الله

ب: «السّلام علیکم یا أهل الدّیار» و «رَحِمَکُمُ الله» هر کدام سه مرتبه.

ج: «السلام علی أهل الدّیار مِنَ المؤمنین و المسلمین أنتم لنا فَرَطٌ و نحن إن شاء الله بِکُم لاحقون.»

۵- قرائت قرآن.

نماز زیارت برای غیر معصومین وارد نشده، لذا حدّاقل

ص: ۶۱

دو رکعت نماز مستحبّی می‌خوانیم و ثوابش را هدیه به روح آنان می‌نماییم.

ص: ۶۲

نماز در مکه و مدینه

دوست دارم بدانم نمازهای واجب ما در مدینه و مکّه شکسته است یا تمام؟

اگر مدت اقامت شما در مدینه کمتر از ده روز است(که معمولًا این طور است):

الف: در همه جا شکسته است. «آیه‌الله شبیری زنجانی»

ب: فقط در محدوده قدیم مسجد النبیّ(ص) و

ص: ۶۳

مسجد الحرام مخیّر بین شکسته و یا تمام هستید. «آیات عظام بهجت و اراکی»

ج: در تمام دو مسجد، حتی قسمت‌های نوساز، مخیّر بین شکسته و تمام هستید. «حضرت امام»

د: در تمام مکّه و مدینه قدیم، این تخییر هست. «آیات عظام خویی و تبریزی»

ه: در تمام مکّه و مدینه شما اختیار دارید نماز ظهر، عصر و عشاء را شکسته یا تمام بخوانید. «آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم، صافی، گلپایگانی، نوری»، البته در صورت تخییر، تمام خواندن فضیلت بیشتری دارد، (۱) ولی اگر نماز را با جماعت و به صورت شکسته خواندید به گونه‌ای عمل شود که شکسته بودن نماز معلوم نشود، به این صورت که پس از تشهد رکعت دوم به سلام آخر اکتفا کرده و نماز خود را تمام کنیم آن‌گاه بدون برگرداندن صورت از قبله یا بلند کردن دست بعد از سلام، بایستیم و با رفتن امام جماعت به رکوع، نیت نماز دوم یا نماز قضا بنماییم و تکبیرة الاحرام گفته و به رکوع رویم.

فرمودید نماز جماعت؛ مگر می‌شود نماز را به جماعت اهل سنّت اقتدا کرد؟

۱- تحریرالوسیله امام ره، ج ۱، ص ۲۴۰، م ۸. العروة‌الوثقی، ج ۲، ص ۱۶۴، م ۱۱.

ص: ۶۴

به نظر همه مراجع، شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنّت مطلوب است.

چرا در سخنان بزرگان دین ما این همه سفارش به شرکت در نماز جماعت اهل سنّت شده است؟

اسلام عزیز به حفظ وحدت بین فرقه‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی اهمیت فراوان داده است و خداوند حکیم هرگز راضی نیست به خاطر اختلافات فقهی و جزئی، اصل دین و کیان مسلمین در معرض خطر قرار گیرد. متأسفانه اسلام و مسلمین از این بابت ضربه‌های بسیاری خورده‌اند و دشمنان فرصت طلب و تفرقه افکن، کمال استفاده را از این اختلافات

ص: ۶۵

نموده‌اند.

قبل از انقلاب و اوایل انقلاب، وضعیت اسف‌بار نماز در حرمین شریفین مایه خجلت و اندوه فراوان بود. به محض شروع نماز جماعت، تعداد قابل توجّهی از شیعیان از مسجد خارج می‌شدند و صحنه‌های ناخوشایندی به‌وجود می‌آمد. حضرت امام خمینی بساط این اختلافات را برچید و نتیجه‌اش وحدت و یکپارچگی مسلمانان شد. به برکت این تلاش و مجاهدت‌ها، دل‌های برادران شیعه و سنی به هم نزدیکتر شده است و دشمنان دین از این بابت بسیار خشمگین هستند و پیوسته درصدد فرصتی بوده تا اوضاع را به هم ریخته و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. پس ما مسلمانان باید صفوف خود را فشرده‌تر نموده و در مقابل دشمن، وحدت و یکپارچگی خود را حفظ و نشان دهیم.

از راهنمایی شما متشکّرم. اگر ممکن است مسائل مهم و ناگفته نماز در مکه و مدینه را به صورت مختصر و مفید برایم بازگو کنید.

در رساله‌های عملیه مراجع عظام، حدود پانصد مسأله درباره نماز آورده شده که بسیاری از آنها در اینجا هم کاربرد دارد. که به بعضی از مسائل ضروری‌تر آن اشاره می‌شود:

۱- نماز در مسجد النبیّ(ص) و مسجد الحرام ثواب

ص: ۶۶

زیادی دارد.

۲- هنگام برگزاری نماز جماعت از تجمع در کنار بقیع یا ایستادن در کنار مغازه‌ها و خیابان‌ها خودداری کنیم.

۳- از نماز گزاردن در کنار بقیع یا قبرستان ابوطالب بپرهیزیم. کلیه نمازهای مستحبی مثل نماز زیارت را در حرم و یا در هتل بخوانیم.

۴- به هنگام ورود به مسجدها، مثل مسجدالنبی(ص) یا مساجدِ در زیارت دوره، از خواندن نماز تحیّت(احترام) که حدّاقل دو رکعت است غفلت نورزیم. بد نیست بدانید، به فتوای اکثر مراجع، مسجد الحرام نماز تحیّت ندارد بلکه تحیّت آن، طواف است.

ص: ۶۷

۵- هنگام پخش اذان از بلندگوی مسجد و یا هنگام اقامه نماز جماعت، از خواندن نماز به صورت فرادا جدّاً پرهیز نماییم.

۶- به محض شنیدن(قَدْ قامَتِ الصَلاةُ) برخیزیم و جای خالی صفوف را پرکنیم و از حرف زدن بی‌جا دوری کنیم و بلافاصله پس از امام جماعت، تکبیرهٔ الاحرام بگوییم.

۷- اتصال صفوف را رعایت کنیم. برای نماز، تا جایی که ممکن است در طبقه دوم مسجدالحرام و پشت‌بام مسجدالحرام و مسجدالنبیّ نایستیم. همچنین دقّت داشته باشیم که صفوف قسمت شمالی مسجدالنبیّ(ص) معمولًا در ایام عمره مفرده به صفوف قسمت‌های جلو متصل نیست، و لذا هر چقدر می‌توانیم به طرف قسمت‌های جلوتر مسجد برویم.

۸- در رفتن به رکوع و سجده و برخاستن از آن، از امام تبعیت کرده و تقدیم و تأخیر محسوس نداشته باشیم.

۹- از دست بسته ایستادن به هنگام قرائت امام، و گفتن «آمین» بعد از حمد بپرهیزیم.

۱۰- اهل سنّت قنوت ندارند، ما هم بدون اینکه کف دستانمان را بالا ببریم می‌توانیم دعای مختصری نموده و فوراً به رکوع رویم.

ص: ۶۸

۱۱- اهل سنّت، بعد از رکوع کمی بیشتر از معمول، مکث می‌کنند، ما هم همانند آنان مکث کرده و این جملاتی که خواندن آن‌ها بعد از رکوع مستحبّ است، می‌خوانیم: سَمِعَ اللهُ لمَن حَمِدَه، الحَمدُ لله رَبِّ العالَمین، اهلَ الجَبَروتِ و الکبریاء و العَظَمَة، الحَمدُ للهِ رَبِّ العالَمین.

۱۲- اهل سنّت جلسه استراحت ندارند،(نشستن بعد از سجده دوم رکعتِ اول همه نمازها و رکعتِ سوم نمازهای چهار رکعتی) و پس از سجده بلافاصله بر می‌خیزند. ما جلسه استراحت را به صورت کوتاه رعایت می‌کنیم.

ص: ۶۹

۱۳- اهل سنّت تجافی ندارند(حالت نیم‌خیز در وقت تشهد امام جماعت در جایی که یک یا چند رکعت از جماعت عقب هستیم) ما هم به جهت تبعیت در جماعت آنان، تجافی ننموده و به حال تشهد می‌نشینیم.

۱۴- اهل سنّت بعد از سلام نماز، با یکدیگر مصافحه نمی‌کنند، از انجام آن اجتناب نموده و به جای آن و بدون برگرداندن سر به این طرف و آن طرف، از تسبیحات حضرت فاطمه غفلت نورزیم.

۱۵- بعضی از اهل سنّت(حنفیّه- مالکیّه)،(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ) را جزء سوره نمی‌دانند لذا یا آن را قرائت نمی‌کنند یا اگر قرائت کنند آهسته می‌خوانند، ولی در هر صورت به نماز جماعت ما خللی وارد نمی‌شود.

۱۶- بعد از سلام نماز، مستحبّ است؛ سه بار «الله‌اکبر» گفته، بدون بلند کردن دست‌ها به این مستحبّ عمل کنیم.

۱۷- سجده بر فرش، در مسجد النبیّ(ص) و سایر مساجد مکّه و مدینه به ویژه در نماز جماعت، به فتوای بسیاری از مراجع جایز بوده، لذا از هنگام ورود به فرودگاه تا لحظه بازگشت، رعایت نماییم و از گذاشتن مهر یا کاغذ یا دستمال کاغذی در اماکن عمومی خودداری کنیم. ولی در جایی که برادران اهل سنّت تردد

ص: ۷۰

ندارند، یا سنگ‌فرش است، یا در محل اقامتمان(هتل) حتماً بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، سجده کنیم.

سجده بر انواع سنگ‌های به‌کار رفته در مسجدالحرام و مسجدالنبی(ص) صحیح است.

۱۸- سجده بر فرش در مسجد الحرام جایز نیست زیرا امکان سجده بر سنگ در تمام قسمت‌های مسجد برای زنان و مردان وجود دارد.

۱۹- نافله‌های مغرب، عشا و صبح را سعی کنیم بخوانیم.

۲۰- اگر در نماز جماعت عصر و عشای برادران اهل سنّت شرکت نمی‌کنیم، حدّاقل نیم ساعت قبل از

ص: ۷۱

نماز آنان از مسجد خارج شویم.

۲۱- در نماز صبح روزهای جمعه، امام جماعت غالباً پس از حمد، آیات سجده‌دار را تلاوت می‌کند، باید هماهنگ با امام و در بین نماز، سجده واجب را انجام دهیم.

الف: سپس بعد از نماز، نماز را دوباره بخوانیم.(آیات عظام سیستانی، بهجت، مکارم و تبریزی)

ب: در صورت خواندن نماز قبل از جماعت- به طور فرادا- اعاده بعد از جماعت لازم نیست.

ج: اگر اشتباهاً به جای سجده تلاوت، به رکوع رویم، نماز باطل و اعاده لازم است.

۲۲- هنگام اذان و اقامه و خطبه‌های نماز جمعه، از گفت‌وگو با یکدیگر، نماز خواندن و تلاوت قرآن بپرهیزیم.

۲۳- از محل سجده نمازگزاران عبور نکنیم زیرا برخی از اهل سنّت از این کار منع می‌کنند.

۲۴- در مسجد الحرام، در مسیر طواف کنندگان به نماز نایستیم.

۲۵- نماز طواف مستحبی در همه جای مسجد الحرام صحیح است، از خواندن نماز طواف مستحبی یا سایر نمازها در پشت مقام ابراهیم خودداری نموده و

ص: ۷۲

آنجا را برای کسانی که نماز طواف واجب دارند، خالی بگذاریم.

۲۶- نمازاستداره‌ای(دایره‌وار) در مسجد الحرام:

الف: به شرط این‌که به حسب دایره، مقدم بر امام و نزدیکتر از امام به کعبه نباشیم، مانعی ندارد. «آیات عظام صافی، مکارم، گلپایگانی، اراکی و نوری».

ب: اشکال ندارد «آیات عظام امام، سیستانی، خویی، تبریزی و بهجت».

ج: اشکال دارد(برای کسانی که روبروی امام قرار بگیرند) «آیات عظام خامنه‌ای و فاضل».

۲۷- کلیه اذکار نماز را آهسته بخوانیم و مزاحم

ص: ۷۳

دیگران نشویم.

۲۸- کلیه نمازهـای مسـتحبی مثل نمازهای زیارت و تحیّت را می‌توانیم به نیت خود خوانـده و در پایان ثواب آنرا به یک نفر یا چند نفر، زنده یا مرده، هدیه نماییم.

۲۹- کلیه نمازهای مستحبی را می‌شود خوابیده، نشسته یا در حال راه رفتن خواند.

۳۰- مستحب است نمازگزار در حال ایستاده به جای سجده‌گاه و در حال تشهّد به دامان خود نگاه کند. در نماز در مسجدالحرام نیز به‌جای نگاه به کعبه به همین مستحب عمل شود.

۳۱- کفش‌های خود را در جاکفشی یا کیسه کفش تمیز قرار دهیم. لباس و بدنمان خصوصاً جوراب‌ها تمیز و مرتب باشد. از عطر و مسواک به هنگام ورود به مسجد و شروع نماز غافل نباشیم.

۳۲- بانوان محترم، در حال نماز، به ویژه نماز طواف باید حجاب خود را رعایت کنند، تا احیاناً نماز آنها با مشکل مواجه نشود.

مطالب بسیاری درباره نماز یاد گرفتیم. سؤال دیگر اینکه آیا با پخش اذان از بلندگوهای مساجد مکّه و مدینه، وقت نماز داخل شده است یا نه؟

ص: ۷۴

اتفاقاً همین سؤال در ذهن شیعیان ائمه اطهار: هم بوده است که ائمّه معصومین: کفایت اذان اهل سنّت را به شیعیان توصیه می‌نمودند. امام صادق(ع) به یکی از اصحابشان فرمودند:(نماز را با اذان ایشان(اهل سنّت) بخوانید.) (۱) بنابراین می‌شود به اذان آنها اعتماد کرد.

در اذان مغرب، چون اهل سنّت غروب آفتاب را نشانه مغرب می‌دانند و نه رفتن سرخی مشرق، حدود ده الی پانزده دقیقه زودتر اذان می گویند، اما

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۴، باب ۳، ابواب الاذان و الاقامهٔ، ح ۱، ص ۶۱۸.

ص: ۷۵

خوشبختانه با آن اذان، نماز مغرب را شروع نمی‌کنند بلکه حدود ده دقیقه صبر می‌کنند تا مردم برای شرکت در نماز جماعت آماده و جمع شوند بنابراین نماز مغرب را هم می‌شود با آنها به جماعت خواند.

ص: ۷۶

روزه مستحبّی در سفر

خوشحال می‌شوم اگر کمی هم درباره روزه مستحبی در مدینه برایم بگویید و اصولًا آیا روزه مستحبی در سفر صحیح است؟
در مذهب ما روزه مسافر صحیح نیست مگر زمانی که نماز شکسته نباشد مثلًا قصد ده روز کرده باشید که گرفتن روزه مستحبی یا روزه ماه رمضان یا روزه قضا اشکال ندارد.
ولی اگر می‌خواهید کمتر از ده روز در جایی

ص: ۷۷

بمانید هیچ نوع روزه‌ای نمی‌توانید بگیرید.

برای شخص مسافر فقط یک استثناء دارد و آن سه روز روزه مستحبی در شهر مدینه منوّره برای برآورده شدن حاجات است که سفارش مؤکّدی در روایات بر انجام این عمل مستحبی شده است. بهتر است این سه روز، روزهای چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه سفر شما باشد(مستحب در مستحب). تأکید می‌کنم، سه روز، نه کمتر و نه بیشتر، آن هم در مدینه، نه در مکّه و نه در هیچ شهر دیگر.

نظر شما در مورد روزه نذری در سفر چیست؟ چون دیده‌ام بعضی از زائرین با نذر در مکّه یا مدینه، بیشتر ازسه روز روزه می‌گیرند.

بایـد گفت اگرچه به نظر اکثر مراجع، با شرایط خاص می‌شود روزه نذری(نه روزه ماه رمضان یا قضای آن) در سفر گرفت ولی به نظر می‌رسد این عمل با روح اسلام و مذهب منافات دارد چرا که خداوند مهربان نخواسته ما در سفر، روزه بگیریم، و روایات متعدّدی در ذمّ و نکوهش روزه‌داری در سفر آمده است. از جمله:

۱- امام رضا(ع) می‌فرمایند: لَیسَ مِنَ البِرّ الصَومُ فِی السَّفَر) (۱) روزه‌داری در سفر از کارهای نیکو نیست.

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۷، کتاب الصّوم، ابواب مَن یَصِحُّ مِنهُ الصَّومُ، باب ۱۲، ۱۱، ۱.

ص: ۷۸

۲- امام صادق(ع) می‌فرمایند: لَم یَکُن رَسُولُ الله(ص) یَصُومُ فی السَّفَرِ فی شَهرِ رَمَضانَ وَ لا غَیرِهِ) عادت رسول خدا(ص) بر این نبود که به هنگام سفر چه در ماه رمضان و چه در ماه‌های دیگر روزه بگیرد

البته عرض کردم روزه مستحبّیِ سه روز در مدینه یک استثناء است.

ص: ۷۹

زیارت دوره

اگر امکان دارد از زیارت دوره و مکان‌هایی که زائرین از آنها بازدید می‌کنند بگویید. دوست داریم بدانیم کجاها می‌رویم و از چه اماکنی بازدید می‌نماییم تا وقتی که به وطن برگشتیم اگر دوستی، فامیلی از ما درباره آنها پرسید یا وقتی مردم برای دیدنمان می‌آیند، حرفی برای گفتن داشته باشیم و از خاطرات خوش این سفر صحبت به اندازه کافی به ارمغان ببریم.

شما یک روز تقریباً از صبح تا ظهر در مدینه و یک روز هم در مکّه به همراه کاروان و مدیر و روحانی به زیارت دوره خواهید رفت. در زیارت دوره از چند مکان بازدید خواهید کرد.

۱- منطقه احُد

مرقد حضرت حمزه سیدالشّهدا و شهدای جنگ احد. این مکان در منطقه شمالی مدینه کنار کوه احد قرار دارد و مرقد مطهّر حضرت حمزه عموی پیامبر خدا(ص) و سایر شهدای احد در آن مکان می‌باشد.

ص: ۸۰

در روایات اسلامی سفارش زیادی به زائرین و حجاج بیت الله الحرام شده که از زیارت این مکان غافل نباشند.

حضرت فاطمه زهراء(س) بعد از وفات پدر بزرگوارشان هر دوشنبه و پنج شنبه به زیارت این مکان مقدّس می‌آمده و یاد و خاطره شهدای جنگ احد را زنده نگاه می‌داشتند. (۱) و جالب است بدانید اولین کسی که تسبیح را درست کرد حضرت فاطمهٔ زهرا(س) بود که ابتدا به یک نخ پشمی سی و سه گره زده و با آن ذکر تسبیحات را

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۲، ابواب الدفن، باب ۵۵، ح ۱، ص ۸۷۹.

ص: ۸۱

می‌فرمودند. بعدها پس از شهادت حضرت حمزه(ع) از تربت مطهّر او قبضه خاکی برداشته و از آن تسبیح درست نمودند. مردم هم از این سنّت حسنه آن حضرت پیروی کرده و برای گفتن اذکار و اوراد از تسبیح استفاده می‌نمودند. مدت‌ها بعد و پس از شهادت امام حسین(ع) به سفارش ائمّه اطهار: از تربت آن امام شهید، تسبیح درست شد. تسبیح تربت سید وسالار شهیدان حضرت حسین بن علی(ع) دارای فضیلت زیادی است که حتی اگر بدون گفتن ذکر، آن را در دست بگردانیم، برای ما اجر و ثواب ذکر نوشته خواهد شد. (۱) داستان عبرت‌انگیز و غم‌بار جنگ احد در آیات ۱۲۱ تا ۱۷۹ سوره آل عمران به طور مفصّل آمده که حاوی نکات و تجربیّات تلخ و شیرین فراوانی می‌باشد. سفارش اکید این است که آیات مورد اشاره را به دقّت مطالعه و ملاحظه نمایید.

۲- مسجد قبلتین

همان مکانی که دستور تغییر قبله بین نماز ظهر و عصر یا در حین نماز ظهر از طرف خداوند به پیامبرش ابلاغ شد و حضرت در حالی که دو رکعت از

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۴، کتاب الصلاهٔ، ابواب التعقیب، باب ۱۶، ح ۱، ص ۱۰۳۲.

ص: ۸۲

نمازشان را به طرف بیت المقدس خوانده بودند با چرخش صد و هشتاد درجه‌ای رو به کعبه ایستاده و نماز را به پایان رساندند. به همین خاطر این مسجد به مسجد قبلتین یعنی مسجد دارای دو قبله شهرت یافته است.

تصور چرخش صد و هشتاد درجه‌ای در حال نماز جماعت و با توجه به حضور مأمومینِ مرد و زن، مشکل به نظر می‌رسد، این چرخش چگونه انجام شده است!؟

البته همین‌طور است که می‌فرمایید، اما به هر

ص: ۸۳

حال بنابر احتمال دوّم این یک دستور ویژه بوده است. لذا شاید بشود این طور تصوّر نمود که بعد از ابلاغ دستور، پیامبر خدا(ص) بدون این‌که ذکری به زبان بیاورند هم از طرف بیت‌المقدس به طرف کعبه برگشته و هم جای خود را با جای نمازگزاران عوض نمودند. سپس مردان پشت سر حضرت و زنان پشت سر مردان قرار گرفتند. این کار باعث بطلان نماز نمی‌شود زیرا حتی در مواقع عادی اگر برای نمازگزار اتفاقی رخ دهد مثلًا از دماغش خون بیاید یا لباسش خونی شود یا بچه‌اش می‌خواهد کار خطرناکی انجام دهد یا هر حادثه مهم دیگر، می‌تواند بلکه باید بدون اینکه نمازش را به هم بزند و با شرایطی مثل برنگشتن از قبله و نگفتن ذکر در حال حرکت، چند قدمی برای حلّ مشکل به‌وجود آمده، راه برود.

داستان تغییر قبله در ذیل آیات ۱۴۴ به بعد سوره بقره آمده، می‌توانید با مراجعه به ترجمه و تفسیر قرآن اطلاعات لازم را کسب نمایید.

۳- مسجد سلمان(ع)

ایشان در جنگ خندق پیشنهاد دهنده حفر خندق بود و نقش مهمی در این جنگ ایفا نموده است.

۴- مسجد فتح

ص: ۸۴

این دو مسجد(سلمان و فتح) مربوط به جنگ احزاب(خندق) است. حضرت پیامبر(ص) در مسجد فتح نماز خواند و برای پیروزی لشکر اسلام دعا نمودند که دعای او به هدف استجابت رسید و سپاه مشرکین بدون رسیدن به اهداف خود به مکّه برگشت.

نماز در هر دو مسجد مستحب است، «البته از مساجد دیگری در منطقه خندق یاد می‌شود که یا قدمت تاریخی ندارد و یا اثری از آن باقی نمانده است».

چه نمازی باید در این مساجد خواند؟

نماز تحیّت مسجد.

نماز تحیّت چیست؟

ص: ۸۵

نماز تحیّت یعنی حدّ اقل دو رکعت نماز احترام و تجلیل و پاسداشت. در حقیقت خواندن نماز تحیّت علاوه بر ثواب، شاید ادای احترام و ادبی نسبت به مسجد و حماسه‌ها و فداکاری‌های افرادی است که در جریانات مربوط به آن نقش داشته‌اند، باشد.

البته نماز واجب یا نماز قضا هم می‌توانید بخوانید زیرا هم نماز واجبتان را خوانده‌اید، هم به عنوان تحیّت مسجد محسوب می‌شود، لذا زائرین محترمی که نماز قضا بر گردنشان هست می‌توانند در این گونه مساجد با یک تیر دو نشان بزنند.

در ضمن حداقل نماز تحیّت دو رکعت است اگر بیشتر بخوانید زهی سعادت، به شرط این که موجب تضییع وقت کاروان نشده و باعث معطلی آنها نشوید.

۵- مسجد قبا. اولین مسجدی است که به دست پیامبر خدا(ص) و عمار یاسر و سایر صحابه ساخته شد. پیامبر خدا در هنگام هجرت به مدینه- قبل از رسیدن به شهر مدینه- در منطقه قبا در جنوب مدینه مدتی توقّف کردند تا حضرت علی و فاطمه زهرا(ع) و عدّه‌ای دیگر به آنها ملحق شوند در این مدت توقف، حضرت پایه‌های مسجد قبا را بناگذاری نمودند. در قرآن مجید از این مسجد به عظمت یاد شده است.(لَمَسْجِدٌ اسّسَ عَلَی الَتَقْوی مِنْ اوَّلِ یوْمٍ

ص: ۸۶

احَقُّ انْ تَقُومَ فیه فیه رجالٌ یحبّون أن یَتَطَهَّروا واللهُ یحبّ المُطَّهّرینَ) (۱) «مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوی بنا شده سزاوارتراست که‌در آن به نماز ایستی. در آن مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی‌اند دوست می‌دارد».

و دقیقاً به همین‌خاطر به مسجدالتقوی نیز معروف شده و رسول خدا می‌فرمایند:(کسی که به مسجد قبا آید و دو رکعت نماز بگزارد، ثواب یک عمره برای او

۱- سوره توبه، آیه ۹۷.

ص: ۸۷

است.) (۱) همچنین امام صادق(ع) سفارش می‌فرمایند که در این مسجد زیاد نماز بخوانید. (۲) برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این مکان‌های مقدس می‌توانید به کتب تاریخی مراجعه کنید.

چه کتابی‌را در این باره مطالعه کنیم؟

درباره آثار و امکنه مکّه و مدینه، کتاب‌های بی‌شماری به نگارش درآمده است. کتاب(آثار اسلامی مکّه و مدینه نوشته رسول جعفریان و کتاب(تاریخ حرم ائمّه بقیع و آثار دیگر مدینه منوّره نوشته محمد صادق نجمی از کتاب‌های ارزنده‌ای است که هم اینک در بازار موجود است. همچنین بیشتر مجلّدات مجلّه(میقات هم در این رابطه مطالب مفیدی دارد. در ضمن اگر دوست داشته باشید تاریخ اسلام را مطالعه نمایید، کتاب شیوا و شیرین(فروغ ابدیت تألیف استاد جعفر سبحانی از بهترین‌هاست.

شنیده بودیم که در زیارت دوره، زائران را

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعهٔ، ج ۳، کتاب الصلاهٔ، ابواب احکام المساجد، باب ۶۰، ح ۲، ص ۵۴۸.

۲- همان، ج ۱۰، کتاب الحج، ابواب المزار، باب ۱۲، ح ۲، ص ۲۷۶.

ص: ۸۸

به مَشْربهٔ امّابراهیم، مسجد ردّشمس و حتی مسجد شیعیان هم می‌برند، آیا این مطلب درست است؟

تقریباً، اما لازم است به این نکته توجه داشته باشید که ممکن است به خاطر شرایط پیش آمده، اندکی برنامه‌ها تغییر کرده باشد مثلًا مسجد ردّ شمس و بسیاری از مساجد متبرک دیگر مدینه و مکّه توسط دولت وقت تخریب و با خاک یکسان شده و به جای آن خیابان و ساختمان ساخته شده است.

اما مشربهٔ امّابراهیم اگرچه به صورت یک چهار دیواری موجود است ولی در حال حاضر به کاروان‌ها

ص: ۸۹

اجازه رفتن به آنجا را نمی‌دهند. اگر کسی بخواهد به مشربهٔ امّابراهیم یا مسجد شیعیان مدینه برود باید یک برنامه شخصی بچیند که به تنهایی یا به همراه بعضی دوستان و آشنایان به زیارت این اماکن برود.

لطفاً اندکی هم درباره فلسفه مسجد ردّ شمس و مشربه امّابراهیم برایمان توضیح دهید.

مسجد ردّشمس محلی است که جنگ بنی‌نضیر در آنجا واقع شده است. پس از جنگ بدر، و در جریان محاصره قلعه بنی‌نضیر، رسول خدا(ص) هنگام عصر، در حالی که سرش روی زانوان مبارک امیرالمؤمنین علیّ(ع) بود، به خواب رفت، نزدیک غروب خورشید بیدار شد، متوجه گردید علی(ع) هنوز نماز عصرش را نخوانده، از خداوند خواست خورشید را بازگرداند تا او نماز بگزارد.

چرا حضرت علی(ع) پیامبر خدا را بیدار نکرد تا نماز عصرش قضا نشود و مرتکب ترک واجب نشود!؟ و اصولا آیا چنین رخدادی واقع شده است!؟

بیان چند مطلب در این‌باره، لازم است:

اوّلًا، وقوع چنین جریانی از مسلّمات تاریخ است. این، نه یک بار بلکه دو یا سه بار برای آن حضرت رخ داده است. و نیز برای حضرت یوشع(ع)- از

ص: ۹۰

پیامبران بنی‌اسرائیل- هم واقعه بازگشت خورشید اتفاق افتاده است.

علّامه امینی در کتاب گرانسنگ الغدیر، جلد سوم از صفحه ۱۲۶ به بعد، نام بیش از چهل نفر از علمای اهل سنّت را که این واقعه را نقل نموده‌اند آورده است.

ثانیاً، بنا بر بعضی نقل‌ها پیامبر اکرم(ص) در آن موقع در حال دریافت وحی بوده‌اند و حضرت امیرالمؤمنین(ع) نماز عصر خود را در همان حال بجا آوردند که به آن نماز در حال اضطرار گفته می‌شود و شرائط و احکام خاص خود را دارد. یعنی می‌شود نماز

ص: ۹۱

را در حال نشسته خواند و رکوع و سجود را با ایماء و اشاره بجا آورد.

ثالثاً، باید گفت نمازِ مُجسَّم و حقیقت تمام نمای نماز و سایر عبادات یعنی وجود نازنین رسول خدا(ص) روی زانوی حضرت علی(ع) خوابیده بوده است. به قول معروف آب در کوزه و ما تشنه‌لبان می گردیم. چطور حضرت، این حقیقت تمام‌نمای نماز را بیدار نموده و به دنبال نماز می‌رفتند!

و در آخر این‌که شاید خداوند حکیم می‌خواسته با این کار فضل و عظمت علیّ‌بن‌ابی‌طالب(ع) را در قالبی خاص به اثبات برساند و همگان شاهد باشند که نه تنها جن و انس و مَلَک بلکه تمام مخلوقات عالم در مقابل عظمت محمّد و آل محمّد: سرِ تعظیم فرود آورده و تسلیم بی چون و چرای آنانند.

اما درباره مَشربهٔ امّابراهیم به کتاب(تاریخ حرم ائمّهٔ بقیع)، نوشته جناب آقای محمّدصادق نجمی مراجعه کنید. ولی به صورت خیلی مختصر؛ این مکان مقدّس، محل زندگی حضرت رسول اکرم(ص) و ماریه قِبطیّه(یکی از همسران باوفای رسول خدا(ص)) بوده است که این زوج وفادار تقریباً پنج سال در آن مکان زندگی کرده‌اند و حضرت ابراهیم(ع) فرزند رسول خدا(ص) در همین مکان از ماریه متولد گشته و در شانزده ماهگی در همین

ص: ۹۲

مکان از دنیا رفته است. به همین خاطر در روایات از مشربهٔ امّابراهیم به مَسکن و مُصلّای رسول خدا(ص) تعبیر شده است و دقیقاً به همین خاطر در روایات اهل بیت، تأکید فراوانی بر حضور در این مکان و بجا آوردن نماز در این مکان نورانی شده‌ایم. و تا زمان‌های نه چندان دور و قبل از تخریب‌های صورت گرفته توسط آل‌سعود، کلیه مسلمانان اعمّ از شیعه و سنّی به این مکان مبارک می‌آمده و به یاد حضور حضرت ختمی مرتبت در اینجا در بنایی که مسجد بوده و در وسط مشربه قرار داشته، به نماز و دعا مشغول می‌شدند.

در این‌که مشربه امّابراهیم چه تاریخچه‌ای دارد و

ص: ۹۳

چرا حضرت پیامبر(ص) با وجود محبت و علاقه شدید به این همسرشان، او را در مشربه مسکن داده‌اند، مطالب بسیار شیرین و شنیدنی و نکات مهم و ارزنده تاریخی وجود دارد که ان‌شاءالله به کتاب ذکر شده مراجعه خواهید نمود. در ضمن اگر به آیات اوایل سوره تحریم مراجعه کنید و معنی و تفسیرش را بخوانید، از نکات آموزنده و عبرت‌انگیز آن بهره‌مند خواهید شد.

اما آن‌چه در بین مردم شهرت یافته که مشربه امّ‌ابراهیم محل دفن نجمه خاتون مادر علی بن موسی‌الرضا: است، ظاهراً مستند تاریخی ندارد و بر فرض صحّت، مناسبت‌های دیگر مشربه، اهمیت بسیار بالاتری داشته که هرگز آنها نباید مورد غفلت قرار بگیرند.

به غیر از روزی که ما را به زیارت دوره می‌برند، جای دیگری خواهیم رفت یا نه؟

آری؛ در اطراف حرم رسول خدا و مسجدالنبیّ(ص) در یکی دو فرصت مقتضی، به زیارت محدوده مرقد حضرت عبدالله پدر پیامبر خدا(ص) رفته و از آن‌جا به سوی جنوب غربی حرم در منطقه مَناخه برای بازدید از مسجد غَمامه- محل نماز عید فطر و قربان مسلمانان در زمان پیامبر (۱) و مسجد علیّ‌بن‌ابی‌طالب (۲) خواهیم

۱- اقامه نماز باران در این مکان و استجابت دعای پیامبر(ص) سبب نامگذاری این مسجد به مسجد غمامه(مسجد ابر) شده است.

۲- برای آگاهی بیشتر درباره این مکان‌ها، به کتاب آثار اسلامی مکه و مدینه نوشته رسول جعفریان مراجعه نمایید.

ص: ۹۴

رفت. در قسمت شرق مدینه از مسجد مباهله [(۱)](مکان ماجرای عظیم مباهله بین پیامبر و مسیحیان نجران) دیدار خواهیم داشت و در قسمت شمال حرم هم به مسجد اباذر خواهیم رفت.

۱- برای کسب اطلاع از جریان مباهله به کتاب اسرار مباهله تألیف محمد رضا انصاری رجوع کنید.

ص: ۹۵

سفارشات ضروری

اشاره

در مدینه به غیر از انجام امور عبادی مثل نماز و دعا و زیارت، انجام چه اعمالی را توصیه می‌نمایید؟

پیشنهاد چند راهکار سودمند:

الف: شرکت در جلسات آموزشی کاروان. روحانیون و مدیران محترم کاروان‌ها انتقال دهنده تجربیات چند ده ساله ارزشمندی به شما هستند و مطمئناً مطالب و نکات فراوانی را در سخنان آنان خواهید شنید که احتمالًا در کتاب و جزوه‌ای نیامده باشد.

بارها دیده شده افرادی که از حال و هوای مسجد و حرم و اعمال عمره مفرده، بیگانه‌اند و مرتکب اشتباهات فاحشی می‌شوند؛ دقیقاً همان‌هایی هستند که خود را به هر دلیل بی‌نیاز از حضور در جمع زائرین و جلسات کاروان می‌دیده‌اند.

ص: ۹۶

ب: مطالعه کتاب‌هایی که به همین منظور آماده شده است.

همچنین می‌توانید از روحانی کاروان کتاب‌هایی به امانت گرفته و یا با مراجعه به قفسه کتابی که در هتل، توسط مدیر ایرانی هتل تدارک دیده شده است، کتابی به صورت امانت جهت مطالعه تهیه نمایید.

معمولًا زائران محترمی که بعد از اتمام اعمال خود قصد بازگشت به وطن دارند، کتاب‌هایی را که به همراه خود آورده‌اند، برای استفاده سایر زائرین در هتل محل اقامت خویش به جا می‌گذارند.

ص: ۹۷

در کنار مسجد النبیّ هم کتابخانه‌ای وجود دارد که بعضی از اطلس‌ها و نقشه‌ها و عکس‌های آن دیدنی است. لازم نیست حتماً زبان عربی بلد باشید. البته کتابخانه مخصوص آقایان است! و برای بانوان محترم وقتی اختصاص داده نشده‌است!

ج: گفتگو با روحانی کاروان.

بسیاری می‌گویند حج و عمره، سفر سیاحتی نیست ولی ناخودآگاه اوقات آنها به تماشای شهر مکّه و مدینه و ساختمان‌ها و بازارها سپری می‌شود. برخی نیز سفر حج و عمره را فقط یک سفر زیارتی به معنای انجام اعمالی خاص و خواندن نماز و ادعیه و زیارت‌نامه می‌دانند و دائم به فکر خویش و اعمال خود هستند.

اما سفر حج و عمره در واقع، یک سفر آموزشی است، آموزش بندگی و عبودیت، آموزش عبور از خود و منیّت، سفری که مراحل و منازل متعدد و به هم پیوسته دارد و در هر منزل، نکات کلیدی برای دست‌یابی به زندگی واقعی را به انسان می‌آموزد.

اگر باطن اعمال حج و عمره، مورد نظر نباشد، عملکردهای ظاهری چه توجیهی خواهند داشت؟ دو تکّه پارچه به خود بستن، به گرد سنگ‌ها گشتن، به بیابان رفتن و شب و روزی چند در آنجا ماندن، به ستونی سنگ زدن و سر تراشیدن ... واقعاً هر کدام از

ص: ۹۸

قسمت‌های مناسک چه حقیقتی را در زندگی آینده ایجاد می کند؟ و چگونه می‌توان به آن حقایق رسید؟

حج و عمره، درس زندگی آینده است و درس آموزی، نیازمند به راهنماست. نکات و کلیدهای بسیاری وجود دارد که به طور معمول قابل دستیابی نیست. مطالعات و بررسی‌ها و درس آموزی در سالیان متوالی لازم دارد تا بتوان نکته‌ای را درست فهمید و درست انتقال داد.

حقایق و دقایق حج تمام شدنی نیست، باطنی پشت ظاهر و باطنی در پشت باطن، همیشه زنده است

ص: ۹۹

و فهم جدید ایجاد می کند.

اگر با راهنمای حج همراه شویم و اهل سؤال و تحقیق باشیم می‌توانیم در این فرصت، سرمایه‌هایی به دست آوریم که ابدّیتی استوار از آن پدید آید.

روحـانی کـاروان راهنمـای شـماست البته روحانیون کاروان‌ها، افرادی متفاوت، با توانایی‌های مختلف و روحیات گوناگون هسـتند، درسـت هماننـد اساتیـد مراکز آموزشـی کـه همگی صـلاحیت‌های عمـومی برای تـدریس را حـائز می‌باشـند ولی هر کـدام تـوان و شخصـیت خاصـی دارند. ولی مطمئناً در بین روحانیون کاروان‌ها افراد دانشـمند و پر اطلاع، که بتواند عطش روحی و فکری شما را کاملًا ارضاء کنند، فراوان به چشم می‌خورد. شاید یکی از همان روحانیون مورد نظر، روحانی کاروان شما باشد.

پس با یک ارزیابی اولیه، طرح دوستی با او را بریزید و در این سـفر دوهفته‌ای کمال استفاده را از او ببرید. اگر اهل سؤال و پیگیری باشـیم می‌تـوانیم کلیـدهای لازم برای زنـدگی آینـده را چـه از روحـانی کاروانمـان و چـه از دیگر متخصصـین و راهنمایـان دارای صلاحیت، در طول سـفر به دست آوریم و به جای سوغات دست و خاطرات چشم، سطح فکر برتر و افق دید گسترده‌تر و زندگی با معناتر را به ارمغان ببریم و

ص: ۱۰۰

زندگی دیگران را نیز متحوّل کنیم.

نکند خدای ناکرده مطالب سیاسی یا مشکلات اقتصادی یا سایر مسائلِ بعضاً خیالی، بهانه‌ای باشد که منجر به دوری و دلسردی شما از راهنمایان کاروان و صاحبان علم و دانش شود و این فرصت مبارک و استثنایی را از دست بدهید، فرصتی که معلوم نیست تا آخر عمر، مجدداً نصیبمان خواهد شد یا نه!

ص: ۱۰۱

زیارت وداع

در پایان سفر، باید وداع از مدینه و مسجدالنبیّ و بقیع داشته باشیم، یا در مکّه مکرمه، آخرین طواف مستحبی خویش را طواف وداع قرار دهیم، مگر ما نمی‌خواهیم به حول و قوّه خدا، دوباره توفیق تشرّف به حج و عمره داشته باشیم! اگر جواب مثبت است پس فلسفه وداع چیست؟

عدّه‌ای از زائران و عمره‌گزارن عزیز از زیارت و طواف وداع شانه خالی می‌کنند و دلیلشان هم این است که، ما آرزو داریم چندین بار به این سفر شیرین معنوی مشرّف شویم. لطفاً در این‌باره توضیح دهید؟

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند(نشانه قبولی حج و عمره، ترک عادات زشت و روی آوردن به آداب زیباست.) اگر کسی بی هیچ تغییری و بدون تصمیم بر اصلاح درونی به وطن برگردد و قبل و بعد سفرش مساوی باشد، باید فکری به حال خود کند. زیارت و طواف وداع، وداع از بدی‌ها و زشتی‌هاست، وداع از کینه و کدورت‌ها، حسرت و حسدها، دروغ و

ص: ۱۰۲

دورویی‌هاست. و در یک کلام، وداع از غیر خدا و وصل به خداست نه وداع از خدا و رسول خدا و خانه خدا.

پیامبر اعظم(ص) می‌فرمایند: قسم به آنکه جانم در دست اوست در آخرالزّمان، اقشار ثروتمند، حج را برای تفریح، اقشار متوسط، حج را برای تجارت و سود، و اقشار کم درآمد، حج را برای چشم و هم چشمی و ریا انجام می‌دهند!

وداع ما در حقیقت دور شدن از این نیّات پست و پلید بوده و رنگ خدایی گرفتن از زیارت و حج و عمره است و تنها در این صورت است که این سفر معنوی اثرات مادام العمر بر جسم و جان ما خواهد گذاشت و

ص: ۱۰۳

دائماً حلاوت و شیرینی آن، هستی و حیات ما را نوازش خواهد داد.

لطفاً درباره مسجد شجره و میقات و احرام در آن مسجد بگویید.

انشاء الله در بعد از ظهرِ آخرین روزِ توقف‌مان در مدینه آماده حرکت به سوی مسجد شجره می‌شویم.

نـام دیگر این مسـجد، ذوالحُلَیفَه است که در راه خروجی مـدینه به سـمت مکّه در فاصـله کوتـاهی از مـدینه قرار دارد. این مسـجد، میقات کسانی است که از مدینه عازم مکه برای انجام عمره می‌شوند.

رسول خدا(ص) سه مرتبه از این مسجد مُحرِم شده‌اند:

۱- در جریان سفر سال ششم هجری که منتهی به امضای معاهده حدیبیه شد.

۲- در سال هفتم هجری که «عمرهٔالقضا» انجام دادند.

۳- در سال دهم هجری که حجّهٔالوداع یعنی آخرین حج خویش را بجای آوردند.

ائمّه اطهار و صدّیقه کبری: به غیر از امام حسن عسکری(ع) همگی از این مکان مقدّس، مُحرم شده‌اند.

به هرحال معمول این است که زنان در آخرین

ص: ۱۰۴

ساعات اقامت در هتلِ مدینه غسل احرام انجام می‌دهند و لباس سفید احرامی‌شان را می‌پوشند و مردان در حمام‌های مسجد شجره غسل احرام به جای می‌آورند. در محوّطه مسجد؛ ابتدا مدیر و روحانی کاروان زائران را از نظر جغرافیای مسجد و درب‌های ورود و خروج آن و توضیح بعضی از احکام ضروری، توجیه لازم نموده، سپس زنان از قسمت شمالی مسجد، داخل مسجد شده، (۱) تا بعد از خواندن یک نماز دو رکعتی یا سه تا نماز دو رکعتی به نیت

۱- مگر خانم‌هایی که عادت ماهانه هستند که آن‌ها از بیرون مسجد و پیش از میقات، با نذر، محرم می‌شوند.

ص: ۱۰۵

نماز احرام، نیت احرام نموده و تلبیه را(لبیک اللهم لبیک ...) بگویند. بانوان طلبه ایرانی برای راهنمایی خانم‌ها در قسمت بانوان حضور دارند، لذا جای هیچ گونه نگرانی از عدم حضور روحانی کاروان با آنها نیست.

آقایان هم پس از انجام غسل احرام و پوشیدن دو حوله احرامی به داخل مسجد آمده و کم کم آماده بستن احرام می‌شوند.

آیا غسل احرام واجب است؟

خیر. غسل احرام مستحب است.

تا چه موقع اعتبار دارد؟

تا وقتی که نیت احرام نموده و لبیک‌ها را بگویید. از آن به بعد، دیگر داشتن غسل احرام لازم نیست.

یعنی از مسجد شجره که به طرف مکّه مکرّمه برای انجام اعمال عمره حرکت می‌نماییم، در طی راه اگر بخوابیم یا دستشویی برویم، اشکالی ندارد و احرام ما به هم نمی‌خورد!؟

خیر، این غسل تا موقع احرام بستن خاصیت دارد و دیگر هیچ. اما از لحظه حرکت از مسجد شجره تا شهر مکّه(حدود چهار پنج ساعت راه)، داشتن غسل و وضو لازم نیست و خوابیدن هم برای احرام

ص: ۱۰۶

شما ضرری ندارد. البته هنگام احرام مثل سایر اوقات و ساعات، با وضو بودن مستحب است.

آیا به غیر از غسل احرام، غسل‌های مستحبی دیگری هم هست که انجام دهیم؟

بلی در هنگام انجام غسل می‌توانید نیّت غسلِ داخل شدن به حرم مکّه، شهر مکّه، مسجدالحرام، زیارت خانه خدا، توبه، حاجت و ... نموده و سپس یک غسل به نیّت همه انجام دهید. آنگاه دو حوله احرامی را بپوشید.

این غسل‌ها تا کِی اعتبار دارد؟

ص: ۱۰۷

غسل‌های مستحبی در صورتی که در روز انجام شوند تا آخر شب آینده و اگر در شب انجام شوند تا آخر روز آینده اعتبار دارند به شرطی که کارهایی که موجب بطلان وضو می‌شود از انسان سر نزند.

با ورود به مکّه، اعتبار غسل ورود به حرم مکّه و شهر مکّه تمام می‌شود اما در مورد سایر غسل‌ها مثل غسل ورود به مسجدالحرام و یا غسل زیارت خانه خدا می‌توانید مجدّداً در هتل، غسل دیگری بنمایید.

در مسجد شجره، بعد از غسل احرام چه می‌کنیم؟

داخل مسجد می‌شویم و با راهنمایی روحانی کاروان نیت احرام نموده و «تلبیه» را می‌گوییم.

تلبیه چیست؟

گفتن این جمله «لَبَّیکَ اللهمَّ لَبَّیک، لَبَّیکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیک، إِنَّ الحَمدَ وَ النِّعمهْ لَکَ وَ المُلکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیکَ»

از چه زمانی محرّمات احرام بر ما حرام می‌شود؟

دقیقاً از زمانی که لبیک‌ها را به نیّت احرام گفتید، تمام محرّماتی که در کتاب مناسک حج و عمره آمده بر شما ممنوع خواهد بود.

ص: ۱۰۸

منظور همان بیست و چهار چیز است؟

بلی، اما باید بدانید از بین محرّمات احرام هجده مورد، مشترک بین زن و مرد، چهار مورد، به آقایان و دو مورد هم به بانوان اختصاص دارد، که ان‌شاءالله در فرصتی دیگر درباره آنها و سایر مسائل و اعمالی که در مکّه مکرمه و در حال احرام و نیز درباره مکان‌ها و سایر برنامه‌های سفر،(در فصل دوّم این کتاب) توضیحات لازم ارائه خواهد شد.

یک نکته بسیار مهم درباره محرّمات احرام اینکه: در صورت ارتکاب هر کدام از آنها(به غیر از شکار) از روی خطا، فراموشی و ندانستن مسأله،

ص: ۱۰۹

کفّاره‌ای برعهده شما نیست و به اعمال شما ضربه‌ای نمی‌زند. پس با خیال راحت متوجه خدا باشید و از این مهمانی لذّت‌بخش الهی کمال استفاده را ببرید.

چه زمانی به سوی مکّه حرکت می‌کنیم؟

انشاء الله بعد از نماز مغرب و عشاء از مسجد شجره به طرف مکّه رهسپار خواهیم شد.

چرا فوراً بعد از محرم شدن حرکت نمی‌کنیم؟

یکی از محرّمات احرام برای آقایان، استظلال یعنی زیر سایه و سقف رفتن در حال احرام، در حال طی کردن مسیر، به هنگام روز است. اما در شب‌های عادی به فتوای اکثر مراجع، زیر سقف قرار گرفتن در حال حرکت، اشکالی ندارد.

منظور از شب‌های عادی چیست؟

یعنی در شب‌های بارانی، سرد و طوفانی و مانند آن نباشد. که اگر این طور باشد به فتوای بعضی از مراجع کفّاره لازم است.

چه چیزی باید به عنوان کفاره داد؟

یک گوسفند

آیا این گوسفند شرایط خاصی دارد؟

خیر هر گوسفندی می‌شود. چاق یا لاغر، سالم یا معیوب، نر یا ماده

ص: ۱۱۰

در کجا باید قربانی کرد؟

هر کجا جایز است. در مکه یا ایران.

تا چه زمان فرصت برای این کار هست؟

در اولین زمان ممکن. مثلًا اگر بعد از بازگشت به وطن، جلوی شـما گوسفند قربانی می کنند، می‌توانید یکی از آنها را به نیت کفّاره استظلال(زیر سایه رفتن) ذبح نمود. و باید همه آن، حتی پوست و کلّه و پاچه‌اش را بین فقرا تقسیم کرد.

در خلوت یار

به عنوان حُسن ختام اگر نکته و نصیحتی باقیمانده بفرمایید، تا به مدد الهی آن را به کار

ص: ۱۱۱

بندیم و خود را بیشتر آماده بهره‌وری از خوان کرم مهربانی پروردگار عالم بنماییم.

انشاء الله، بعد از چهار پنج ساعت، به شهر مکّه، شهر خاطرات و حماسه‌ها، شهر معنویت و روحانیت، محل زندگی رسول خدا و اجداد طاهرینش، خدیجه کبری، هاجر و اسماعیل: و شهری که ندای یکتاپرستی از آنجا به اقصی نقاط عالم گسترش یافته است، می‌رسیم.

در بین راه، در خلوت شبانه و در سکوت حاکم بر اتوبوس، کمی به فلسفه این سفر معنوی بیاندیشیم. اهمیت دادن به شناخت آفت‌ها و خطرها، شرط عقل است مخصوصاً در فعالیت‌هایی که آثار طولانی و درازمدت بر جای می‌گذارد. شاید این سفر، فقط یکبار در عمر نصیب شود، در حالی که اثرات آن با ابدیّت انسان گره خورده است، پس دقتی دوچندان می‌طلبد.

تمام آفت‌ها و خطرها به دو سر منشأ اصلی باز می‌گردند: خود محوری و ظاهر گروی.

خودمحوری در ارتباط با همسفران، خودمحوری در انجام اعمال و مناسک، خودمحوری در تصمیمم‌ها و انتخاب‌ها، سرچشمه ایجاد اکثر مشکلات فکری، روحی و رفتاری می‌شود. آفتی که مانند آتش به خرمن روح انسان می‌افتد و تمام هست و نیست و دنیا و آخرت او

ص: ۱۱۲

را می‌سوزانـد! دو انتخاب بیشتر نـداریم یا خـدا یا خود! یا فکر و روح و رفتارمان را پر از خـدا و رضایت خدا کنیم یا پر از دلخواه و پسند خود!

نقطه حسّاس کجاست؟

قبل از تصـمیم بر انجام کاری، لحظه‌ای فکر کنیم که آیا این انتخاب و تصـمیم را خداوند می‌پسـندد یا نه؟ اگر چنین کنیم ندای(قَد أَفلَحَ مَن زَکّیها) را با تمام وجود خواهیم شنید.

چقـدر در رَوح و راحتنـد کسانی که رنگ و بوی خدا بر زندگی آنها سایه افکنده و نه برای چشم و هم چشـمی، لج و لج بازی و پُز دادن و غیر آن، بلکه فقط و فقط برای جلب رضای الهی و خشنودی پروردگار عالم

ص: ۱۱۳

تصمیم می‌گیرند، قدم برمی‌دارند، به خرید می‌روند، خانه کسی می‌روند، به سفر می‌روند، درس می‌خوانند، کار می‌کنند و حتّی می‌خورند و می‌خوابند!

اما ظاهر گروی، سرچشمه‌ای دیگر برای بسیاری از مشکلات و حسرت‌هاست: عادت به پُر کردن چشم از دیدنی‌های جالب مادّی، صرف کردن دائم وقت در بازارها به بهانه مستحب بودن سوغات، نمازها و طواف‌های مستحب به قیمت آزار و اذیت دیگران و هم‌سفران، به دنبال خاطرات توریستی و اطلاعات تاریخی بودن، البته نه برای عبرت، بلکه برای گزارش به دیگران.

و چقدر زندگی زیبا و لذّت‌بخش است برای کسانی که پرده‌های عالم مادّی و لو اندک، از جلوی چشم دلشان کنار رفته و گوشه‌ای از حقایق عالم را مشاهده می‌کنند و دست قدرت خدای حکیم را ورای عوالم و عوامل ظاهری می‌بینند!

به هر حال حقایق بسیاری در انتظار است، تا وقت باقی است دست به کار باید شد و نفس سرکش را باید مهار کرد.

سفر حج و عمره و هم‌سفر شدن با میهمانان خداوند، فرصتی بسیار عالی برای تمرین خدامحوری و

ص: ۱۱۴

دور شدن از خودمحوری است، زمینه‌ای مناسب برای تقویت دید عقلی و قلبی و نفوذ به حقایق و عبور از دیدهای ظاهری است.

و نیز به ذکر و زمزمه مشغول بودن:

امشب شدم به خون جگر میزبان اشک راز و نیاز با تو کنم با زبان اشک

هان پشت سر نهاده بیابان معصیت رو کرده‌ام به کوی تو با کاروان اشک

یا رب مرا به بحر کرم ساز غوطه‌ور آنسان که دیده غوطه زند در میان اشک

ص: ۱۱۵

به درگه تو آمدم، ز درگهت مکن ردم اگر که خوب اگر بدم، که واجب‌العطا تویی

به بی‌نوا تویی نوا، به درد ما تویی دوا به سینه‌ها تویی صفا، به دیده‌ها ضیا تویی

بی‌تاب و در تبم ببین، فریاد یا ربم ببین لبّیک بر لبم ببین، مجیب هر دعا تویی

از رحمت تابنده‌ات، بده جواب بنده‌ات این بنده شرمنده‌ات، که غافرالخطا تویی

احرام کویت بسته‌ام، با این دل شکسته‌ام به درگهت نشسته‌ام، امید جان ما تویی

به مروه و صفا روم، با ذکر ربّنا روم از درگهت کجا روم، روم به هر کجا تویی

خدای مهربان من، شدی تو میزبان من توان من امان من، به جان من صفا تویی

چو دریای لطف تو عالم بگیرد امیدی که موجش مرا هم بگیرد

کریمی چنان تو کجا می‌گذارد که در ما شرار جهنّم بگیرد

چو بینم به‌خویش ازگناهی‌که دارم به پهنای هستی مرا غم بگیرد

ص: ۱۱۶

ولی چون بیاد آورم رحمتت را فروغی ز شادی به جانم بگیرد

ز آمرزش ما غمین است شیطان چنان کن که خصم تو ماتم بگیرد

الهی رحمتت را شاملم کن سراپا عیب و نقصم کاملم کن

کمال آدمیّت حق شناسیست به جمع حق شناسان واصلم کن

به راه خدمت خلقم به پا دار برای طاعت خود مُقبلم کن

هزاران مشکلم در کار باشد

ص: ۱۱۷

زلطف خویش حل مشکلم کن منم غافل خدایا آگهم ساز
منم جاهل خدایا عاقلم کن نخستین منزل کوی تو تقواست
الهی سالک این منزلم کن ببین طوفان قلب آتشینم
نگاهی باز بر آب و گلم کن به جز مهر خود و وابستگانت
برون هر مهر دیگر از دلم کن نِیَم من لایق دیدار مهدی
پی درک حضورش قابلم کن که من‌هم رو به درگاه تو دارم
خدایا رحمتت را شاملم کن من گرچه گنه‌کار و بدم یا الله
از درگه خود مکن ردم یا الله گفتم که من و این‌همه عصیان چه‌کنم
گفتی که بیا من آمدم یا الله

هم‌چنین با گریه و گداز و ناله و نیاز با خدای مهربان و بنده نواز نجوا نمودن:

خدایا! هنوز هم باور نمی‌کنم، لطفت شامل حال من شده باشد. مگر نمی‌گویند، تشرّف به این سفر دعوت است! پس خدایا! تو مرا دعوت نموده‌ای! تو مرا

ص: ۱۱۸

برگزیده‌ای، تو مرا بر سر سفره رحمت بی‌کرانت میهمان نموده‌ای! هر چه فکر می‌کنم خودم را لایق این همه لطف و کرمت نمی‌بینم. خدایا! بارالها! خودت کمکم کن، توفیقم ده، دستم را بگیر، اگر تو دعوتم نموده‌ای پس خودت هم معرفت استفاده بده. تو راهنمایی‌ام کن که چه کنم و چگونه باشم.

خدایا! شاید این آخرین فرصت من باشد، پس با یاد تو و به یاری تو وارد حرم أمنت می‌شوم و با سلام و صلوات بر محمّد و آل محمّد و با درود بر ابراهیم و آل ابراهیم، مناسک عمره‌ام را شروع می‌نمایم. خدایا! من بنده و زائر خانه‌ات می‌باشم، من میهمان کرم توام و تو میزبان کریم و خوب منی. پس از تو می‌خواهم که

ص: ۱۱۹

همـانطور که بر یگـانگی تو و رسالت حضـرت محمـد(ص) شـهادت داده و می‌دهم، اولین هـدیه‌ات که در این سـفر به من مرحمت می‌نمایی، آزادیم از آتش جهنم باشد. آمین یا رب العالمین. (۱)

۱- اقتباس از دعای ورود به مسجد الحرام. مناسک حج، آداب دخول مسجد الحرام، ص ۲۲۳.

ص: ۱۲۰

فصل دوم مکه

یادآوری

(إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبارَکاً وَ هُدی لِلْعالَمِینَ) (۱) ای زائر عزیز و ای مسافر دیار دوست، خدای مهربان به شما توفیق عزیمت به این سفر معنوی و انسان‌ساز عنایت نموده تا با تزکیه دل و سیر إلی الله مسیر سعادت و ابدیّت را بپیمایید.

شما امروز در این‌سفر در بوته امتحان قرار دارید،

۱- آل عمران، ۹۶.

ص: ۱۲۱

چون نمونه و الگویی از ملّت ایران و مملکت شیعه هستید و باید بدانید که چشمان کنجکاو صدهاهزار زائر که از اطراف جهان حول مرکز وحی گِرد آمده‌اند، با دقّت، حرکات و اعمال شما را تحت نظر دارند.

دوستان شما که زائران بیت‌الله هستند، با کمال اشتیاق می‌خواهند ببینند این تحوّل عظیمی که در ملّت ایران، در ابعاد مختلف، به‌ویژه در بُعد اخلاقی و معنوی تحقّق پیدا کرده است، چگونه است و تا چه مقدار است.

و مخالفان شما که برای وقایع‌نگاری و خبرچینی و نفاق‌افکنی خود را به آن مکان مقدّس رسانده‌اند، در صدد پیداکردن نقاط ضعف شما هستند تا از کاهی کوهی بسازند، و در رسانه‌های گروهی و مطبوعات و مجالس سخنرانی هیاهو به راه اندازند؛ و نه تنها جمهوری اسلامی، که اسلام را محکوم کنند.

شما زائران محترم با آن‌چه گفته شد، بر سر دو راهی هستید:

«راه سعادت»، که حفظ آبروی جمهوری اسلامی و اسلام عزیز و ملّت بزرگوار و رزمندگان عظیم‌الشّأن و شهدای پیوسته به لقاءالله است؛ و پیمودن این راه با مراعات موازین اسلامی و اخلاقی و مواظبت از اعمال و افعال و گفتار خود در همه مواقع و در تمام مشاعر حجّ امکان پذیر می‌باشد. و نیز مراعات آداب اسلامی و اخلاقی

ص: ۱۲۲

با همه بندگان خدا و «راه شقاوت» و مردود بودن از ساحت قدس الهی، با عدم مراعات آن‌چه ذکر شد و آن‌چه با حیثیّت جمهوری اسلامی منافات دارد. (۱) فصل دوم که مرتبط با اعمال و آداب و مناسک زائران و حاجیان بیت‌الله‌الحرام در مکّه مکرّمه است، تقدیم به همه دوست‌داران خانه خدا می گردد.

این قسمت نیز همانند قسمت اوّل دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

- قلمی ساده و روان دارد.
- قالبی جدید و جذّاب دارد.

۱- برگرفته از مجلّه میقات، ج ۲۲، ص ۵.

ص: ۱۲۳

- کاربردی نگاشته شده است.

- میان‌رشته‌ای است «فقهی، اعتقادی، تاریخی و اخلاقی».

- گزینشی از مطالب حجّ آورده شده است؛ به این‌معنی که از مباحث ضروری و مورد ابتلا، سخن به‌میان آمده است.

ص: ۱۲۴

حرکت به‌سوی مکّه

الحمدلله رب العالمین. سلام و صلوات بر حضرت محمّد مصطفی و خاندان پاکش؛ شکر خداوند مهربان را که توفیق بندگی و اطاعتش را عنایت فرمود و این سفر سراسر شور و شعف و وجد و سرور را به ما روزی فرمود.

از دست و زبان که برآید
کز عهده شکرش به در آید
بنده همان به که ز تقصیر خویش
عذر به درگاه خدای آورد
ور نه سزاوار خداوندی‌اش
کس نتواند که به‌جای آورد

بعد از مُحرم شدن و خواندن نماز مغرب و عشا، به طرف مکّه حرکت نمودیم. اتوبوس با سرعت هر چه تمام‌تر در جادّه‌ای که به طریق‌الهجرة معروف است در حال حرکت است؛ یعنی در همان راهی که حضرت

ص: ۱۲۵

محمّد امین(ص) در سال سیزدهم بعثت در هجرت از شهر مکّه به‌سوی مدینه پیمودند.

خوشبختانه من به همراه روحانی محترم کاروان در ردیف جلو و کنار پنجره نشسته‌ام. آسمان زیبای حجاز و ستارگان قشنگ آن تماشایی است. گویا آسمان در این نقطه از کره خاکی به زمین نزدیکتر شده است! ناخودآگاه انسان به هزار و چهارصد سال پیش برمی‌گردد وسختی‌ها و سرزنش‌هایی که پیامبر اعظم(ص) در راه تبلیغ و ترویج اسلام تحمّل نمودند، جانفشانی‌های مولی‌الموحّدین حضرت علیّ‌بن‌ابی‌طالب(ع) در جنگ‌های بدر و احُد و خندق و خیبر،

ص: ۱۲۶

شب‌زنده‌داری‌هایش و بر دوش کشیدن کیسه‌های آذوقه در ظلمت شب برای مستمندان، و خیلی از خاطرات تلخ و شیرین و زشت و زیبای صدر اسلام در ذهن انسان تداعی می‌شود. به راستی ائمّه عزیز ما و اصحاب باوفایشان چقدر تلاش و تکاپو نموده و آزارها و دشمنی‌ها را به جسم و جان خریدند، تا اسلام عزیز به آیندگان برسد. حقیقتاً اگر نبود آن همه ایثار و جان‌فشانی ائمه بزرگوار و علما و مجاهدان و شیعیان و ایثارگران و رزمندگان و شهدا، هرگز دین خالص و اسلام ناب به ما نمی‌رسید و ما هم اکنون غرق در بت‌پرستی و خرافه‌پرستی و یا مانند کشورهای به اصطلاح متمدّن غربی، در منجلاب بی‌دینی و مادّی گرایی و شهوت‌رانی و درنده‌خویی غوطه‌ور بودیم!

بنابراین هنگام تشرّف به مسجدالحرام و رؤیت جمال بیت‌الله‌الحرام، قبل از هر کاری لازم است سجدهٔ شکر به‌جا آوریم و از نعمت عظیم اسلام و قرآن و توحید و خداپرستی و انقلاب اسلامی که شامل حال ما شده است قدردانی نماییم.

با انجام غسل احرام و توبه و با پوشیدن لباس سفید و زیبای احرام به زیارت خانه خدا روانه می‌شویم و لبّیک‌گویان به دیار عشق و عرفان می‌شتابیم و طواف خانه‌اش را به‌جا می‌آوریم. باید صدها هزار مرتبه، به

ص: ۱۲۷

این‌همه نعمت و برکت در زندگیمان پیشانی شکر بر زمین بساییم.

با توجّه به این نکات، برای انجام اعمال عمره مفرده، دو راه داریم، یا به محض رسیدن به هتل و بعد از تحویل اتاق‌ها و مکث چند دقیقه‌ای، همان شبانه راهی مسجدالحرام شویم، و یا این‌که پس از ساعاتی استراحت و رفع خستگی و ادای نماز صبح و صرف صبحانه در هتل، تازه‌نفس و قبراق به‌سوی مسجدالحرام حرکت نماییم.

ص: ۱۲۸

زمان انجام اعمال عمره

شکر خدا روحانی کاروان، آمادگی کامل برای پاسخ‌گویی دارد، لذا گفتگوی خویش را با وی آغاز می‌کنیم:

لطفا بفرمایید با توجّه به این‌که نگاه به آینه، یکی از محرّمات احرام است، آیا نگاه به شیشه‌های اتوبوس که تصویر انسان درآن معلوم است، اشکال دارد؟

خیر. نگاه به شیشه، آب زلال و یا هر شیئ صاف و صیقلی دیگر که کم و بیش عکس انسان در آن پیداست، درصورتی که قصد زینت و اصلاح سر و صورت نداشته باشید، اشکالی ندارد. (۱) به چند نکته مهمّ توجه فرمایید:

بعضی از محرّمات احرام اصلًا کفّاره ندارند؛ مثل نگاه‌کردن در آینه، بیرون‌آوردن خون از بدن، پوشیدن زیورآلات، سرمه‌کشیدن و ...

۱- مناسک حجّ طبق فتاوای امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر مشعر، تابستان ۸۶، مسأله ۳۸۸، ص ۲۰۱.

ص: ۱۲۹

یک مورد از محرّمات، مختصّ به بانوان محترم است: پوشانیدن صورت.

چهار مورد هم مخصوص آقایان است: پوشیدن جامه دوخته- پوشیدن پاپوش(مثل کفش و جوراب)- پوشانیدن سر- رفتن زیر سایه.

اگر مجبور باشیم از کرم و پماد استفاده نماییم، چه‌کار باید بکنیم؟

استفاده از هرگونه پماد و کرمی که بی‌بو باشد یا بوی خوش نداشته باشد، به فتوای اکثر مراجع، در حال ضرورت بدون اشکال است، امّا اگر بوی خوش داشته

ص: ۱۳۰

باشـد، اسـتفاده از آن اگر از روی ناچاری باشـد- مثلًا پوست بـدن یا دست و صورت خشـکی زده باشد- اشـکالی ندارد ولی کفّاره دارد. بنابراین مواظب باشیم که از استعمال پمادهایی که بوی خوش دارند، اجتناب نماییم.

کفّاره آن چیست؟

اکثر مراجع، کفّاره آن‌را یک گوسـفند می‌دانند. (۱) کسانی‌که برای حجّ تمتع، مشـرّف می‌شوند، اعمالشان دو قسـمت دارد،؛ الف: عمره تمتع. ب: حجّ تمتع. لطفاً بفرمایید چه فرقی بین عمره تمتع با عمره مفرده وجود دارد؟

عمره مفرده با عمره تمتع سه تفاوت دارد که عبارتند از:

۱. در عمره مفرده بعـد از تقصـیر و به منظور حلّیت تمتّعات جنسـی بایـد طواف نساء و نماز آن به‌جا آوره شود امّا در عمره تمتع این کار لازم نیست.

۲. در عمره مفرده عمره‌گزار مرد، مخیّر بین حلق(تراشـیدن سـر) و تقصـیر(کوتـاه کردن انـدکی از موی سـر یـا محاسن) است امّا در عمره تمتع، عمره‌گزار باید تقصیر کند و حلق برای او حرام است.

۳. محل احرام عمره مفرده در بعضی موارد، علاوه بر

۴.

۱- مناسک حج مطابق با فتاوای امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر مشعر، تابستان ۸۶، مسأله ۳۸۱، ص ۲۰۹.

ص: ۱۳۱

مواقیت پنج‌گانه، ادنَی‌الحِل هم می‌تواند باشد امّا در عمره تمتع حتماً باید از یکی از مواقیت پنج‌گانه مُحرم شود.

میقات و ادنی‌الحل یعنی چه؟

محلّ احرام بستن برای عمره تمتع و عمره مفرده را میقات می‌نامند و به‌خاطر اختلاف راه‌های زائرین بیت‌اللهالحرام به طرف مکّه، پنج میقات داریم:

مسجد شجره یا ذوالحُلَیفَه؛ میقات کسانی که از مدینه عازم مکّه می‌باشند.

ص: ۱۳۲

وادی عقیق. میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکّه می‌روند.

قَرن‌المنازل. میقات کسانی است که از راه طائف به مکّه می‌روند.

یَلَملَم. میقات اهل یمن و کسانی است که از آن مسیر به مکّه می‌روند.

جُحفه. میقات کسانی است که از راه سوریه به مکّه می‌روند و اکنون بسیاری از زائرانی که می‌خواهند مستقیماً از جدّه به مکّه بروند، به جحفه رفته و از آن‌جا محرم می‌شوند. در ایام حجّ کاروان‌های مدینه بعد، همین‌کار را انجام می‌دهند. در حال حاضر، زائران ایرانی در ایام حجّ و غیر ایام حج،(ایام برگزاری عمره مفرده) از مسجد شجره یا جُحفه مُحرم می‌شوند.

اما ادنی‌الحل؛ یعنی نزدیک‌ترین منطقه خارج حرم، که اگر شخصی در مکّه باشد و بخواهد عمره مفرده به‌جا آورد، لازم است به خارج حرم، مثلًا تنعیم رفته و از آن‌جا محرم شود.

منظور شما زائرانی‌اند که قصد انجام عمره مفرده مجدّد دارند؟

بله.

ص: ۱۳۳

طواف مستحبّ یا عمره مجدّد

لطفا کمی درباره عمره مجدّد صحبت کنید. این عمره چگونه به‌جا آورده می‌شود؟ به چه نیّتی و از طرف چه کسی صحیح است؟ رعایت فاصله بین این عمره با عمره قبل لازم است یا نه؟

انجام عمره مجدّد با وجود شرایطی به فتوای اکثر مراجع جایز می‌باشد، ولی بر انجام آن تأکید نشده است.

روایات فراوانی داریم که تأکید دارند، در ایّام درنگ

ص: ۱۳۴

در مکّه تـا می‌توانیـد طواف مسـتحبّی انجام دهیـد. در روایت آمـده که به عـدد روزهای سال یعنی ۳۶۰ بـار طواف(هفت دور با دو رکعت نماز) به‌جا آورید، اگر نتوانستید، ۵۲ بار و اگر آن‌هم در توان شما نبود هرچقدر می‌توانید طواف کنید. (۱)

اگر دوست داریـد برای پـدر و مـادر، فرزنـدان، گذشـتگان، دوسـتان، همسایگـان، اقوام، سـفارش‌کنندگان، ائمّه اطهار: به ویژه امام حسن عسـکری و فرزنـد شـریفشان امام زمان(عج) و یا هر کس دیگر، مرده یا زنده، یک یا چند نفر، کار خیری انجام داده باشـید و ثوابی به آنان هدیه نمایید، همین انجام طواف است که می‌توانید از طرف آنها انجام دهید.

در روایتی از پیامبر خدا(ص) نقل شده:

(اسْتَکْثِرُوا مِنَ الطَّوَافِ فَإِنَّهُ أَقَلُّ شَیءٍ یُوجَدُ فِی صَحَائِفِکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَۀِ) (۲)

تا می‌توانید طواف به‌جا آورید زیرا کمترین چیزی که در نامه‌های اعمال شما در روز قیامت یافت می‌شود، طواف است

۱- امام صادق(ع) می‌فرمایند: یسـتحبّ أن تطوف ثلاثمأۀ و ستّین اسبوعاً علی عدد أیّام السّنۀ فإن لم‌تستطع فثلاثمأۀ و ستّین شوطاً فإن لم‌تسـتطع فمـا قـدرتَ علیـه مـن الطـواف. شـیخ‌حُرّعاملی: وسائل‌الشّـیعۀ، دار احیـاء الـتراث العربی، بیروت، چهـارم، ۱۳۹۱ ق، ج ۹، ابواب‌الطّواف، باب ۷، ح ۱، ص ۳۹۶.

۲- الأحسائی، محمدبن علی‌بن ابراهیم(ابن جمهور): عوالی اللئالی، ج ۳، ح ۵۹، ص ۱۶۵.

ص: ۱۳۵

و یا امام صادق(ع) فرمود:(. إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی حَوْلَ الْکَعْبَةِ عِشْرِینَ وَ مِائَةَ رَحْمَةٍ مِنْهَا سِتُّونَ لِلطَّائِفِینَ ... (۱)) خداوند مهربان صد و بیست رحمت خود را در اطراف کعبه قرار داده است که شصت رحمت آن اختصاص به طواف‌گزاران دارد. همچنین امام صادق(ع) به یکی از اصحاب خود می‌فرمایند:(یَا أَبَانُ هَلْ تَدْرِی مَا ثَوَابُ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَیْتِ أُسْبُوعاً فَقُلْتُ لَا وَ اللَّهِ مَا أَدْرِی قَالَ یُکْتَبُ لَهُ سِتَّةُ آلَافِ حَسَنَةٍ وَ یُمْحَی عَنْهُ سِتَّةُ آلَافِ سَیِّئَةٍ وَ یُرْفَعُ لَهُ سِتَّةُ آلَافِ

۱- شیخ‌حرعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۹، أبواب الطواف، باب ۴، ح ۳، ص ۳۹۲.

ص: ۱۳۶

دَرَجَةٍ) (۱)

ای ابان؛ آیا می‌دانی ثواب کسی که بر گرد این خانه هفت دور طواف کند چیست؟ ابان گفت: نه به خدا قسم، حضرت فرمود: برای او شش‌هزار حسنه نوشته شده، شش‌هزار گناه از او برداشته شده و شش‌هزار درجه بر درجاتش افزوده می گردد.

طواف‌های مستحبّی را به چه نیّتی انجام دهیم؟

به چند نکته در این زمینه توجّه فرمایید:

در موارد زیر، طواف مستحبّی به‌جا نیاورید:

قبل از تمام‌کردن اعمال عمره مفرده.

قبل از تمام‌کردن اعمال عمره تمتّع.

قبل از عرفات، در حجّ تمتّع.

قبل از تمام‌کردن اعمال واجب در مکّه، بعد از بازگشت از منا، در حجّ تمتّع.

بنابراین، چه در عمره و چه در حجّ، ابتدا، اعمال واجبتان را انجام دهید، آن‌گاه هر چقدر دوست دارید طواف مستحبّی بجا آورید.

در اوّل شب، سه طواف؛ در آخر شب، سه طواف؛ پس از دخول صبح، دو طواف؛ و بعد از ظهر، دو طواف؛ مستحبّ است به‌جا آورده شود.

۱- شیخ‌حرعاملی، وسائل‌الشیعهٔ، ج ۹، أبواب الطواف، باب ۴، ح ۱، ص ۳۹۲.

ص: ۱۳۷

هفت دور، گِرد خانه خـدا چرخیدن با دو رکعت نماز، یک طواف است نه یک دور و دو دور، ولی می‌شود یک طواف کامل را به نیّت چنـدین نفر انجـام داد. (۱) مسـتحبّ است در حـال طواف مشـغول دعـا و ذکر خـدا و تلاوت قرآن باشـد. (۲) طـواف از طرف معصومین: و خویشاوندان و دوستان و همسایگان، چه مرده و چه زنده، به شرط آنکه در مکّه نباشند یا اگر در مکّه هستند معذور باشند- مستحبّ است.

می توانیم طواف مستحبّ را به نیّت چند نفر انجام دهیم یا در آخر ثواب آنرا به آن‌ها هدیه نماییم.

شرایطی که در طواف واجب، رعایت آن لازم است، در طواف مستحبّی نیز معتبر است مگر در چند چیز:

الف: موالات در آن شرط نیست.

ب: وضو لازم ندارد.

ج: قطع آن حتّی بدون عذر جائز است.

د: شک در عدد دورهای آن، موجب بطلان طواف نمی‌شود بلکه بنا را بر اقل می گذاریم.

۱- مناسک حج، طبق فتاوای امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر مشعر، تابستان ۸۶، مسأله ۷۷۶، ص ۳۵۴.

۲- همان، مسألهٔ ۶۴، ص ۲۶۷.

ص: ۱۳۸

ه: نماز آن واجب نیست.

و: نماز آن، لازم نیست حتماً پشت مقام ابراهیم خوانده شود، بلکه خواندن آن در هر جای مسجدالحرام جائز است. (۱) بهتر است هنگام ازدحام جمعیت برای طواف واجب، به‌جای طواف مستحب، سایر عباداتی را که به آن‌ها سفارش شده‌ایم انجام دهیم. مثل قرائت قرآن مجید، نماز مستحب، دعا و نیایش، نگاه به کعبه، تفکّر و خلوت با خدا

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: پیام مرا به اهل مکّه برسانید که مَطاف، مقام ابراهیم و صفوف اوّل را از دهه آخر ذی‌قعده تا روز چهاردهم ماه ذی‌حجّه برای حاجیان و کسانی که طواف واجب دارند خالی نگه دارند (۲)

.

هم‌چنین حضرت ولیّ عصر [بعد از ظهور مبارکشان اوّلین کاری که در راستای پیاده نمودن عدالت انجام خواهند داد، این است که منادی او ندا خواهد داد: کسانی که طواف مستحبّی به جا می‌آورند، مطاف و حَجَرالأسود را برای کسانی که طواف واجب انجام

۱- مناسک حج، مطابق فتوای حضرت امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر مشعر، تابستان ۱۳۸۲، مسأله ۸۳۲، ص ۳۸۱.

۲- محمّدی ری‌شهری، الحجّ و العمره فی الکتاب و السنّهٔ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶، ح ۶۴، ص ۴۸.

ص: ۱۳۹

می‌دهند خالی نگه دارند. (۱)

روایات معصومین: به ترتیب اولویت، ما را به چه اعمالی در مکّه و مسجدالحرام، سفارش نموده‌اند؟

طواف، نماز مستحبّی، قرائت قرآن، ذکر و دعا و حتّی نگاه به کعبه مورد سفارش آن بزرگواران است. توجّه شما را به چند حدیث در این زمینه، جلب می‌نمایم:

امام صادق(ع) می‌فرمایند:(إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی جَعَلَ حَوْلَ الْکَعْبَهِٔ عِشْرِینَ وَ مِائَهَٔ رَحْمَهٍٔ سِتُّونَ لِلطَّائِفِینَ وَ أَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّینَ وَ عِشْرُونَ لِلنَّاظِرِینَ)

۱- وسائل‌الشّیع، ج ۹، ابواب‌الطّواف، باب ۱۷، ح ۲، ص ۴۱۲.

ص: ۱۴۰

خداونـد تبـارک و تعـالی صـد و بیست رحمت اطراف کعبه قرار داده است؛ شـصت رحمت برای طواف‌گزاران، چهل رحمت برای نمازگزاران و بیست رحمت هم برای نظرکننـدگان به کعبه. البته با کمی دقّت شایـد بشود گفت تمامی یک صد و بیست رحمت از آن طواف‌کننـده است؛ زیرا او هم طواف می‌کنـد، هم نماز می‌خوانـد(چرا که در روایت داریم طواف یک نوع نماز است)، و هم به کعبه می‌نگرد. (۱) امام صادق(ع) می‌فرمایند:(. الطَّوَافُ لِلْمُجَاوِرِینَ أَفْضَلُ وَ الصَّلَاةُ لِأَهْلِ مَکَّةَ وَ الْقَاطِنِینَ بِهَا أَفْضَلُ مِنَ الطَّوَافِ) (۲) برای کسانی‌که مقیم مکّه نیستند، طواف بهتر است امّا برای آن‌هایی که در مکّه سکونت دارند، نماز مستحب، با فضیلت‌تر است.

دربارهٔ قرائت قرآن در فصل اوّل این کتاب تا حدودی توضیح داده شد.

ختم قرآن در مکّه مکرّمه، در روایات مورد سفارش واقع شده است، منتهی با این شرائط:

تدبّر و تفکّر در معانی و مفاهیم قرآن.

رعایت حال و حوصله.

اهمّیت بیشتر به کیفیّت تا کمیّت، چه در قرائت

۱- مجلّه میقات، شماره ۷، ص ۳۰.

۲- الحج و العمره فی الکتاب و السنّهٔ، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶، ص ۴۹، ح ۶۷.

ص: ۱۴۱

قرآن و چه در سایر عبادات.

حضرت محمّد مصطفی(ص) می‌فرمایند: «رکعتان خفیفتان فی تفکّر خیر من قیام لیلهٔ» دو رکعت نماز سبکِ همراه با تفکّر، بهتر از عبادت یک شب است.

از خواندن نماز مستحبّی غافل نشوید. نافله‌های شبانه، نماز حاجت، نماز برای والدین و مخصوصاً نماز حضرت جعفر بن ابی‌طالب(جعفر طیّار)، به‌ویژه در روز جمعه.

اگر نماز قضا به عهده دارید، گاهی اوقات نماز قضا و گاهی اوقات نماز مستحبّی بخوانید.

ص: ۱۴۲

اگر می‌دانید نماز قضا ندارید امّاممکن است در گذشته‌های دور بعضی از نمازهایتان را به‌صورت ناقص به‌جا آورده باشید، می‌توانید احتیاطاً آن نمازها را قضا نمایید.

ص: ۱۴۳

نمازهای مستحبّ

اشاره

لطفاً درباره نماز حاجت و سایر نمازهای مستحبّی توضیح دهید.

در منابع روایی، نمازهای مستحبّی به صورت‌های مختلفی نقل شده است که بعضی از نمازهای مستحبّی را توضیح می‌دهیم:

نماز برای وسعت رزق

امام محمّد باقر(ع) می‌فرمایند: روزی مردی خدمت رسول خدا(ص) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! من

ص: ۱۴۴

عیال‌وار و بدهکارم و روزگار سختی را می‌گذرانم، به من دعایی یاد بدهید که به واسطه خواندن آن، قرضم ادا و موجب گشایش در زندگی و راحتی زن و بچّه‌ام شود.

حضرت فرمودند: ای بنده خدا! وضوی کاملی بگیر، آن‌گاه دورکعت نماز با خضوع و خشوع به‌جا بیاور سپس بگو: یَا مَاجِدُ یَا وَاحِدُ یَا کَرِیمُ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ شَیءٍ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَسْأَلُکَ نَفْحَةً مِنْ نَفَحَاتِکَ وَ فَتْحاً یَسِیراً وَ رِزْقاً وَاسِعاً أَلُمُّ بِهِ شَعْثِی وَ أَقْضِی بِهِ دَیْنِی وَ أَسْتَعِینُ بِهِ عَلَی عِیَالِی(ای صاحب مجد و عظمت! ای یکتا! ای بخشنده! به وسیلهٔ محمّد، پیامبر رحمت به‌سوی تو روی می‌آورم. ای محمّد ای رسول خدا من به وسیله تو به‌سوی پروردگار تو و پروردگار همه چیز روی می‌آورم. بر محمّد و اهل بیتش درود فرست و نسیمی از رحمتت و گشایشی آسان و رزقی واسع، بر من فرو فرست تا بدان گرفتاری‌هایم را درمان، قرضم را ادا و اهل و عیالم را یاری رسانم). (۱)

نماز برآمدن حاجت

حضرت صادق(ع) فرمود: هنگامی که حاجتی داری،

۱- علّامه طهرانی، انوار الملکوت، نور ملکوت نماز، ص ۱۲۸.

ص: ۱۴۵

دو رکعت نماز به‌جای آور و بر محمّد و آل محمّد درود فرست، آن‌گاه حاجتت را از خداوند مسألت نما.

نماز شکر

هر نعمتی که به انسان می‌رسد، به ظاهر کوچک یا بزرگ، با اهمّیّت یا بی‌اهمّیّت، مادّی یا غیرمادّی، هر قسمی که باشد، مستحبّ است که دو رکعت نماز گذارد و بدین طریق مراتب قدردانی و سپاس خویش را از ذات اقدس ربوبی به‌جا آورد.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: هنگامی که خداوند به تو نعمتی عطا می‌نماید؛ دو رکعت نماز بگزار؛ بدین صورت که در رکعت اوّل بعد از حمد، قل هو الله احد بخوان و در رکوع و سجود آن بگو: الحَمدُلله شُکراً شُکراً و

ص: ۱۴۶

حَمداً و در رکعت دوّم بعد از حمد، قل یا ایّها الکافرون بخوان و در رکوع و سجود آن بگو: الحَمدُ لله الّذی استَجابَ دُعائی وأعطانی مَسئَلتی. (۱)

نماز سفر

نماز سفر به این صورت است که دو رکعت نماز می‌خوانی و بعد از سلام نماز می گویی:(اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ دِینِی وَ دُنْیَای وَ آخِرَتِی وَ أَمَانَتِی وَ خَوَاتِیمَ عَمَلِی) خدایا! خودم، خانواده‌ام، اموالم، و دین و دنیا و آخرتم را، و امانتم را و سرانجام امورم را، به تو می‌سپارم.

حضرت محمّد مصطفی(ص) فرمودند: هیچ بنده‌ای این نماز را، جانشین خود بر خانواده‌اش قرار نداد مگر این که خداوند حافظ و مهربان، خواسته‌اش را در حفظ و حمایت وی و خانواده و متعلّقاتش، برآورده نمود. (۲) اگر در ابتدای مسافرتتان این نماز را نخوانده‌اید، هم‌اینک هم بخوانید برای حفظ و حراست از خود و خانواده‌تان در بقیّه سفر، مفید خواهد بود ان‌شاءالله.

نماز پدر و مادر

دو رکعت است؛ در رکعت اوّل بعد از حمد، ده

۱- علّامه طهرانی، انوار الملکوت، نور ملکوت نماز، ص ۱۲۹.

۲- علّامه طهرانی، انوار الملکوت، نور ملکوت نماز، ص ۱۳۰.

ص: ۱۴۷

مرتبه می گویی: رَبَّنا إغفِر لی و لِوالَدَی و لِلمُؤمِنینَ یَومَ یَقومُ الحِسابُ و در رکعت دوّم بعد از حمد، ده مرتبه می گویی: رَبِّ اغفِر لی و لِوالِدَی و لِمَن دَخَلَ بَیتی مُؤمِناً و لِلمُؤمِنینَ و المُؤمِنات و چون سلام دادی ده مرتبه بگو: رَبِّ ارحَمهُما کَما رَبَّیانی صَغیراً. (۱)

در ضمن هر عمل و عبادتی انجام می‌دهید، می‌توانید پدر و مادرتان را هم در ثواب آن شریک نموده و حتّی همه ثواب آن‌را هدیه به آنان نمایید که البتّه

۱- مستدرک الوسائل، ج ۶، ح ۶۹۶۵/ ۶.

ص: ۱۴۸

خداوند به پاس این‌همه قدرشناسی از والدین، اجر و پاداش شما را چندین برابر خواهد داد.

در طواف آیا لازم است دعای مخصوصی خوانده شود، اگر هیچ دعایی هنگام طواف نخوانیم، اشکال دارد؟

اوّلا، خواندن دعا هنگام طواف مستحب است.

ثانیاً، اگر خواستیم مشغول خواندن دعا شویم هر دعایی بخوانیم خوب است؛ عربی یا فارسی یا به هر زبان دیگر «هر چند به زبان عربی بهتر است»، مهمّ ارتباط دل با صاحب‌خانه است که در این نوع ارتباط، هیچ زبان و کلامی شرط نیست! حتّی اگر تا آخر طواف، صلوات بر محمّد و آل‌محمّد: بفرستید، ثواب زیادی برده‌اید.

امام صادق(ع) در جواب ابن نعیم که گفت: مشغول طواف شدم و آن را به پایان رساندم در حالی‌که به غیر از صلوات بر محمّد و آل محمّد چیزی بر زبانم جاری نشد، فرمودند:(به هیچ سؤال‌کننده‌ای برتر و بالاتر از آن‌چه که به تو عطا شده است، عطا نشده است.) (۱) اولیای خدا که به سرچشمه معارف الهی راه یافته‌اند، چون نیازهای انسان را می‌دانند، به همگان می‌آموزند که چه چیزهایی را از خدا بخواهند. بنابراین،

۱- شیخ‌حرعاملی، وسائل‌الشّیعهٔ، ج ۹، باب استحباب الصلاهٔ علی محّمد و آله فی اثناء الطواف و السعی، ابواب الطواف، ح ۱، ص ۴۱۷.

ص: ۱۴۹

با خواندن دعاهای مأثوره و وارده از طرف معصومین::

الف: با معارف بلند دینی آشنا می‌شویم.

ب: زبان گفت‌وگو با خدا را فرا می‌گیریم.

ج: به خودشناسی و خودیابی نایل می‌شویم و در نتیجه دردها و درمان آن‌ها را از خداوند مهربان طلب می‌کنیم.

آری از آن‌جا که کعبه موازی «بیت‌المعمور» است و بیت‌المعمور در برابر عرش الهی است، سزاوار است کعبه را به گونه‌ای شایسته طواف نمود.

بنابراین با تهیّه دعاهای طواف و سعی، در ارتقای کیفیّت طواف و سعی مان و در نهایت استفاده بهتر و

ص: ۱۵۰

بیشتر از سفره کرم و رحمت خداوند بخشنده و بخشاینده بکوشیم.

سعی و کوشش کنید چند چیز را دقیقاً به‌خاطر بسپارید و دیگران را نیز به آن‌ها تشویق نمایید:

دعاهای طواف را با صدای آهسته و با سوز و گداز بخوانید.

روحانی کاروان دعاها را طوری می‌خواند تا شما بشنوید امّا لازم نیست شما صدایتان را بلند کنید و با داد و فریاد جملات دعا را تکرار نمایید و احیاناً ایجاد مزاحمت برای سایرین نمایید! خواندن دعا مستحبّ است امّا مزاحمت و ناراحتی برای دیگران حرام است!

خانم‌های محترم توجّه نمایند که در خواندن دعاها طوری صدای خود را بلند نکنند که نامحرمان بشنوند. خواندن دعا مستحبّ است، امّا بلندخواندن دعا نه تنها استحبابی ندارد بلکه از باب مزاحمت برای دیگران و حضور نامحرم، اشکال دارد!

خدای شنونده در عین این‌که در قرآن مجید می‌فرماید:(وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً) (۱) «و خدای خود را با بیم و امید بخوانید»، می‌فرماید:(ادْعُوا رَبَّكُمْ

۱- اعراف، آیه ۵۶.

ص: ۱۵۱

تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) (۱) «پروردگار خود را از روی تضـرّع و پنهانی بخوانید که او متجاوزان را دوست نمی‌دارد» و نیز می‌فرمایـد:(وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ وَ لا تَكُنْ مِنَ الْغافِلِينَ) (۲) پروردگارت را در دل خود، از روی تضرّع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش».

رعایت احکام محرم و نامحرم در مسجدالحرام و

۱- همان، آیه ۵۵.

۲- همان، آیه ۲۰۵.

ص: ۱۵۲

هنگام طواف، لازم است. هم‌چنین به هنگام رسیدن به موازات حَجَرالأسود مستحبّ است استلام حَجَر کند و اگر استلام ممکن نشد اشاره کردن کافی است، یعنی دست را به طرف حَجَرالاسود گرفتن و تکبیر گفتن و به سر و صورت کشیدن. بانوان محترم باید مواظب باشند که آستین لباس‌شان کنار نرود و موجب برهنه شدن و نمایان شدن دست و زیورآلات و مشاهده آن توسط نامحرم نگردد.

معجزه‌ای از امام حسین (ع)

بی‌مناسبت نیست داستان آموزنده و جالبی را در این‌زمینه که امام صادق(ع) حکایت کرده‌اند بازگو نماییم، و آن این‌که، زنی در مسجدالحرام در حال طواف بود که ناگاه پوشش دستش کنار رفت. در آن‌حال، مرد نامحرمی که از پشت سر او در حال حرکت بود، پرده‌دری نمود و دستش را بر روی دست آن زن طواف کننده قرار داد. ناگهان به اعجاز الهی دستش به ساعد آن زن چسبید و باعث رسوایی و آبروریزی گردید. به همین سبب طواف آن‌ها ناتمام ماند و آن‌ها به‌سوی حاکم برده شدند.
عده زیادی برای کسب اطّلاع بیشتر از این جریان عجیب در مقابل دارالحکومه گرد آمده و با کنجکاوی تمام در انتظار صدور مجازاتی که دامن‌گیر آن مرد

ص: ۱۵۳

خطاکار خواهد شد، لحظه‌شماری می‌کردند.

حاکم مکّه، فقها و دانشمندان حاضر در مکّه را برای تعیین و صدور حکم مسأله فراخواند. نفس‌ها در سینه حبس شده بود! کسی نمی‌دانست عاقبت چه خواهد شد.

فقها همگی، حکم به قطع دست آن مرد خائن دادند. زیرا عقیده آنان این بود که، در حرم امن الهی، جایی‌که باید از هر حیث امنیّت کامل برقرار باشد و احدی دست تعدّی به مال، جان و ناموس دیگران دراز ننماید، مرتکب چنین عمل ناپسند و شرم‌آوری شده است!

ص: ۱۵۴

حاکم مکّه کمی در فکر فرو رفت و آن‌گاه گفت: ظاهراً در این ایّام یکی از اهل بیت محمّد(ص) در مکّه به سر می‌برد!

در پاسخ گفتند: آری اتّفاقاً حسین‌بن‌علی(ع) شب گذشته وارد مکّه شده است.

امیر مکّه فوراً کسی را به منظور دعوت از حضرت امام حسین(ع) نزد ایشان فرستاد.

بعد از حضور امام(ع) در آن مجلس، حاکم مکّه عرض کرد: ببینید چه بر سر این دو مفلوک آمده! نظرتان در این‌باره چیست و با آن‌ها چه باید کرد؟

ابا عبدالله الحسین(ع) در حالی‌که همگان بی‌صبرانه منتظر سرانجام کار بودند و چشمان نگران و ملتمس آن زن و مرد هم به نگاه‌های رئوفانه حضرت دوخته شده بود، روی به جانب قبله نموده، دستان مبارکشان را به سوی آسمان بلند کردند و به دعا مشغول شدند. سپس به طرف آن دو رفته و با دستان مسیحایی خویش دست آن مرد را از دست آن زن جدا نمودند.

امیر مکّه که متعجّبانه نظاره‌گر ماجرا بود از امام(ع) پرسید: آیا لازم نیست آن مرد را به‌خاطر گستاخی و گناهش در حرم امن الهی مجازات نماییم؟!

حضرت حسین‌بن‌علی(ع)- به‌خاطر اظهار ندامت و توبه آن مرد خطاکار- فرمودند: نه، لازم نیست او را

ص: ۱۵۵

مجازات نمایید. (۱) داستانی دیگر

عمر به‌حجّ رفته‌بود، مردی‌به‌نزد او آمد که‌به‌چشم‌او سیلی‌خورده‌بود. عمر گفت: چه‌کسی‌به‌تو سیلی‌زده‌است؟ گفت: علیّ‌بن‌أبی‌طالب، عمر گفت: لَقَد وَقَعَت‌عَلیکَ‌عَینُ‌الله! «هر آینه‌چشم‌خدا بر تو افتاده‌است» و دیگر از او نپرسید که‌چه واقعه‌ای‌پیش آمده که علی(ع) او را سیلی‌زده‌است! تا این‌که علی(ع) از راه رسید در حالی که آن‌مرد نزد عمر بود. علی(ع) فرمود:

۱- شیخ‌حرّعاملی، وسائل الشّیعهٔ، ج ۹، ابواب مقدمات الطواف، باب ۱۴، ح ۶، ص ۳۳۸.

ص: ۱۵۶

این‌مرد در حال طواف بود؛ من‌مشاهده کردم که‌در حال طواف مشغول چشم‌چرانی است و به‌زن‌ها نگاه می‌کند. عمر به‌علی(ع) عرض کرد: تو با نور خدا نگاه‌میکنی! (۱)

۱- أبوجعفر احمد محبّ الدّین طبری، الرّیاض النَّضرة فی مناقب العشرة، ج ۳، ص ۲۱.

ص: ۱۵۷

کعبه

اشاره

لطفاً از تاریخ پیدایش کعبه، از ارکان و اجزاء و از اعمال وآداب آن خانه با عظمت و پرخاطره بگویید تا استفاده کنیم.

خـدای مهربان در کتابش می‌فرمایـد:(در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای عبادت مردم، قرار داده شـد، همان است که در سـرزمین مکّه است که پر برکت و

ص: ۱۵۸

مایه هدایت جهانیان است.) (۱) هر کس که به دیـدار کعبه می‌آیـد، به یاد بنده خوب خدا- ابراهیم- می‌افتد. پیش از آمدن ابراهیم این‌جا خانه‌ای نبود، مکّه سرزمینی خشکك و بی‌حاصل در میان کوه‌ها بود. هیچکس در این اطراف زندگی نمی‌کرد.

خداونـد حکیم به ابراهیم فرمان داد تا همسـر و فرزند شـیرخواره‌اش را برای زندگی به مکّه بیاورد. آن‌ها راهی طولانی را پشت سـر گذاشـتند امّا وقتی به مکّه رسـیدند نه کسی را دیدند و نه جایی را برای سکونت یافتند. با این حال ابراهیم می‌دانست که فرمان خدا بیهوده نیست، پس عزیزانش را در مکّه گذاشت و به شام بازگشت. در موقع بازگشت دست به دعا برداشت و عرض کرد:

(پروردگـارا! من یکی از فرزنـدانم را در درّه‌ای غیر قابـل کشـاورزی، نزد خـانه محترم تو، سـکونت دادم. پروردگارا! تا نماز را به پا دارنـد، پس دل‌هـای برخی از مردم را به‌سـوی آنـان گرایش ده و آنـان را از محصولاـت مـورد نیازشـان روزی ده، باشـد که سپاس‌گزاری کننـد.) (۲) مـدتی پس از بـازگشت ابراهیـم آب و آذوقه همسـر و فرزنـدش به پایـان رسـید و گرسـنگی و تشـنگی و گرمـای هوا، فرزنـد شـیرخواره او- اسـماعیل- را بی‌تاب نمود. مادرش- هاجر- هر چه به اطراف نگاه کرد، نتوانست برای کودکش آبی پیـدا کنـد. به ناچار او را تنها گـذاشت و به‌سوی کوهسـتان به راه افتاد. هاجر به‌خاطر شـدّت گرما، سـراب را آب می‌دیدید، به طرف آن می‌رفت امّا آبی نمی‌یافت فاصله دو کوه صفا و مروه را بارها طی کرد امّا بی‌فایده بود، حتّی قطره‌ای آب در کار نبود! سرانجام، وقتی‌که خسته و ناامید نزد اسماعیل برگشت، با تعجّب دید که در پایین پای فرزندش، چشمه آب گوارایی جوشیده است. پیدایش چشمه زمزم توجه برخی از صحرانشینان را به سوی خود جلب کرد. آن‌ها اطراف چشمه را برای

۱- آل‌عمران، ۹۶.

۲- ابراهیم، ۳۷.

ص: ۱۵۹

زندگی انتخاب کردند و در اطراف آن خانه ساختند. هاجر و اسماعیل نیز در کنار آن‌ها زندگی جدیدی را شروع نمودند.

مدّتی بعد، ابراهیم به مکّه آمد تا با همسر و فرزندش دیدار کند. او از دیدن آن‌ها در کنار آب و آبادی خوشحال شد و از خداوند مهربان که امید و آرزویش را برآورده نموده است سپاسگزاری کرد.

خداوند به پیامبرش ابراهیم فرمان داد تا سنگ بر سنگ بگذارد و دیوارهای کعبه را بالا ببرد. محلّ خانه خدا در کنار زمزم بود؛ همان جای خالی که مردم خانه‌هایشان را در اطرافش ساخته بودند.

ابراهیم و فرزند نوجوانش اسماعیل دیوارهای خانه را بالا بردند، امّا هنوز نمی‌دانستند که این خانه چیست و برای کیست!

سرانجام وقت آن رسید که همه از این راز باخبر شوند. پس به ابراهیم(ع) وحی شد:

(و در میان مردم برای ادای حجّ بانگ برآور؛ تا زائران پیاده و سواره بر هر شتر لاغری- که از هر راه دوری می‌آیند- به‌سوی تو روی آورند، تا شاهد منافع خویش(در این برنامهٔ حیات‌بخش) باشند.) (۱) ابراهیم به مردم یاد داد که هر ساله، در روزهای معیّن، همه باهم، در مکّه گرد آیند و برای عبادت پروردگار، مراسمی را به‌جا آورند؛ مراسمی به نام «حج».)

۱- حج، آیات ۲۷ و ۲۸.

ص: ۱۶۰

پس عمر خانه کعبه و طواف بر گرد آن و انجام فریضه حجّ و عمره به زمان حضرت ابراهیم(ع) برمی گردد؟

خیر؛ به زمان حضرت آدم(ع) و حتّی قبل از آمدن آدم بر روی زمین برمی گردد! (۱) باز در رابطه با کعبه بشنویم:

(... سال‌ها پس از آن، مردم ابراهیم و اسـماعیل را از یاد بردند، امّا کعبه هنوز در یاد همه زنده بود. هر سال، وقت حج، تعداد زیادی از مردم برای دیدار با

۱- دلائلی وجود دارد که کعبه معظّمه، قبل از ابراهیم(ع) نیز موجود بوده است، از جمله:

ص: ۱۶۱

کعبه به مکّه می‌آمدند، چند روزی به عبادت می‌پرداختند و دوباره به دیارشان بازمی‌گشتند.

هر چه می‌گذشت، آنچه پیامبران خدا به مردم آموخته بودند بیشتر فراموش می‌شد. مردم خدای یگانه را اندک‌اندک رها نموده و به پرستیدن بت‌ها روی آوردند. هر گروهی از آنان برای خود بتی از چوب و سنگ ساخته و به پرستش آن‌ها پرداختند. خانه‌ای که خدای مهربان، آن‌را برای عبادت خود بنا کرده بود پر از مجسّمه‌ها و تصویرهایی شد که هیچ قدرتی نداشتند. آن‌ها آفریده مردم بودند، امّا مردم آن‌ها را با آفریدگار خود اشتباه گرفته بودند. آن‌ها خدای ابراهیم

ص: ۱۶۲

و حجّ ابراهیمی را از یاد برده بودند.

به‌یاد دعای ابراهیم و اسماعیل که گفته‌بودند:

«پروردگارا، ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده؛ و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود [پدید آر و آداب دینی ما را به ما نشان ده؛ و بر ما ببخشای، که تویی توبه‌پذیر مهربان. پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود، شکست‌ناپذیر حکیمی.» (۱) خداوند چگونه می‌خواست فرزندان بت‌پرست آن دو پیامبر را فرمان بردار خود کند. سال‌ها بعد در کنار کعبه دستی احساس و لمس شد که با دیگر دست‌ها تفاوت داشت؛ دستی مهربان و صمیمی که انسان را به یاد دست ابراهیم می‌انداخت! آن دست، دست نازنین محمّد بود.

خاطرات روزهای کودکی محمّد هرگز از یاد رفتنی نیست. صدایش چنان زیبا بود که از میان صدای هزاران نفر، قابل شناسایی بود. شنیدن مناجات او لذّت‌بخش بود. زمانی که به غار حرا می‌رفت، به عبادت خداوند مشغول بود، خدایی که بیشتر مردم

۱- بقره، آیات ۱۲۸ و ۱۲۹.

ص: ۱۶۳

مکّه با او غریبه شده بودند.

به محمّد، دل بسته و به آینده، امیدوار، که او نیز بتواند مانند پدرانش- ابراهیم و اسماعیل- به مردم حیات و زندگی ببخشد.

ولادت خورشید کعبه

روزی، دست زنی، دیوار کعبه را لمس کرد. دردی داشت و از پروردگار کعبه کمک می‌خواست. ناله می‌کرد:(پروردگارا! من به تو و آنچه فرستاده تو است، ایمان دارم و نیز به تمام پیامبران تو و کتاب‌هایشان، و سخن جدّ خود- ابراهیم خلیل- را، راست می‌دانم که او بالابرنده دیوارهای این خانه قدیمی توست. به حقّ این خانه و به حقّ آن‌که بنایش کرد و نیز به حقّ این

ص: ۱۶۴

فرزندی که در رَحِم دارم، از تو می‌خواهم که ولادتش را بر من آسان کنی.)

از نیایش او لحظه‌ای نگذشت که ناگهان از جانب پروردگار، به کعبه فرمان رسید که او را در میان بگیرد و در خود جای دهد. پس کعبه از لابه‌لای میان سنگ‌ها راهی برای عبور او باز کرد و در آغوشش گرفت. آن زن وارد کعبه شد و مهمان خانه خدا گردید.

کسانی که از نزدیک شاهد ماجرا بودند، فریاد زدند: دیوار کعبه شکاف برداشت و فاطمه را در خود فرو برد!

زنی که میزبانش کعبه شده بود، عروس عبدالمطّلب بود. او را تمام مردم مکّه می‌شناختند. این بود که هر کس از هر جا که خبر را شنید به سوی کعبه دوید. برخی تلاش کردند تا از شکاف سنگ‌ها بگذرند و برای نجات او کاری کنند، امّا دیگر شکافی باقی نمانده بود. سنگ‌ها به‌جای خود بازگشته بودند و از کسی کاری ساخته نبود. حتّی قفل در کعبه نیز از کار افتاده و باز نمی‌شد!

فاطمه تنها مانده بود و در انتظار حادثه‌ای بزرگ، لحظه‌شماری می‌کرد.

آن‌چه در انتظارش بود، سرانجام به وقوع پیوست

ص: ۱۶۵

و نیمه‌شب، نوری زیباتر از نور خورشید در فضا تابید و عطری خوشبوتر از بوی گل‌ها در فضا پیچید. بال فرشتگانی که در مکّه به پرواز درآمده بودند بر کعبه سایه انداخت و لحظه‌ای بعد، فرزند فاطمه به دنیا آمد.

سه روز از ورود فاطمه گذشت. روز چهارم، ناگهان ندایی آسمانی به گوش رسید که به فاطمه می‌گفت: او را «علی» بنام که من، او را با قدرت و شکوه و جلال خویش آفریده‌ام و به آداب خود ادبش کرده‌ام و کار خود را به او واگذاشته‌ام او در خانه من به‌دنیا آمده

ص: ۱۶۶

است و نخستین کسی است که بت‌ها را خواهد شکست و آن‌ها را سرنگون خواهد کرد. او بعد از پیامبر گرامی و برگزیده من، جانشین او و پیشوا خواهد بود. پس خوشا به‌حال آن‌که وی را دوست بدارد و یاریش کند و وای بر آن‌که دشمنش بدارد و او را واگذارد!

روزهای تلخ با شیرینی امیدی که در دل‌ها تابیده بود سپری شد تا این‌که یک روز از سمت کوه صفا صدایی به گوش رسید. صدای مردی آشنا که فریاد می‌زد:

(خدا را به یگانگی بپذیرید تا رستگار شوید!)

از این به بعد، سرفصل نوینی آغاز شد و تحولات و حوادث بی‌شماری پیرامون کعبه به وقوع پیوست.

از نماز پیامبر و خدیجه و علی گرفته تا مناجات جانسوز امامان معصوم، از مظلومیت و درد و رنج حضرت محمّد(ص) گرفته تا غربت و تنهایی امام حسین(ع)، روزی که از ترس شکسته‌شدن حرمت حرم، به‌جای حرکت به طرف عرفات به‌سوی کربلا عازم شد، از فتح مکّه و بت‌شکنی علی(ع) و پیراسته شدن مسجد و خانه از پیکره‌های زشت سنگی و چوبی که سال‌ها وجودشان بر کعبه تحمیل شده بود تا سنگ باران و تخریب آن با دستان پلید یزید و حجّاج ...

ص: ۱۶۷

و امّا هم‌اینک منتظر کسی باید بود که قیام کند و دوباره دین پیامبر و اسلام ناب محمدی را به مردم بشناساند. او به کعبه تکیه خواهد زد و فریاد خواهد نمود(ای جهانیان! منم بازمانده خدا!) او آخرین ذخیره خداوند است که پرده‌ها را از برابر حقیقت کنار خواهد زد و جهان را پر از قسط و عدل خواهد نمود.

در انتظار شنیدن ندا و دعوت اویند، همان کس که هرسال در ایّام حجّ به دیدار کعبه می‌آید.

کعبه و ارکان و اجزای آن

ص: ۱۶۸

مطالب خوبی از کعبه شنیدیم، حال از خصوصیات و شکل ظاهری کعبه برایمان بگویید؛ آیا از اولین روز پیدایش کعبه، این خانه مقدّس به همین اندازه بوده است؟

این خانه کهن در بازسازی‌های مکرّری که صورت پذیرفته دست‌خوش تغییر و تحوّل شده است. مثلًا در زمان حضرت ابراهیم و اسماعیل(ع)، ارتفاع آن حدود ۴ متر، طول دیوار شرقی ۲۴ متر، دیوار غربی ۲۳ متر، دیوار شمالی ۱۶ متر و دیوار جنوبی ۱۵ متر و بدون سقف بوده است.

پنج سال قبل از ظهور اسلام، سیل عظیمی از بالای مکّه به سمت مسجدالحرام جاری شد و ساختمان کعبه را به‌طور کامل ویران کرد. در پی آن، قریش تصمیم به بازسازی کعبه گرفتند. در این بازسازی بود که دری که روبروی درِ فعلی، در کنار رکن یمانی قرار داشت را برداشته و ارتفاع کعبه به ۸/۶۴ متر رسید. سقفی نیز برای آن قرار داده شد که آب آن به وسیله ناودانی به حجر اسماعیل ریخته می‌شد.

در سال ۶۴ هجری، پس از درگیری بین عبدالله‌بن‌زبیر و سپاهیان شام، پرده کعبه آتش گرفت و پس از آن کعبه نیز ویران شد. ابن‌زبیر باقی مانده

ص: ۱۶۹

دیوار کعبه را از پایه و اساس برداشت و بار دیگر آن را بازسازی نمود. در این بازسازی- مانند آنچه پیش از بنای قریش بود- دو در برای کعبه گذاشت که هر دو در روی زمین قرار داشت، یک در برای ورود و یک در برای خروج. ابن‌زبیر قدری هم به ارتفاع کعبه افزود.

چند سال بعد، حجّاج‌بن‌یوسف ثقفی بر شهر مکّه تسلّط یافت و کعبه را به همان صورت قبل از بعثت که دارای یک در بود درآورد.

بعدها بازسازی کعبه در حدّ ترمیم و تعمیر ادامه یافت. در سال ۱۰۴۰ هجری به‌خاطر سیل عظیمی که

ص: ۱۷۰

باعث تخریب کعبه شد، توسط سلطان مراد چهارم، بازسازی کاملی صورت گرفت، امّا تغییراتی در بنای کعبه صورت نپذیرفت. و سرانجام آخرین بازسازی در سال ۱۴۱۷ هجری توسط دولت سعودی انجام و مسئولیت آن را مؤسّسهٔ بن لادن عهده‌دار شد. (۱) در حال حاضر ارتفاع کعبه حدود ۱۵ متر، طول دیواری که حِجر اسماعیل مقابل آن است و دیوار موازی آن حدود ۱۰ متر، طول دو ضلع دیگر حدود ۵/ ۱۱ متر و گوشه‌های کعبه که به ارکان کعبه معروف است، تقریباً به سمت جهات اربعه؛ شمال، جنوب، شرق و غرب قرار دارد. حَجَرالأسود در ارتفاع ۵/ ۱ متر از زمین قرار گرفته و درِ کعبه نیز حدود ۲ متری زمین قرار دارد. محلّ کعبه تقریبا در وسط مسجدالحرام، متمایل به ضلع جنوب شرقی مسجد قرار دارد.

ارکان کعبه به ترتیب، از حَجَرالأسود از این قرار است؛ رکن حَجَرالأسود، رکن عراقی، رکن شامی و رکن یمانی.

درمیان این چهار رکن، دو رکن حَجَر و یمانی از

۱- برای مطالعه جزئیات این بازسازی ر. ک به مجلّه میقات، ش ۳۶، مقاله آخرین توسعه و مرمّت کعبه از عُبیدالله محمّد امین کردی، ص ۱۲۸- ۱۴۴.

ص: ۱۷۱

فضیلت بیشتری برخوردار بوده چنان که روایات زیادی از شیعه و سنّی درباره فضیلت و اهمّیت این دو رکن نقل شده است:

۱. امام باقر(ع) می‌فرماید:(إنّ رسول الله لا یستلم إلا الرکن الأسود و الیمانی ثم یقبلهما و یضع خده علیهما و رأیت أبی یفعله) (۱) رسول‌خدا(ص)، جز دو رکن اسود و یمانی را نمی بوسید و صورت خود را بر آن‌ها می گذاشت.

۲. أبومریم نقل می‌کند که من همراه امام باقر(ع) طواف می‌کردم. حضرت، در هر دوری از دورهای

.۳

۱- کافی، جلد ۴، ص ۴۰۸، ح ۸ ..

ص: ۱۷۲

طوافش، به رکن یمانی که می‌رسید، آن را می‌بوسید و می‌فرمود:(اللّهم تُب عَلَی حتّی أتوب واعصِمنی حتّی لاأعود) (۱)

خدایا! بر من روی آور، تا توبه کنم، و مرا حفظ کن تا به طرف معصیت برنگردم.

۴. امام صادق(ع) فرمود:(الرُّکنُ الیَّمانی بابُنا الَّذی نَدخُل مِنهُ الجَنَّةَ) (۲)

رکن یمانی درِ متعلق به ماست که ما از آن در، وارد بهشت می‌شویم.

۵. و آن حضرت(ع) فرمود:(الرُّکنُ الیَّمانی عَلی بابٍ مِن أبوابِ الجَنَّةِ مَفتوحٌ لِشیعَةِ آلِ مُحَمّدٍ، مَسدُودٌ عَن غَیرِهِم) (۳)

رکن یمانی بر دری از درهای بهشت است که تنها بر روی پیروان اهل بیت نبوّت و امامت گشوده است.

۶. به رسول خدا(ص) عرض شد که ما شما را می‌بینیم که رکن یمانی را زیاد استلام می‌نمایید! حضرت فرمودند:(من هیچ‌گاه کنار رکن یمانی نیامدم مگر این‌که جبرئیل نزد آن ایستاده بود و برای کسی که استلامش می‌نمود طلب مغفرت می‌کرد. (۴)

۱- همان، ص ۴۰۹، ح ۱۴.

۲- مَن لا یحضره الفقیه، جلد ۲، ص ۲۰۸، ح ۲۱۰۸.

۳- شیخ‌حرعاملی، وسائل‌الشیعهٔ، ج ۹، أبواب‌الطواف، باب ۲۳، ح ۶، ص ۴۲۲.

۴- محمدی ری‌شهری، الحج و العمرهٔ فی الکتاب و السنهٔ، ص ۱۱۲، ح ۲۲۶.

ص: ۱۷۳

۸. امـام صـادق(ع) فرمود: خداونـد عزّوجلّ، فرشـته‌ای را موکّل بر رکن یمانی نموده است که دعاهای شـما را آمین بگویـد. (۱) ۹. پیامبر اعظم(ص): حَجَرالأسود دست خـدا بر روی زمین است، که به‌وسـیله آن با بنـدگانش دست می‌دهد. (۲) از حَجَرالأسود کمی صحبت کنید و توضیح دهید که از کجا آمده و چرا رنگش سیاه است؟!

حَجَرالأسود یا سنگ سیاه، در رکن

۱- همان، ح ۲۳۶.

۲- شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب الطواف، باب ۲۲، ح ۸

ص: ۱۷۴

حجرالاسود کعبه در ارتفاع ۱/ ۵ متری قرار گرفته است. این سنگ مقدّس، پیش از اسلام و پس از آن، همواره مورد توجه کامل بوده و در حقیقت در شمار عناصر اصلی کعبه بوده است. به مرور زمان و در اثر تحوّلات و تغییرات، از حجم نخستین آن کاسته شده و حتّی به چند قسمت تقسیم گردیده است که آخرین بار قسمت‌های مختلف آن را به یک‌دیگر متّصل نموده و آن‌را در محفظه‌ای نقره‌ای قرار دادند و در حال حاضر تنها به آن اندازه که برای بوسیدن و استلام لازم است جای گذاشته‌اند.

بر اساس برخی روایات، حَجَرالأسود، فرشته‌ای از فرشتگان اعظم الهی بوده، از بهشت آمده و در آغاز رنگ آن سفید بوده و به تدریج بر اثر استلام گنهکاران، سیاه شده و به حالت کنونی در آمده است و اگر نبود استلام آن توسط انسان‌های جاهل و گنهکار، هیچ مریض و بیماری آن را لمس نمی‌کرد مگر آن که شفا می‌یافت. (۱) حَجَرالأسود از آیات بیّنات الهی در کنار کعبه و دست راست خداوند در زمین است و استلام آن به منزله بیعت با خداست، همچون مسجد، که در قیامت

۱- شیخ‌حرعاملی، وسائل‌الشیعهٔ، ج ۹، أبواب الطواف، باب ۱۳، ص ۴۰۲.

ص: ۱۷۵

به سود عدّه‌ای شهادت می‌دهد.

حضرت امیرالمؤمنین علیّ‌بن‌ابی‌طالب(ع) در ردّ سخن کسی که هنگام استلام حَجَر می‌گفت: می‌دانم که تو سود و زیانی نداری امّا به سبب محبّت رسول اکرم به تو، ما هم دوستت می‌داریم، فرمودند:

به خدا قسم، خدا او را در روز قیامت بر می‌انگیزاند در حالی‌که زبان و لب دارد و به نفع کسی‌که وفای به عهدش نموده است، شهادت خواهد داد. (۱)

۱- همان، ح ۱۳، ص ۴۰۶.

ص: ۱۷۶

امام جعفر صادق(ع) می‌فرمایند: حَجَرالأسود، تکیه گاه حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشّریف به هنگام بیعت مردم با او در آغاز قیام جهانی و عدالت گستر آن حضرت است.

داستان هشام و فرزدق شاعر

داستان معروف فرزدق شاعر و شعر جاودانه‌اش درباره حضرت سیّد السّاجدین به هنگام استلام حَجَر چطور اتّفاق افتاده است؟

در اوج قدرت عبدالملك مروان، فرزند و ولیّ‌عهدش هشام، در موسم حجّ به مکّه آمد و مشغول طواف بود، خواست حَجَرالأسود را لمس کند لیکن جمعیّت انبوه طواف کنند گان، این اجازه را به او نداد، به ناچار منبری برای او گذاشتند، روی آن نشست و شامیان نیز گرد او نشستند، ناگهان مردی زیباروی و باوقار در حالی که ردایی بر تن داشت و آثار سجده بر پیشانیش آشکار بود، از در مسجدالحرام وارد و به طواف مشغول شد و چون به حَجَرالأسود رسید مردم برای او راه را باز نموده و وی به راحتی حَجَرالأسود را استلام کرد.

مرد شامی با تعجّب به هشام گفت: ای امیرمؤمنان! این شخص کیست؟

هشام برای آن که شامیان به آن حضرت گرایش پیدا نکنند گفت: او را نمی‌شناسم!

ص: ۱۷۷

فرزدق شاعر که حقوق‌بگیر دربار بود و آن‌جا حضور داشت، گفت: من او را می‌شناسم.

مرد شامی پرسید: ای أبافراس او کیست؟

این‌جا بود که فرزدق شاعر آن قصیده پرشور و حماسی‌اش را در حقّ حضرت زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین(ع)، سرود. این قصیده حدود چهل بیت است که قسمت اعظم آن از این قرار است:

۱. یَا سَائِلِی: أیْنَ حَلَّ الْجُودُ وَالْکَرَمُ عنْدِی‌بَیَانٌ إذَا طُلَّابُهُ قَدِمُوا

۲. هَذَا الَّذِی‌تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطْأتَهُ وَالْبَیْتُ یَعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ

ص: ۱۷۸

۳. هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللهِ كُلِّهِمُ هذا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ

۴. هَذَا الَّذِی أحْمَدُ الْمُخْتَارُ وَالِدُهُ صَلَّی عَلَيْهِ إلَهِی مَاجَرَی الْقَلَمُ

۵. لَوْ يَعْلَمُ الرُّكْنُ مَنْ قَدْ جاءَ يَلْثِمُهُ لَخَرَّ يَلْثِمُ مِنْهُ مَا وَطَی الْقَدَمُ

۶. هَذَا عَلِيٌّ رَسُولُ اللهِ وَالِدُهُ أمْسَتْ بِنُورِ هُدَاهُ تَهْتَدِی الامَمُ

۷. هَذَا الَذِی عَمُّهُ الطَّيَّارُ جَعْفَرٌ وَالْمَقْتُولُ حَمْزَةُ لَيْثٌ حُبُّهُ قَسَمُ

۸. هَذَا ابْنُ سَيِّدَةِ النِّسْوَانِ فَاطِمَةٍ وَابْنُ الْوَصِيِّ الَّذِی فِی سَيْفِهِ نِقَمُ

۹. إذَا رَأَتْهُ قُرَيْشٌ قَالَ قَائلُهَا إلَی مَكَارِمِ هَذَا يَنْتَهِی الْكَرَمُ

۱۰. يَكَادُ يُمْسِكُهُ عِرْفَانَ رَاحَتِهِ رُكْنُ الْحَطِيمِ إذَا مَا جَاءَ يَسْتَلِمُ

۱۱. يَنْجَابُ نُورُ الدُّجی عَنْ نُورِ غُرَّتِهِ كَالشَّمْسِ يَنْجَابُ عَنْ إشْرَاقِهَا الظُّلَمُ

۱۲. مَا قَالَ: لَا، قَطُّ إلَّا فِی تَشَهُّدِهِ لَوْلَا التَّشَهُّدُ كَانَتْ لَاؤُهُ نَعَمُ

ص: ۱۷۹

۱۳. مَنْ جَدُّهُ دَانَ فَضْلُ الانْبِيَاءِ لَهُ وَ فَضْلُ امَّتِهِ دَانَتْ لَهَا الامَمُ

۱۴. كِلْتَا يَدَيْهِ غِيَاثٌ عَمَّ نَفْعُهُمَا يُسْتَوْكَفَانِ وَ لَايَعْرُوهُمَا عَدَمُ

۱۵. سَهْلُ الْخَلِيقَةِ لَاتُخْشَىبَوَادِرُهُ يَزِينُهُ خَصْلَتَانِ: الْحِلْمُ وَالْكَرَمُ

۱۶. لَا يُخْلِفُ الْوَعْدَ مَيْمُوناً نَقِيبَتُهُ رَحْبُ الْفِنَاءِ أرِيبٌ حِينَ يُعْتَرَمُ

۱۷. مِنْ مَعْشَرٍ حُبُّهُمْ دِينٌ وَ بُغْضُهُمُ كُفْرٌ وَ قُرْبُهُمُ مَنْجًىوَ مُعْتَصَمٌ

۱۸. يُسْتَدْفَعُ السُّوءُ وَالْبَلْوَىبِحُبِّهِمُ وَ يُسْتَزَادُ بِهِ الإحْسَانُ وَالنِّعَمُ

ص: ۱۸۰

۱۹. مُقَدَّمٌ بَعْدَ ذِکْرِ اللهِ ذِکْرُهُمُ فِی کُلِّ فَرْضٍ وَ مَخْتُومٌ بِهِ الْکَلِمُ

۲۰. إنْ عُدَّ أهْلُ التُّقَی کَانُوا أئمَّتَهُم أوْقِیلَ: مَنْ خَیْرُأهْلِ الارْضِ قِیلَ: هُمُ

۲۱. مَنْ یَعْرِفِ اللهَ یَعْرِفْ أوَّلِیَّةَ ذَا فَالدِّینُ مِنْ بَیْتِ هَذَا نَالَهُ الامَمُ

۲۲. بُیُوتُهُمْ مِنْ قُرَیْشٍ یُسْتَضَاءُ بِهَا فِی النَّائبَاتِ وَعِنْدَالْحُکْمِ إنْحَکَمُوا

۲۳. فَجَدُّهُ مِن قُرَیشٍ فِی ارُومَتِها مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ بَعدَهُ عَلَمٌ

۲۴. بَدْرٌ لَهُ شَاهِدٌ وَالشِّعْبُ مِنْ احُدٍ وَالْخَنْدَقَانِ وَ یَوْمُ الْفَتْحِ قَدْ عَلِمُوا

۲۵. وَ خَیْبَرٌ وَ حُنَیْنٌ یَشْهَدَانِ لَهُ وَ فِی قُرَیْضَةَ یَوْمٌ صَیْلَمٌ قَتَمُ

۲۶. مَوَاطِنٌ قَدْ عَلَتْ فِی کُلِّ نَائِبَةٍ عَلَی الصَّحَابَةِ لَمْ أکْتُمْ کَمَا کَتَمُوا

ترجمه قصیده فرزدق

۱- «ای پرسش گر کنجکاوی که می‌پرسی جود و کرم کجاست! نزد من پاسخ آن است، اگر جویندگان

ص: ۱۸۱

حقیقت، طالب آنند.

۲- او شخصیّتی است که‌سرزمین بَطْحَاء(رَمْل‌زار اطراف‌مکّه‌تا سرزمین‌منا) جای‌قدم‌های‌او را می‌شناسد، و خانه خدا و حِلّ و حرم(خارج و داخل حرم‌مکّه) همگی‌او را می‌شناسند.

۳- این‌است‌فرزند بهترین‌بندگان‌خدا، این‌است‌مرد تقیّ و نقیّ و طاهر و رادمرد.

۴- این‌است آن‌کس که‌احمد برگزیده، پدر اوست. آن کس که‌خدای‌من، تا قلم‌بر لوح‌آفرینش‌جاری است، بر او درود فرستد.

ص: ۱۸۲

۵- اگر رکن‌حجرالاسود بداند چه کسی برای بوسیدنش آمده‌است، متواضعانه‌بر زمین‌می‌افتد و جای‌پای‌وی‌را بوسه‌می‌زند.

۶- این‌علی است، آن‌که‌رسول‌خدا پدر اوست‌که‌تمام مردم‌جهان به‌نور هدایت وی‌راه یافته‌اند.

۷- این است آن که‌جعفر طیّار و حمزه سیّدالشّهداء آن‌شیر بیشه‌پیکارو دوست قسم خورده، عموی اوست.

۸- این‌است‌پسر بزرگ بانوی‌جهان، فاطمه! و علی؛ وصیّ رسول‌خدا که آتش‌غضب انتقام خداوندی‌از برق‌شمشیر او می‌درخشید.

۹- چون قبیله قریش‌به‌او بنگرد، گوید که مجد و کرم به مکارم اخلاق او منتهی می‌گردد.

۱۰- با شناختی که رکن حطیم از او دارد، به محض استلامش توسط او، می‌خواهد که وی را نزد خود نگه دارد.

۱۱- نور جبین او چونان خورشید عالم‌افروز، پرده‌های‌تاریکی‌و ظلمت را می شکافد.

۱۲- او هیچ‌گاه‌کلمه نه(لا) بر زبان‌نیاورد مگردر تشهّدش که «لَا إلَهَ إلَّا الله» می‌گفت. و اگر هم‌أحیاناً تشهّدی‌در میان‌نبود «نِه» او، آری‌بود.

ص: ۱۸۳

۱۳- اوشخصیّتی است که جمیع پیغمبران در برابر برتری جدَّش، و همه امّت‌ها در برابر برتری‌امّتش، پست‌و پایین به‌شمار آمدند.

۱۴- دستانش چو باران، پیوسته همگان را سیراب می‌کند و هیچ‌گاه دچار کمی و کاستی نمی‌شود.

۱۵- خُلْقِو خویش، ملایم است که مردم‌از غضبش هراس ندارند، و دو خصلت‌حِلم‌و کرمش زینت بخش اخلاق‌نیکوی اوست.

۱۶- خُلْف‌وعده‌نمی‌کند. طبیعتش‌سرشته‌با خیر و برکت‌است. درِ خانه‌اش پیوسته برای پذیرائی واردین

ص: ۱۸۴

گشوده‌است. شخصیّتی است عاقل که در برابر مشکلات فرارو، با درایت و دوراندیشی چاره سازی می‌نماید.

۱۷- او از گروهی می‌باشد که‌محبّتِ بدان‌ها دین‌است و کینه به آن‌ها کفر، نزدیکی به‌آن‌ها مایه نجات و پناه‌از گزند و بلاها.

۱۸- نه تنها گرفتاری‌ها و فتنه‌ها به واسطه محبّتشان دفع می‌شود بلکه همین محبّت، زیادی نعمت‌ها را به دنبال دارد.

۱۹- نام‌ایشان‌بعد از نام‌خدا در هر نماز واجبی‌لازم است. در پایان هر سخنی، بردن‌نام‌ایشان‌ختم کلام است.

۲۰- وقتی اهل تقوی را بشمارند، آنان جلودارند، یا اگر گفته شود بهترین مردم کیانند! گفته شود: آنانند.

۲۱- هر کس‌خدا را بشناسد، اوّلیّت‌او را حتماً می‌شناسد، چرا که دین خدا از خانه او به مردم دنیا رسیده است.

۲۲- در مشکلات‌و مشاجرات، تنها و تنها خانه‌های‌ایشان‌در قریش‌است که محلّ مراجعه مردم‌است.

۲۳- زیرا که ریشه اصلی او از قریش که اصالت از محمّد گرفته است و پس از او علیّ بن ابی‌طالب

ص: ۱۸۵

سرشناس است.

۲۴- بدر و احد و خندق و فتح مکّه، همگی گواه بر حقّانیت اویند، و دوست و دشمن هم بر آن آگاهند.

۲۵- خیبر و حُنین و بنی‌قُرَیضه نیز در کنار آن قلعه‌های عظیم و وحشت‌زا، و لحظات ترس و دلهره، همگی گواه اویند.

۲۶- این‌ها همه، صحنه‌هایی بودند که صحابه در چاره تدبیر وامانده بودند. این واقعیّتی است که هر چند آنان آن‌را کتمان نمودند! ولی من آن‌را کتمان نمی‌کنم.»

هشام‌از شنیدن این قصیده خشمگین‌شد، و جایزه

ص: ۱۸۶

فرزدق را قطع‌نمود و گفت: أَلَا قُلْتَ فِينَا مِثْلَهَا؟! «تو چرا درباره‌ما مثل‌این‌قصیده، قصیده‌ای‌نسروده‌ای؟!»

فرزدق گفت: هَاتِ جَدّاً كَجَدِّهِ، وَ أباً كَأبِيهِ، وَ امّاً كَامِّهِ حَتَّى‌أقُولَ فِيكُمْ مِثْلَهَا!

«جدّی‌مانند جدِّ او بیاور، و پدری‌مانند پدرش، و مادری‌مانند مادرش، تا من‌درباره‌شما مثل‌آن‌را بسرایم!»

فرزدق را در عُسْفَان میان مکّه‌و مدینه محبوس نمودند. این خبر به‌حضرت امام علی‌بن الحسین(ع) رسید. حضرت برای وی‌دوازده هزار درهم فرستاد و گفت: أعْذِرْنَا يَا أبَافِرَاسٍ، فَلَوْ كَانَ عِنْدَنَا أكْثَرُ مِنْ هَذَا لَوَصَلْنَاكَ بِهِ!

«ای‌أبوفراس‌عذر ما را بپذیر! اگر در نزد ما بیشتر از این‌بود، حتماً آن‌را برای‌تو می‌فرستادیم!»

فرزدق آن‌را رد کرد و گفت: يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ! مَا قُلْتُ الَّذِى‌قُلْتُ إلَّا غَضَباً لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ! وَ مَا كُنْتُ لَارْزَأَ عَلَيْهِ شَيْئاً!

«ای‌پسر رسول‌خدا! آنچه‌را که‌من سروده‌ام علّتی نداشت‌مگر آنکه‌درباره‌خدا و رسول‌او خشمگین‌شدم، و من‌آن‌را به‌امید چشمداشت خیری‌و صِلِه‌ای‌نسروده‌ام!»

ص: ۱۸۷

حضرت آن‌را مجدّداً برای‌وی‌فرستادند و پیام‌دادند: بِحَقِّی‌عَلَیْکَ لَمَّا قَبِلْتَهَا فَقَدْ رَأَی‌اللهُ مَکَانَکَ وَ عَلِمَ نِیَّتَکَ! «به‌حقّ من‌بر تو، سوگندت‌می‌دهم که، آن‌را بپذیر! خداوند از منزلت‌تو خبر دارد و از نیّت تو مطّلع‌می‌باشد.»

فرزدق آن‌را قبول‌کرد و در زندان، شروع به هجو و خرده‌گیری از هشام نمود و از جمله‌هجویّات‌او این‌ابیات‌می‌باشد:

۱. أَیَحْبِسُنِی‌بَیْنَ الْمَدِینَةِ وَالَّتِی إِلَیْهَا قُلُوبُ النَّاسِ یَهْوِی‌مُنِیبُهَا

ص: ۱۸۸

۲. یُقَلِّبُ رَأساً لَمْ یَکُنْ رَأسَ سَیِّدٍ وَ عَیْناً لَهُ حَوْلَاءَ بَادٍ عُیُوبُهَا

۱- آیا او مرا زندانی‌می کند مابین مدینه‌و مکّه‌ای که‌به سوی آن‌دل‌های مردم‌به جهت‌انابه‌و رجوع‌به‌خدا میل‌می کند؟

۲- او سری تکان‌می‌دهد که‌سر بزرگ‌مرد و سالار نیست، و چشمان‌لوچی‌دارد که‌عیب‌هایش آشکارا و نمایان‌است.

چون‌خبر این‌ابیات هجویّه‌را به‌هشام‌دادنـد، مجبور به آزادی او شـد و بنا به نقلی او را به بصـره تبعید نمود. (۱) فرزدق در بیت دهم، اشاره به یک حادثه تاریخی نموده است:

به خاطر جنگ حَجّاج با ابن زبیر، خانه کعبه تخریب گردیـد، در بازسازی آن، هنگامی که خواسـتند حَجَرالأسود را نصب کننـد، هر یک از علما، قضات، زهّاد یا بزرگان دیگر برای نصب حجر اقدام می‌نمودند، حجر لرزیده و در جای خود اسـتقرار نمی‌یافت، تا آن که حضرت سجّاد(ع) آمده و نام خدا را بر زبان جاری نموده و آن را در جای خود گذاشتند، حَجَرالأسود در جایش

۱- علّامه طهرانی، امام شناسی، ج ۱۵، ص ۳۴۵، با تلخیص و اضافات.

ص: ۱۸۹

استقرار یافت و مردم تکبیر گفتند. و این گونه بود که فرزدق شاعر، این جریان را در قصیده خود گنجاندند: یکاد یمسکه عرفان راحته ...

در اهمیّت این سروده همین بس، که زنی از کوفه فرزدق را در خواب دید، از وی پرسید خدا با تو چه کرد؟

او در جواب گفت: خداوند برای قصیده‌ای که در مدح علی‌بن‌الحسین(ع) سرودم، مرا آمرزید. (۱) داستانی دیگر از حَجَرالاسود شنیده شده این سنگ با عظمت، در اثبات

۱- مجلّه میقات، شماره ۷، ص ۳۲.

ص: ۱۹۰

حقّانیّت امام سجّاد(ع) لب به سخن گشوده است!؟

بله همین طور است؛ امام باقر(ع) می‌فرمایند: چون حضرت سیدالشهدا(ع) شهید شدند محمّد بن‌حنفیه که فرزند امیرالمؤمنین(ع) بود با حضرت سجّاد زین‌العابدین علیّ‌بن‌الحسین(ع) در مجلسی در مکّه خلوت کرد و گفت: ای برادرزاده! می‌دانی که رسول خدا(ص) بعـد از خود، امیرالمؤمنین(ع) را از طرف خداوند به جانشـینی خود منصوب نمود و امیرالمؤمنین(ع) بعد از خودش از طرف خداوند امـام حسن(ع) و امام حسن(ع) هم پس از خود، امام حسـین(ع) را و اینک پـدر تو کشـته شـده و کسـی را به جای خود معین نکرده است و من عموی تو هسـتم و هم‌ردیف با پـدر تو و من فرزنـد علی هسـتم و با این سنّ و سابقه‌ای که دارم از تو که نوجوانی، به امر امامت سزاوارترم، بنابراین در امر وصایت و جانشینی و امامت با من نزاع مکن و احتجاج منما!

حضرت سجّاد(ع) فرمود:

(یا عمّ اتّق اللَه و لا تَدَّعِ ما لَیسَ لَکَ بِحَقٍّ، إنّی أعِظُکَ أن تَکونَ مِنَ الجاهلین) «ای عمو جان از خدا بپرهیز و دنبال مقامی که شایسته تو نیست مرو، به تو اندرز می‌دهم که مبادا از جاهلان باشی».

پدر من قبل از آن‌که متوجّه به سوی عراق شود به من وصیّت کرد، و ساعتی قبل از آن‌که در کربلا کشته

ص: ۱۹۱

شود در امر امـامت از من پیمان گرفت، و اینک اسـلحه رسول خـدا(ص) که علامت امامت است در نزد من است، پس متعرّض این مقام مشو که می‌ترسم بـدین سـبب عمرت کوتاه و حالت تباه گردد. خداونـد تعالی امامت را در اولاد حضـرت حسـین(ع) قرار داده است، و اگر می‌خواهی یقین پیدا کنی بیا با هم نزد حجرالأسود برویم و او را حَکَم بین خود قرار داده و از او سئوال کنیم.

پس هر دو کنار حجرالأسود آمدند، حضـرت سـجّاد(ع) به محمّد بن‌حنفیه گفتند: با تضـرّع و ابتهال به سوی خداوند از او بخواه که حجرالأسود را برای تو به سخن

ص: ۱۹۲

درآورد، آن‌گاه از حجرالأسود سئوال کن که امام بعد از حسین‌بن‌علی(ع) کیست؟

محمّدبن‌حنفیه چنین کرد ولی پاسخی نشنید.

حضرت سجّاد(ع) فرمود: ای عمو جان اگر تو امام و وصی بودی هر آینه حجر پاسخت را می‌داد.

محمّد گفت: حال ای برادرزاده! تو خدا را بخوان و دعا کن و از حجر سئوال کن.

حضرت سجّاد(ع) چنین کرد و سپس گفت: ای حجر تو را سوگند می‌دهم به آن خدایی که در تو میثاق انبیاء، اوصیاء و جمیع خلایق را قرار داده است که بگویی وصیّ و امام بعد از حسین‌بن‌علی(ع) کیست؟

ناگهان حَجَر چنان به حرکت درآمد که نزدیک بود از جای خود کنده شود! آن‌گاه به زبان عربی فصیح گفت: امامت بعد از حسین بن علی(ع) برای علیّ‌بن‌الحسین بن فاطمهٔ بنت‌رسول‌الله(ص) است.

در این حال محمّدبن‌حنفیه مراجعت نمود در حالی که ولایت حضرت سجّاد(ع) را پذیرفت و به عهده گرفت.

تاریخ پرده و پرده‌داری کعبه، به چه زمانی برمی‌گردد؟

گفته شده که برای نخستین بار، حضرت

ص: ۱۹۳

اسماعیل(ع) پرده‌ای بر روی کعبه کشید. بعدها قریش این سنّت را ادامه دادند و پرده‌داری کعبه، منصبی ویژه شد.

رسول گرامی اسلام(ص) پس از فتح مکّه، پرده خانه کعبه را عوض نمود. پوشاندن جامه بر قامت کعبه که بیشتر به هدف حفظ دیوارهای آن از آسیب‌های بیرونی و نیز حرمت نهادن به آن بوده، به مرور، شکل سیاسی به خود گرفت و برای بافنده آن، مایه افتخار بود.

پرده کعبه به دلیل قرار گرفتن در معرض آفتاب و باران و باد، هر ساله نیاز به تجدید و تعویض دارد که در دوره معاصر، در روز عرفه یا عید قربان زمانی که

ص: ۱۹۴

همه حاجیان عازم مشاعر مقدّسه می‌شوند- این کار صورت می‌پذیرد.

پرده کعبه در قرون اخیر به رنـگ مشـکی بـوده که نوشـته‌های آن به رنـگ طلا-یی بـافته می‌شود، امّـا در برخی موارد از رنگ‌هـای دیگری هم اسـتفاده می‌شده است. برای نمونه در زمان ملک‌شاه سـلجوقی، پرده ارسالی رنگ زرد، در زمان النّاصـر عبّاسی به رنگ سبز و از اواخر خلافت وی، به رنـگ مشـکی تهیّه می‌گردیـده است، که گویـا از آن پس تا به حال، مشـکی بودن رنگ پرده کعبه استمرار داشته است.

در حال حاضـر کارگاه پرده‌بافی کعبه در مساحت صدهزار متر مربّع و مجهّز به ابزارهای پیشـرفته، در جاده قدیم مدینه قرار دارد که به‌خاطر محدودیت‌ها و موانع، فقط تعداد اندکی از زائران، موفّق به بازدید از این محلّ می‌شوند.

برای بافت پرده کعبه، از ابریشم سفید خالص و رشته‌های نقره‌ای و طلافام استفاده می‌شود، به‌طوری‌که در حال حاضر برای تهیه آن، سالانه بیش ازهفده میلیون ریال سعودی(حدود چهار میلیارد تومان) هزینه می‌شود.

مقام ابراهیم

تقریباً روبروی در کعبه، در محفظه‌ای

ص: ۱۹۵

فلزی، سنگی قرار دارد به نام مقام ابراهیم، لطفاً درباره آن برایمان صحبت نمایید.

از جاهای مقدّس و با عظمت مسجدالحرام، مقام ابراهیم است. امام صادق(ع) در بیان مراد از بیّنات در آیه شریفه(فیه آیاتٌ بیّناتٌ) (۱) فرموده‌اند: نشانه‌های روشن الهی؛ یکی مقام ابراهیم است؛ همان سنگی که ابراهیم(ع) بر روی آن ایستاد و اثر پاهایش روی آن باقی ماند، و دیگر حَجَرالأسود و حجر اسماعیل.

خداوند سبحان در قرآن مجید ما را به نماز در کنار مقام ابراهیم سفارش نموده است:(وَ اتَّخِذُوا

۱- آل عمران، آیه ۹۷.

ص: ۱۹۶

مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلّی) (۱)

در مقام ابراهیم عبادتگاهی برای خود اختیار کنید.

این سنگ به شکل تقریبی مربّع با طول و عرض ۴۰ سانتیمتر و ارتفاع تقریبی ۵۰ سانتیمتر به رنگ میانه زرد و قرمز متمایل به سفید است. در آغاز به‌طور آزاد در کنار کعبه بر روی زمین قرار داشت. آنگاه آن را در ملتزم نصب کردند تا جابه‌جا نشود از زمان مهدی عبّاسی (۲) به بعد، این سنگ با طلا پوشانده شد تا صدمه‌ای نبیند. و حال حاضر درون محفظه‌ای فلزی قرار دارد.

درباره شکل گیری مقام ابراهیم چند وجه محتمل است:

۱- هنگام ساختن کعبه، حضرت ابراهیم روی آن می‌ایستادند، لذا اثر پا بر روی آن مانده است؛ یعنی نظیر جسمی نرم، اثرپذیر شد.

۲- هنگامی که حضرت ابراهیم برای بار دوّم به مکّه برگشت، همسر اسماعیل به وی گفت: پیاده شوید تا من سر شما را شستشو دهم. حضرت هنگام پیاده شدن، پا روی آن سنگ گذاشت و اثر پایش در آن باقی ماند.

۳- هنگام اجرای فرمان(

۱- بقره، آیه ۱۲۵.

۲- نیمه دوم قرن دوم هجری.

ص: ۱۹۷

) (۱) بالای آن سنگ رفت و اعلان کرد که مردم به طرف کعبه بیایند و حجّ به‌جا آورند، در این‌حال اثر پا در سنگ پدید آمد. (۲)

مُلتَزَم، مُستَجار و حَطیم کجاست و چه فضیلتی دارند؟

قسمتی از پایین دیوار کعبه را، که در یک سوی آن حَجَرالأسود و در سوی دیگرش باب کعبه قرار دارد، ملتزم می‌نامند. علّت نام‌گذاری آن به این‌خاطر است که مردم در آن قسمت می‌ایستند و ملازم آن شده و به آن می‌چسبند و دعا می‌کنند.

۱- حج، ۲۷.

۲- آیه الله جوادی آملی، صهبای حج، ص ۲۷۸.

ص: ۱۹۸

رسول خدا(ص) فرمودند:(کسی در کنار ملتزم خواسته‌ای ندارد مگر این‌که برای او مستجاب خواهد شد.) (۱) هم‌چنین امیرالمؤمنین(ع) فرمود:(در کنار ملتزم به همه گناهانتان اقرار کنید چه آن گناهانی که به یاد دارید و چه آن‌هایی را که فراموش نموده‌اید.) (۲) مقابل ملتزم، درست در سوی دیگر کعبه، دیوار کنار رکن یمانی را مستجار نامند، به معنای محلّ پناه‌بردن به خدای مهربان.

امام صادق(ع) به ابن‌عمّار فرمود: چون در دور هفتم طواف نزدیک رکن یمانی رسیدی آن‌جا مستجار است، صورت و سینه خود را به کعبه بچسبان و این‌گونه بگو:(اللّهُمَّ البَیتُ بَیتُکَ وَ العَبدُ عَبدُکَ وَ هذا مَقامُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ)، یعنی: «بارالها! خانه، خانه توست! بنده، بنده توست! و این‌جا، جای پناه‌آوردن به توست!»، آن‌گاه به خطاها و لغزش‌هایت اعتراف کن زیرا هیچ مؤمنی در این مکان به گناهان خویش اقرار نمی‌کند مگر آن‌که بخشوده خواهد شد. (۳)

۱- محمدی ری‌شهری، الحج و العمره فی الکتاب و السنهٔ، ص ۱۰۹ ح ۲۱

۲- همان، ص ۱۱۰، ح ۲۱۵.

۳- محمدی ری‌شهری، الحج و العمرهٔ فی الکتاب و السنهٔ، ص ۱۱۱، ح ۲۱۸.

ص: ۱۹۹

از امام زین‌العابـدین(ع) نقل شـده که فرمودنـد:(آدم بعـد از هبوط به زمین، نزدیک خانه شـد و کنار ملتزم آمـد آن‌گاه دسـتانش را به‌سوی آسـمان بلنـد نمـود و گفت: خـدایا مغفرتت را شامـل حـالم کن، نـدا آمـد: هر آینه تو را بخشودم. آدم مجـدّداً عرض کرد: فرزنـدانم چه؟ خداونـد مهربان خطاب فرمود: هر کس از فرزنـدانت با اقرار به گناهانش به این‌جا بیاید، او را خواهم بخشـید.) (۱) و امّا درباره محدوده حطیم، اقوال مختلفی هست:

* فاصله میان حَجَرالأسود و درِ کعبه.

۱- همان، ص ۱۱۱، ح ۲۲۰.

ص: ۲۰۰

* همان دیوار قوسی مقابل ناودان طلا.

* محدوده داخلی حجر اسماعیل.

* قسمتی از سطح مسجدالحرام است که از حجرالاسود آغاز و به سمت چاه زمزم و از آن‌جا تا مقام ابراهیم و پس از آن تا حجر اسماعیل ادامه می‌یابد. (۱) درباره علّت نام‌گذاری این مکان به حطیم هم وجوهی گفته شده از جمله این‌که، مردم بر اثر ازدحام، یک‌دیگر را در فشار قرار می‌دهند. (۲) آیا حضرت اسماعیل همراه مادرش هاجر(ع) در محدوده حِجر زندگی می‌نموده‌اند؟ و آیا مدفن بعضی از پیامبران از جمله حضرت هود(ع) در این مکان است؟

حجر اسماعیل یادگار دوران ابراهیم و اسماعیل(ع) است. امام صادق(ع) می‌فرمایند: حجر، خانه اسماعیل و محلّ دفن هاجر و اسماعیل است و در برخی روایات آمده که پیامبران زیادی در این‌جا مدفونند. از پیامبرانی که احتمال دفنشان در این مکان داده شده، حضرت هود(ع) است. (۳)

۱- جوادی آملی، صهبای حج، ص ۲۷۱؛ و رسول جعفریان، آثار اسلامی مکّه و مدینه، ص ۹۷.

۲- جوادی آملی، صهبای حج، ص ۲۷۱.

۳- مجلّه میقات، شماره ۹، ص ۱۰۸.

ص: ۲۰۱

لـذا این مکـان از مکان‌هـای بسـیار مقـدّس و پرخاطرهٔ مسـجدالحرام است که شاهـد وقایع گوناگونی بوده و مجموعه‌ای گران‌بها از خاطرات تلخ و شیرین را در خود جای داده است.

داسـتان‌ها و رؤیاهای اجداد طاهرین پیامبر صـلوات الله علیهم اجمعین ونیز حضور مداوم رسول اعظم(ص) در حجر، صفحات زرّینی را در تاریـخ اسـلام، به یادگـار گذاشـته است. در یـک نگاه، حجر؛ محلّ جلوس، موضع اعلام رسالت، جایگاه تلاوت آیات قرآن، محلّ عبادت، مکان پاسخ به سؤالات، و موضع وقوع و مشاهده معجزات پیامبر(ص) مثل شقّ

ص: ۲۰۲

القمر و معراج بوده است.

همچنین ائمّه اطهار: در حجر اسماعیل خاطراتی بس شنیدنی دارند؛ گاه عاشقانه با معبود خویش نجوا نموده و با دلی سوزان و اشکی روان، پاکی سرشت و صفای سیرتشان را در طَبَق اخلاص نهاده‌اند. و گاه از این‌جا بر ناریان تاخته و با حقیقت، دل تاریک و سیاه آنان را شکافته و به خشوع و کرنششان در برابر حق واداشته‌اند، این‌جا را مَدرس خود قرار داده و درس توحید و معارف گفته‌اند و گاهی هم از اسرار، سخن به میان آورده‌اند.

طاووس یمانی نقل می‌کند: شبی داخل حجر شدم، علی‌بن‌الحسین(ع) را دیدم که وارد حجر شد و مشغول نماز گردید، آن‌گاه به سجده افتاد، با خود گفتم او مردی صالح از اهل بیت پیامبر(ص) است همین‌جا بنشینم و به دعایش گوش فرا دهم. همین‌که نزدیکش شدم، شنیدم که در سجده با چنان سوز و گدازی می‌گفت:(عُبَیدُکَ بِفِناءِکَ، مِسکینُکَ بِفِناءِکَ، فَقیرُکَ بِفِناءِکَ، سائِلُکَ بِفِناءِکَ.) یعنی: بنده کوچک تو در آستان توست! مسکین تو در آستان توست! فقیر تو در آستان توست! نیازمند تو در آستان توست!

طاووس می‌گوید این دعا را در هر گرفتاری که

ص: ۲۰۳

خواندم، خداوند گره از مشکل کارم گشود. (۱)

داستان شکافتن ماه

لطفاً داستان شقّ‌القمر را تعریف نمایید.

شبی رسول خدا(ص) در حجر اسماعیل نشسته بود، قریش نیز در محفلی مشغول سخن‌پراکنی بودند، در این‌هنگام یکی از ایشان گفت: ماجرای محمّد ما را بیچاره و وامانده ساخته است، ما نمی‌دانیم درباره او چه بگوییم؟

۱- برای مطالعه بیشتر درباره حجر اسماعیل به مجلّه میقات، شماره ۸ و ۹ مراجعه فرمایید.

ص: ۲۰۴

یک نفر از آنان پیشنهاد خود را این‌گونه مطرح ساخت: بیایید هم‌اکنون همه ما از جای برخیزیم و به نزد وی برویم و از او بخواهیم برای اثبات ادّعای خود، نشانه‌ای از آسمان بیاورد، چرا که سحر او در آسمان تأثیر ندارد!

این پیشنهاد مورد پذیرش قرار گرفت و همگان به طرف رسول خدا(ص) در حجر اسماعیل به راه افتادند وبه محض رسیدن، خواسته خود را مطرح ساختند.

پیامبر اکرم(ص) در حالی که به سمت ماه اشاره می‌نمود فرمود: آیا این ماه را که در این شب‌چهاردهم، تمام آن روشن است، می‌بینید؟

گفتند: بلی.

فرمود: آیا دوست دارید که آن نشانه در این ماه صورت پذیرد؟

گفتند: پیشنهاد بسیار خوبی است.

رسول خدا(ص) با انگشت خود اشاره نمود و ماه به دو نیم تقسیم شد و همه آنان این واقعه را به خوبی مشاهده کردند. پس از آن ایشان خواهان به‌هم‌چسبیدن ماه شدند! رسول خدا(ص) بار دیگر اشاره فرمود و ماه به حالت اوّلیّه خود بازگشت. مشرکین سیاه‌دل و نگون‌بخت به‌جای آن‌که ایمان بیاورند و دست از لجاجت جاهلانه بردارند، گفتند: سحر محمّد در آسمان نیز کارگر است!

ص: ۲۰۵

این‌جا بود که آیات اوّل سوره قمر(اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ وَ إِنْ یَرَوْا آیَةً یُعْرِضُوا وَ یَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ) نازل گشت؛ یعنی(

ص: ۲۰۶

، و هرگاه نشانه‌ای ببینند، روی بگردانند و گویند: سحری دائم و همیشگی است.) (۱) طبق نقل بعضی رسانه‌های خبری، ستاره‌شناسان و محقّقین علم نجوم، به تازگی از آثار به‌جا مانده بر روی ماه، متوجّه شده‌اند که گویا ماه در دوره‌ای از

۱- مجلّه میقات، شماره ۹، ص ۱۲۵.

ص: ۲۰۷

زمان به دو نیم شده و مجدّداً به هم چسبیده است!

بعد از طواف و نماز آن، برای انجام عمل بعدی، یعنی سعی صفا و مروه به محلّ سعی می‌رویم، لطفا نکات ضروری این عمل عبادی را شرح دهید.

نکاتی درباره سعی

پس از انجام نماز طواف، باید هفت مرتبه فاصله بین صفا و مروه را که در حال حاضر به‌صورت سالنی ساخته شده و کنار مسجدالحرام قرار دارد، بپیماییم و این عمل عبادی سعی نامیده می شود.

چند نکته درباره سعی را به‌خاطر بسپارید:

- سعی باید از «صفا» آغاز و به «مروه» ختم شود.

- پیمودن فاصله صفا تا مروه یک دور و برگشتن از مروه به صفا دور دوّم به حساب می‌آید، نه این‌که رفتن و برگشتن یک دور به حساب آید، بنابراین دور هفتم سعی به «مروه» ختم می‌شود.

- نشستن و استراحت کردن و رفع خستگی بر بالای صفا و مروه و در بین آن‌ها جایز است و اگر در بین سعی باشد، باید از همان‌جا که سعی را قطع نموده، ادامه دهد.

-

ص: ۲۰۸

– سعی بین صفا و مروه لازم نیست با وضو و طهارت انجام شود، گر چه مستحب است، بنابراین زن حائض نیز باید سعی را خودش به‌جا آورد.

– سعی در قسمتی که اخیراً در طبقه هم‌کف توسعه‌یافته است صحیح است، امّا در طبقه دوّم و پشت‌بام چون بالاتر از دو کوه صفا و مروه می‌باشد، اشکال دارد.

– در سعی، وقتی که به طرف مروه می‌روید واجب است رو به مروه و وقتی که به طرف صفا می‌روید، رو به صفا باشید، پس اگر عقب‌عقب یا به پهلو بروید، سعی باطل است. ولی نگاه کردن به چپ و راست و گاهی به پشت سر مثلًا برای آن که ببینید

–

ص: ۲۰۹

همراهانتان می‌آیند، اشکالی ندارد.

– تأخیر انداختن سعی و فاصله زیاد بین نماز طواف و سعی؛ مثلًا برای برطرف شدن خستگی یا تمام شدن طواف دوستان، اشکالی ندارد ولی تأخیر انداختن سعی به روز بعد بدون عذر جایز نیست.

– اگر شخصی متوجّه شود که سعی را از مروه شروع کرده، باید آن را دوباره انجام دهد.

– محل سعی جزء مسجد نیست بنابراین کسی مانند حائض که نباید داخل مسجدالحرام شود، می‌تواند به محلّ سعی برود و سعی را خودش به‌جا آورد.

– «هروله» که در قسمتی از سعی، برای مردان مستحب است، برای بانوان مستحب نیست. در ضمن «هروله» به معنای دویدن یا به حالت رژه رفتن نیست بلکه به معنای کمی تندتر و شتابان راه‌رفتن است.

– بانوانی که در ایّام عادت به سر می‌برند، به هیچ عنوان نمی‌توانند وارد مسجدالحرام شوند. بهترین راه برای این افراد، نشستن روی کوه صفا و نگاه به کعبه و اشتغال به ذکر و دعا و مناجات است.

آیا زدنِ پا به سنگ‌های کوه صفا و مروه واجب است؟

خیر، وقتی از صفا به طرف مروه می‌رویم، به

ص: ۲۱۰

محض تمام شدن نرده‌های وسط سالن، دور زده و به طرف صفا، سعیمان را ادامه می‌دهیم و وقتی به صفا رسیدیم از ابتدای شیب صفا بر می‌گردیم و به کارهای زایدی که عوام النّاس انجام می‌دهند توجّه نمی‌کنیم.

برتری حلق بر تقصیر

وقتی سعی بین «صفا» و «مروه» به پایان رسید، در «مروه» باید تقصیر کنیم، یعنی قدری از ناخن یا موی سر و یا صورت خود را بچینیم، آیا مردان می‌توانند به‌جای تقصیر، حلق نمایند یعنی

ص: ۲۱۱

سر خود را بتراشند؟

اوّلًا، تقصیر مکان معینی ندارد ولذا لازم نیست حتماً در «مروه» انجام شود، گرچه در حال حاضر متعارف است که بعد از سعی، در مکان «مروه» تقصیر می کنند.

ثانیاً، تراشیدن سر در عمره مفرده جایز است، بلکه ثواب و تأکید بر انجام آن شده است.

البتّه رجحان حلق بر تقصیر اختصاص به مردان دارد و بانوان عمره گزار، فقط باید تقصیر نمایند، هم‌چنین به هنگام تقصیر مواظب پوشیدن موی خود از نامحرمان باشند.

کسی که حلق یا تقصیر کرده، می‌تواند در انجام این عمل به دیگری کمک کند.

و امّا آخرین عمل ...

دو کار دیگر باقی مانده؛ و آن طواف نساء و نماز آن است که در احکام و شرایط دقیقاً همانند طواف اوّل است. این طواف و نمازش با طواف اوّل در وجوب، هیچ فرقی با هم ندارند.

فلسفه طواف نساء

آیا این طواف را فقط باید مردان انجام دهند؟

ص: ۲۱۲

خیر، نه تنها مردان و زنان همسردار، بلکه آن‌هایی که همسر ندارنـد یا به سنّ پیری رسیده‌اند و حتّی اطفالی که همراه ما هستند و آن‌ها را لباس احرام می‌پوشانیم، بایـد طواف نساء را انجام دهنـد و اگر بچّه‌ها این طواف را انجام ندهنـد، بعـدها وقتی که بزرگ شدند و می‌خواهند ازدواج نمایند تا این طواف را انجام ندهند، نمی‌توانند ازدواج کنند.

پس چرا نامش طواف نساء است؟

از باب تغلیب است؛ یعنی وقتی از مسائل جنسی سخنی به میان می‌آید، جلوه‌گری و خودنمایی

ص: ۲۱۳

جنس مؤنّث بیشتر به ذهن خطور می کند تا جنس مذکّر. تغلیب، در زبان عربی مورد استفاده قرار می گیرد؛ مثلًا به امام حسن و امام حسین، و حضرت زینب و حضرت امّ کلثوم:، حسنین و زینبین گفته می‌شود، یا به امام صادق و امام باقر(ع)، باقرین و صادقین گفته می‌شود، یا به خورشید و ماه شمسین و قمرین گفته می‌شود.

البتّه بعد از حلق یا تقصیر کلّیه محرّمات احرام به‌غیر از تمتّعات جنسی حلال شده و می‌توان لباس‌های احرام را درآورد، و بعد از طواف نساء و نماز آن، تمتّعات جنسی هم حلال خواهد شد.

در ضمن لازم نیست فوراً بعد از حلق یا تقصیر، طواف نساء را به‌جا آورد، بلکه می‌توان با تأخیر آن را انجام داد.

ص: ۲۱۴

زیارت دوره

در مکّه هم مثل شهر مدینه، برنامه زیارت دوره داریم، در این شهر به دیدن چه مکان‌هایی خواهیم رفت؟

قبرستان ابوطالب،

دو کوهی که غار حراء و ثور در آن قرار دارد،

عرفات، مشعر و منا.

چه زمانی برای رفتن به غار حرا و ثور

ص: ۲۱۵

مناسب است؟

برای صعود به غار حراء، نزدیکی‌های عصر، و برای صعود به غار ثور، حدود ساعات اولیه صبح مناسب است.

زیرا صعود به غار حراء از دامنه شرقی کوه نور، و صعود به غار ثور از دامنه غربی کوه ثور می‌باشد و در ساعات فوق، اشعّه خورشید کمترین تابش را بر بدن خواهد داشت.

نکات دیگر صعود به این دو کوه ...؟

چند تجربه سودمند در این‌باره:

حتماً از کفش کتانی مناسب، برای این‌کار استفاده کنید، نه با دم‌پایی و کفش میهمانی! اگر قبل از سفر، برای آن تدارک ببینید، بهتر است.

یک روز قبل از صعود به کوه، یک بطری آب یک‌لیتری در جایخی یخچال بگذارید تا کاملًا یخ ببندد تا در طول مسیر رفت و برگشت، به مرور آب شده و تا پایان مسافت، آب خنک برای نوشیدن داشته باشید.

مقداری مواد خوراکی، مخصوصاً میوه، همراه داشته باشید.

بالای کوه و بین راه، مخصوصاً هنگام نماز یا دعا، مواظب کیف و دوربین و اشیای دیگر خود باشید، زیرا در کوه نور، میمون‌های زیادی زندگی می‌کنند و

ص: ۲۱۶

منتظر فرصتند تا اشیای شما را به عنوان خوراکی برداشته و پا به فرار گذارند!

در صورت ازدحام بیش از حدّ در غار حراء، اگر احیاناً می‌خواهید نماز تحیّت بخوانید، می‌توانید بیرون غار و یا حتّی در مسجدالحرام بخوانید، خداوند إن‌شاءالله قبول خواهد نمود و اگر احیاناً توفیق پیدا نمودید درون غار شوید به یک نماز کوتاه بسنده کنید تا نوبت به دیگران هم برسد.

گاهی اوقات در شلوغی و فشار جمعیّت، مسائل محرم و نامحرم رعایت نشده و باعث زحمت برای سایرین خواهد شد. در واقع به‌خاطر انجام یک عمل

ص: ۲۱۷

مستحبّ، مرتکب چندین گناه و حرام شده‌ایم!

زباله‌های خود را در کوه نریزید بلکه آن‌ها را با خود آورده و درون سطل‌های زباله پایین کوه بریزید. شایسته یک مسلمان نیست که طبیعت خدا را این‌چنین آلوده کند چه رسد به مکان مقدّس و کوهی که به کوه قرآن، کوه اسلام و کوه نور معروف است و پیامبر اعظم(ص) برای مدّت مدیدی در بالای آن، اوقات شریفشان را به عبادت سپری می‌نموده‌اند. در ضمن دیگران را هم سفارش به این امر و رعایت نظافت بنمایید.

ص: ۲۱۸

کوی عشق

ای دل اگر عزم دیار یار داری قصد حجاز و کعبه دیدار داری

شوق شهود حضرت دل‌دار داری اوّل ز دل نقش سِوَی‌الله پاک گردان

باید نخست از جامه عصیان برآیی با جامه طاعت به کوی دلبر آیی

بشکست اگر پایت در این ره با سر آیی تا گام بتوانی زدن در کوی جانان

احرام بستی در رهش از جان گذشتی؟

ص: ۲۱۹

وز دنیای دون در ره ایمان گذشتی؟ از هر چه جز یاد رخ جانان گذشتی؟

کان‌جا شوی در باغ حسن دوست مهمان؟ لبّیک گویان آمدی در کوی یاری؟

کردی در آن درگاه عزّت، آه و زاری؟ گشتی ز اشک شوق چون ابر بهاری؟

تا خار زار دل شود باغ و گلستان؟ احرام چون بستی به کوی عشق ایزد

لبّیک گفتی دعوت آن یار سرمد گشتی چو محو جلوه آن حسن بی‌حدّ

دیدی درون کعبه دل نور سبحان؟ کار تن و جان را به ایزد واگذاری

زادی به جز مهرش در این ره برنداری گامی مزن جز بر رضای ذات باری

جز طاعتش باش از همه‌کاری پشیمان

جمال کعبه

به‌کعبه رفتم و زآن‌جا، هوای کوی‌تو کردم جمال کعبه تماشا به یاد روی تو کردم

شعار کعبه چو دیدم سیاه، دست تمنّا دراز جانب شَعر سیاه‌موی تو کردم

ص: ۲۲۰

چو حلقه درِ کعبه به صد نیاز گرفتم دعای حلقه گیسوی مشک‌بوی تو کردم
نهاده خلق حرم سوی کعبه روی عبادت من از میان همه روی دل به‌سوی تو کردم
مرا به هیچ مقامی نبود، غیر تو نامی طواف‌وسعی که کردم به‌جستجوی تو کردم
به موقف عرفات ایستاده خلق دعاخوان من از دعا لب خود بسته، گفتگوی تو کردم

ص: ۲۲۱

فتاده اهل منا در پی مُنا و مقاصد چو جامی از همه فارغ، من آرزوی تو کردم

سائل درگه

من کیم بنده ضعیف و ذلیل سائل درگه خدای جلیل

هستی‌از دست‌داده‌ای هستم بنده بی‌اراده‌ای هستم

که ارادت به کوی او دارم چشم‌رحمت به‌سوی او دارم

باز احرام بسته‌ام یا ربّ خسته و دل‌شکسته‌ام یا ربّ

ارمغان اشک و آه آوردم به حریمت پناه آوردم

آمدم مَحرم حرم گردم غوطه‌ور در یَمِ کرم گردم

آمدم فارغ از غمم سازی مُجرمم بلکه مَحرمم سازی

آمدم من بر آستانه تو تا بگردم بگرد خانه تو

ای‌که وصلت به عقل‌اندر نیست دیدنت‌چون به‌کس میسّرنیست

ص: ۲۲۲

لطف تو بِه ز هر کس‌است مرا دیدن خانه‌ات بس است مرا

آمدم تا شوم کنار حطیم من مقیم مقام ابراهیم

هاجرآسا به حِجر اسماعیل من بخوانم تو را به نام خلیل

تا شود یا مفتّح الابواب جانم از بوسه حَجَر سیراب

ای خضوع تمام ابراهیم به خشوعت سلام ابراهیم

ص: ۲۲۳

خالق بخشنده

من ماندم و آهی که تو می‌دانی و من با روی سیاهی که تو می‌دانی و من

ای خالق بخشنده ببخشا و بپوش هرگونه گناهی که تو می‌دانی و من

یک لحظه نگاه

بر درگه لطف و کرمت یا الله من جامه‌سفید آمدم و نامه‌سیاه

در پیش تو آمدم که از من بخری یک عمر گناه را به یک‌لحظه نگاه

ص: ۲۲۴

بعد از رسیدن به مکّه و استقرار در هتل، و کمی استراحت شبانه، وپس از صرف صبحانه، به طرف مسجدالحرام حرکت نموده و اعمال عمره را با موفّقیّت و بدون وجود هر گونه مشکل به‌جا آوردیم.

شب دوّم، بعد از صرف شام، حدود ساعت ده شب، روحانی محترم به همراه مدیر کاروان، معذورین و افراد سال‌خورده را برای انجام اعمال و مناسکشان به حرم برده و اعمال آن‌ها هم با صحّت و سلامت به پایان رسید.

ص: ۲۲۵

الان سوّمین روزی است که پا به این سرزمین مقدّس و نورانی گذاشته‌ایم، شهری که اصلًا احساس غربت در آن نمی‌کنی! گویا در شهر و دیار خود به سر می‌بری! و عطر و شمیم دل‌انگیز قدوم مبارک حضرت محمّد مصطفی(ص) را حس می‌کنی! از سراسر دنیا آمده‌اند، زرد و سفید و سیاه و سرخ! پیر و جوان و خرد و کلان! همه میهمان خدایند و عزیز، و ما باید به تمامی آنان با دیده تکریم و مهربانی نظر کنیم، نه این‌که خدای نخواسته خود را از آنان بهتر و بالاتر بدانیم که در این صورت، سقوط ما حتمی است، تکبّر و خودپسندی همان! و از لطف و رحمت خدای متعال، رانده شدن همان! مگر شیطان لعین، کاری جز این کرد! او خود را بهتر از آدم دید و همین امر، موجب سقوط او و نابودی عبادات چندین هزار ساله او شد.

گرمای شدید و تابش مستقیم نور آفتاب رو به کاهش است و غروب دل‌انگیز مسجدالحرام کم‌کم فرا می‌رسد. بعد از انجام طواف مستحبّی، منتظر می‌مانیم تا وقت نماز مغرب فرا رسد.

پشت مقام ابراهیم و نزدیک آب زمزم، مکان خوبی برای نشستن است آن‌جا معمولًا هم خلوت است و هم پشت سر امام جماعت است.

انواع طواف‌ها را نام ببرید:

ص: ۲۲۶

۱. طواف عمره مفرده.

۲. طواف عمره تمتّع.

۳. طواف زیارت.

۴. طواف نساء.

۵. طواف وداع.

۶. طواف مستحبّ.

چندتای آن‌ها از طواف‌های واجب است؟

چهارتای اوّل واجب، و دوتای آخر مستحب است.

ص: ۲۲۷

طواف وداع

خیلی از زائران دوست ندارند، طواف وداع به‌جا بیاورند! دلیلش چیست؟

زیرا فکر می‌کنند که با انجام این طواف، دیگر موفّق به تشرّف به این سفر روحانی و لذّت‌بخش نخواهند شد! یا این‌که خداحافظی از خانه خدا مثلًا یک نوع بی‌احترامی به حرم و کعبه و مکّه است! در حالی‌که این‌طور نیست. بلکه به‌عکس، هم‌چنان که در روایات آمده؛ خداحافظی از کعبه و مکّه، یک نوع عرض ادب و احترام به ساحت مقدّس آنان است.

هم‌چنین طواف وداع پیام مهم‌تر دیگری نیز دارد و آن این‌که با طواف وداع، از بدی‌ها و رذیله‌های اخلاقی و اعتقادی خداحافظی کرده و آن‌ها را از خود دور کنیم. کردار و گفتار خویش را نکو نماییم و به تمام پلیدی‌ها و پلشتی‌ها، پشت نموده و رنگ و جلای خدایی بگیریم. درجه استقامت و استواری خود را در برابر ناملایمات و سرد و گرم روزگار بالا ببریم، و در

ص: ۲۲۸

یک کلام، بنده خوب و خالص خدا گردیم.

مگر حضرت ابراهیم‌خلیل و اسماعیل ذبیح(ع)، بعد از تجدید بنای کعبه و تحمّل آن‌همه شکنجه‌ها و شدائد، دعایشان این نبود که پروردگار عالم آنها را تسلیم فرمان خود قرار دهد و از نسل‌شان امّتی فرمان‌بردار خود پدید آورد و آداب دینی را به آنان نشان دهد.

و مگر نه این‌که خدای سبحان در قرآن کریمش فرموده‌اند!: فَلا وَ رَبِّکَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً (۱)

به‌پروردگارت قَسَم که

۱- نساء، آیه ۶۵.

ص: ۲۲۹

آن‌ها مؤمن نخواهند بود، مگر این‌که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس، از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملًا تسلیم باشند.

نه این‌که در مکّه و مدینه، سخت مشغول عبادت و نماز و دعا و تلاوت قرآن باشیم، امّا هنوز به شهر و دیارمان نرسیده، همان‌کسی باشیم که سابقاً بودیم بدون هیچ تغییر محسوس و قابل ملاحظه‌ای! اگر این باشد، سفر با آن‌همه عظمت در ما تأثیر چندانی نداشته و یقین داشته باشیم که وضعیّت چندان مناسبی نداریم و باید فکر اساسی‌تری به حال خود نماییم!

طواف وداع، یعنی این!

بلی، با توّجه به این نکته، در روایات اهل‌بیت: داریم که در وقت وداع از مکّه و کعبه، از خدای سبحان بخواهید که این سفر را سفر آخر شما قرار ندهد و إن‌شاءالله بارها و بارها به این سفر معنوی و روح افزا مشرّف شوید و تا جان در بدن دارید در راه وصول به اعلی درجه انسانیّت و اخلاص قدم بردارید.

و سرانجام وقت جدایی فرا رسید، آخرین ساعات حضور ما در مکّه و این‌جا مسجدالحرام و طواف وداع،

ص: ۲۳۰

بغض بر گلو و این اشعار بر لب:

خداحافظ ای کعبه، ای بزم یار خداحافظ ای بیت پرودگار

خداحافظ ای محفل اهل راز خداحافظ ای قبله‌ام در نماز

خداحافظ ای کوی مطلوب من خداحافظ ای بیت محبوب من

خداحافظ ای از تو دل منجلی خداحافظ ای زادگاه علی

خداحافظ ای سجده‌گاه رسول

ص: ۲۳۱

خداحافظ ای جای پای بتول خداحافظ ای شمع هر انجمن

محلّ طواف حسین و حسن به خاک تو ای آرزوی همه

بود جای پیشانی فاطمه اگر میهمان بدی بوده‌ام

به دامان پاک تو رخ سوده‌ام از این در برون با چه حالی روم

مبادا که با دست خالی روم خوش‌آن‌دم که‌با سوزوشور و دعا

درآغوش خود من گرفتم تورا خوش آن‌دم که در استلام حَجَر نهادم به دامان پاک تو سر

چو مُحرم شدم با تو مَحرم شدم کنار تو از اشک، زمزم شدم

اگر خواهی از خود جدایم کنی کرم کن که عبد خدایم کنی

صفایی دگر بر روانم بده امام زمانم نشانم بده

سراپا شدم ناله و اشک و سوز

ص: ۲۳۲

امام زمانم ندیدم هنوز به ناچار اگر می‌روم زین‌حرم

مبادا بُوَد نوبت آخرم اگرچه به وقت وداع همه

شنیدی ز هر حاجی‌ای زمزمه دلش از شرار غم افروختی

به وقت خداحافظی سوختی همان‌شب که‌با گریه‌و شوروشین

خداحافظی کرد با تو حسین چه باشد مرا هم عطایی کنی

چو مولای خود کربلایی کنی

«وآخر دعوانا ان الحمدللّه ربّ‌العالمین»

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».